

ماهنامه فرهنگ اجتماع جوانان ایران ۱۱۶
شماره ۱۱۶ پیاپی ۴۷۴ / فروردین ماه ۱۳۹۴ / قیمت ۱۱۰۰ تومان

جوان

تاریخ به قرائت اولین‌ها

گام به گام تا وصل

الگوی مناسب برای ایران

در بهار، چه بخوریم
سال کسب سهمیه‌ها
سلامت باشید و بهاری
پرسه در حوالی معنویت

در بهاری‌ترین روزهای سال...

بوی عیدی، بوی کاغذ رنگی...

A photograph of a blue arched door set in a stone wall. The door is closed and has a large metal handle. It is surrounded by lush green foliage and red berries. The scene is set in a garden or courtyard with a dirt path leading to the door.

“اگر تمام درهای دنیا هم به رویت بسته
شدند ، به طرف درهای بسته بدو چون
خدای تو و یوسف یکیست“



جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۱۶ اسفند ماه ۹۳

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: سیدحسن مؤذنی
سر دبیر: محبوب شهبازی
مدیر اجرایی: نادر دقیقی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه
طراح و مدیر هنری: امید بهزادی
مدیر داخلی: سیده زینب اسکندریان
ناظر فنی چاپ: شاپور محمد حسن زاده
حروفچین: ویدا امیدی
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۹۲۴۹

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعرای
بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷
آدرس الکترونیکی: Email:javan@shahedmog.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده
آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴/ امید بستن به جوانان این کشور
یادداشت: ۵/ برگه های تقویمتان پربار
برداشت آزاد: ۶/ تاریخ به قرائت اولین ها
پسرانه، دخترانه: ۸/ گام به گام تا وصل
مادرانه، پدرانه: ۱۰/ دنیای شیرین کودکان
اجتماع: ۱۲/ الگوی مناسب برای ایران
حماسه آفرین: ۱۴/ صیاد دل ها
راه و چاه: ۱۶/ تعرض قانونی به آزادی های فردی
مهارت: ۱۸/ خدایا تا تو را دارم من چه کم دارم
لبخند: ۲۰/ آفتاب نیمه شب
جدول: ۲۱/ جدول
زندگی به سبک دیگر: ۲۲/ بوی عیدی، بوی کاغذ رنگی
سرچشمه: ۲۴/ زندگی به سبک بانوی دو عالم
عافیت: ۲۶/ در بهار چه بخوریم
سلامت: ۲۸/ سلامت باشید و بهاری
خانه دوست: ۳۰/ هفت سین ایرانگردی
موج سازان: ۳۲/ ژنرالی در کنار سربازانش
نورونقره: ۳۴/ از آیت الله بهجت الگو گرفتم
نقد و نظر: ۳۶/ حال خوب سینمای دفاع مقدس
علمی: ۳۸/ امکان پیوند سر تا دو سال دیگر
دور و نزدیک: ۴۰/ استانی که دینش را به انقلاب ادا کرد
حرکت: ۴۲/ سال کسب سهمیه ها
یک، دو، سه: ۴۴/ زندگی به شرط ورزش
بین الملل: ۴۶/ دست و پا زدن به شیوه صهیونیستی
دریچه: ۴۸/ پرسه در حوالی معنویت
داستان: ۵۰/ هفت سین
شعر: ۵۲/ شعر
بازار کتاب: ۵۳/ بازار کتاب
باشگاه مهربانی: ۵۴/ باشگاه مهربانی
تفال: ۵۶/ تفال
انگلیسی: ۵۸/ انگلیسی

امید بستن به جوانان این کشور

تحریم‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و ممانعت‌ها و توطئه‌ها و... راه حق خود را در پیش گرفته و با استراتژی‌های دقیق و سنجیده مرعوب هیچ تهدیدی نشدند و به امید آینده‌ی روشن و افق‌های درخشان در دریاهای طوفانی و حوادث سنگین به پیش رفته‌اند.

دختران و پسرانی که همچنان امید آینده‌ی این کشور هستند و هر آنجا که نیاز باشند در سنگر جهادی جدید پا می‌گذارند و حماسه‌های ماندگار می‌آفرینند. آنان که با آغاز هر سال نو تنها باید موفقیت و تلاش مضاعف را پیشه بگیرند برای سربلندی خودشان، میهنشان و آیندگانشان. برای همیشه به این امت تلاشگر و پرتوان مفتخریم و برای آنها، آرزوی بهترین‌ها را داریم. گام‌هایتان پر توان و حرکتتان همیشگی.

سردبیر

که همواره عنوان می‌کردند که امید او به جوانان است.

امروز و با فاصله از آن دوران پر از حادثه و حماسه، عرصه متفاوت شده است. تاکید مقام معظم رهبری در دو دهه اخیر مبنی بر جهاد علمی و جنبش‌ها و جهادهایی از نوع علمی و اقتصادی و عملی باعث شد تا تمام تلاش طیف جوان و نوجوان کشورمان در این عرصه صرف شود و منجر به نتایجی شود که هر روز در قالب اخبار دستاوردهای علمی، فنی، تکنولوژیک، اقتصادی و فرهنگی می‌شنویم.

تلاش ماندگاری که زیربنای ساخت فردایی آبادتر برای مملکتی کهن و پر مایه است و همین مجاهدت و تلاش است که به آیندگان ثابت می‌کند که مردمانی در گذشته‌ی این کشور با وجود همه‌ی

هر سال در ابتدای سال، برنامه‌ریزی همه‌ی ما در جهت رشد و پیشرفت و ترقی است. این برنامه‌ریزی می‌تواند برنامه‌هایی فردی برای رشد شخصی یا خانوادگی شروع شود تا برنامه‌ریزی‌های کلان کشوری. در همه‌ی این سال‌ها هم چه از زمانی که جنبشی مردمی در دهه ۴۰ به رهبری امام خمینی(ره) آغاز شد چه دوران پر تلاطم دهه ۵۰ که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، نسلی از جوانان و نوجوانان کشورمان پیش‌تاز و پیشرو در زمینه مبارزه و تلاش برای سرنگونی رژیم شاه بودند.

بعدتر که حادثه‌ی بزرگ دفاع مقدس رخ داد، همین جوانان بودند که از چهار گوشه‌ی کشورمان در جبهه‌ای به طول صدها کیلومتر مانع اشغال حتی یک وجب از آب و خاک این کشور به دست دشمن شدند و همین حضور مایه‌ی دلگرمی امام امت شد

برگه‌های تقویمتان پربار

نسل‌های پس از ما را تضمین می‌کند نیازمند کمی دقت نظر بیشتر است.

بسیاری از مردان و زنان بزرگ تاریخ، همین روزها و سال‌ها و همین برگه‌های به ظاهر معمولی تقویم را چنان مغتنم شمرده‌اند که نه تنها زندگی خود را که بخشی از تاریخ دنیا را تغییر داده‌اند. کسانی که توانایی‌های خود را کشف کرده‌اند و به آن باور داشته‌اند و در عین حال از تک تک لحظاتشان بهره برده‌اند.

اگر در انتهای همین سال نو، شما هم از آن دسته افرادی بودید که به تک تک برگه‌های رفته‌ی تقویم با نگاه فرصت‌هایی برای تغییر و کشف توانایی‌های خود افتخار کرده‌اید، از هم اکنون سال نو امسال و سال آینده را به شما تبریک می‌گوییم. ایامتان به کام و برگه‌های تقویمتان پربار...

شاید در گذر بودن زمان برای بسیاری امری ناگزیر و خواستنی باشد. آنان که در انتهای دوران کاری و پس از یک عمر تلاش، اکنون در روزگار استراحت و شمردن روزها و هفته‌ها و ماه‌ها، سال از پی سال پشت سر می‌گذارند با حداقل دستاورد و هر چیز دیگری.

اما برای آنها که در ابتدای راه هستند، از نوجوان تا جوانان این آب و خاک شاید تعبیر گنجی به نام زمان و ساعت و دقیقه، تعبیر درستی باشد. تعبیری که با بهره بردن از آن می‌توان امیدوار بود آنچه امروز می‌کاریم در آینده‌ای نزدیک یا دور درو می‌کنیم. بهره بردن از زمان، هنری می‌خواهد که با بلوغ فکری و جسمی می‌توان به آن دست یافت. دست یافتن به هنر مدیریت زمان و بهره‌برداری مثبت از لحظات زندگی به خصوص لحظات سرنوشت‌سازی مانند دوران جوانی که آینده‌ی خودمان و گاه

پشت نفس‌های ممتد و لذت بخش بهار، در روزهایی که گرم شدن تدریجی زمین و زمان و آسمان شور فراوانی در جان شیفتگان منقلب شدن فصل و وقت بر می‌انگیزاند، تا چشم به هم بزنی، زمان چونان برق و باد در حال گذر خواهد بود تا در پایان سالی که هنوز نو است، در آستانه‌ی سالی نوتر تنها یک کلمه باقی بماند که: ای داد، امسال هم چه زود گذشت... برگه‌های تقویم‌ها به خوبی شاهد این مدعا هستند. هنگامی که در ابتدای سال حجم انبوهی از برگه‌های ورق نخورده پیش‌روی تو هستند و تو دلگرم از اینکه فرصت فراوانی باقی مانده است. اما هنگامی که هر سال وقتی به چند برگه‌ی انتهایی اسفند می‌رسی، حجم ورق خورده‌ی تقویم برای برخی پر از افسوس و دریغ استفاده نکردن از این روزها و هفته‌ها و ماه‌هاست و برای برخی دیگر پر از افتخار اینکه توانسته‌اند در مسیر رشد و پیشرفت و استفاده از ایام گام بردارند.

تاریخ به قرائت اولین‌ها

تاریخ جنگ‌ها پر از اتفاقات ریز و درشتی است که از نظر مورخان این حوزه دسته‌بندی شده و در زمان مناسب برای اطلاع و آگاهی عموم منتشر می‌شوند. اولین‌ها جدا از جنبه‌ی اولین بودنشان برای همیشه در تاریخ هر کشوری باقی می‌مانند و اولین‌های دفاع مقدس یکی از جاذبه‌های تاریخ دفاع مقدس هستند که خواندن و دانستن‌شان خالی از لطف نیست.

نخستین گزارش سازمان ملل درباره سلاح‌های شیمیایی

به دنبال کاربرد سلاح‌های شیمیایی از طرف رژیم عراق در جنگ تحمیلی و تقاضاهای مکرر ایران و نیز در پی اعزام مجروحان سلاح‌های شیمیایی به کشورهای اروپایی (فوریه ۱۹۸۴) و انجام آزمایش‌های پزشکی، دبیر کل سازمان ملل هیاتی را برای بررسی به ایران روانه کرد.

این هیات از ۲۲ تا ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۶۲ (۱۳) تا ۲۰ مارس (۱۹۸۴) از ایران بازدید کرد و در گزارش خود اعلام کردند که در جنگ عراق علیه ایران گاز خردل و عنصر مؤثر بر اعصاب به نام تابون مورد استفاده قرار گرفته است. بنا به درخواست ایران در ۲۳ بهمن ماه سال ۱۳۶۴ (۱۲ فوریه ۱۹۸۶) دبیر کل هیات کارشناسی سازمان ملل را برای بررسی استفاده دوباره عراق از سلاح‌های شیمیایی به ایران اعزام کرد. این هیات از هفتم اسفندماه سال ۱۳۶۷ تا دوازدهم اسفند ماه از ایران بازدید و گزارش خود را که مبنی بر وجود شواهد و دلایل قوی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران بود تسلیم دبیر کل کرد.

نخستین شهر قربانی سلاح‌های شیمیایی در جهان پس از جنگ جهانی اول وسیع‌ترین حملات شیمیایی در طول جنگ هشت ساله عراق علیه ایران روی داد. نخستین استفاده ثبت شده ۲۳ دی ماه سال ۱۳۵۹ در منطقه‌ای بین هلاله و نی‌خزر در پنجاه کیلومتری غرب ایلام اعلام شده است.

گسترده‌ترین حمله عراق در ساعت ۱۶ روز هفتم تیرماه سال ۱۳۶۶ در شهر سردشت در استان آذربایجان غربی انجام شد که ۱۱۰ نفر به شهادت رسیده و ۱۵۰۰ نفر مصدوم شدند. در طول هشت سال دفاع مقدس بنا بر آمار موجود رژیم عراق ۲۴۲ حمله شیمیایی به مناطق کشورمان داشته است و در حال حاضر بیش از یکصد هزار مجروح شیمیایی وجود دارد.

نخستین پیروزی عظیم ایران در جنگ تحمیلی

عملیات ثامن‌الائمه نخستین حرکت جدی و سازمان یافته نیروهای مسلح ایران بود. نخستین پیام موفقیت را تیپ یک پیاده در ساعت ۸:۳۲ دقیقه روز پنجم

مهرماه اعلام کرد که جاده ماهشهر-آبادان آزاد شد. این پیام نوید آزادی تمام منطقه شرق کارون بود.

نخستین شهر تصرف شده عراق

شهر بندری فاو نخستین شهر از شهرهای عراق است که در دوران دفاع مقدس در عملیات والفجر ۸ به تصرف رزمندگان اسلام درآمد. در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال غربی آن شهر صنعتی بصره قرار دارد.

عملیات والفجر ۸ در بیستم بهمن ماه سال ۱۳۶۴ توسط سپاه پاسداران با پشتیبانی هوایی و توپخانه و هوانیروز ارتش ساعت ۲۲ با رمز یا زهرا (س) آغاز شد. در این عملیات ۵۰ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و دو هزار نفر دیگر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. شهر حلبچه دومین شهر تصرف شده توسط رزمندگان اسلام بود.

نخستین شکست دشمن

نخستین شکست دشمن در تاریخ ۹ آبان ماه ۵۹ در عملیات کوی ذوالفقاری در جبهه آبادان رقم خورد. در این عملیات بیش از ۷۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته شدند و ۵۰۰ نفر دیگر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.

در این عملیات غنایم زیادی از دشمن توسط نیروهای مردمی، ارتش و سپاه و نیروهای کمیته انقلاب اسلامی به دست آمد.

نخستین شبیخون به دشمن

نخستین شبیخون گروه دوازده نفری آریی جی زن نیروهای اسلام در نهم مهرماه سال ۱۳۵۹ در حمیدیه به فرماندهی شهید «غیوراصلی» بود که منجر به عقب راندن نیروهای دشمن شد.

نخستین تهاجم موفق در جبهه جنوب

نخستین تهاجم موفق در جبهه جنوب در روز بیست و ششم اسفندماه سال ۱۳۵۹ به نام عملیات امام مهدی (عج) در غرب سوسنگرد با موفقیت انجام شد. این عملیات به فرماندهی شهید اسحاق عزیزی و یاری نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی بود که بیش از ۹۶ کشته و صد مجروح و ۶۸ اسیر از دشمن یعنی بر جای گذاشت و بسیاری از ادوات آن‌ها منهدم شد.

اولین کاربرد واژه دفاع مقدس

اولین بار که امام خمینی (رحمت الله علیه) واژه دفاع مقدس را به کار بردند، در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۰، مصداق با شانزدهم ربیع الثانی ۱۴۰۲ ق، به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بود که در بخشی از سخنان خود فرمودند:

چنانچه این جانب و مسئولین جمهوری اسلامی مکرراً اعلام نموده‌ایم، ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلام اند؛ و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملت‌های اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند؛ و صلح جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب می‌باشند و تا دولتی به



تقویم تاریخ

۱/ فروردین ۶۱/ عملیات فتح المبین - غرب رودخانه ی کرخه، غرب دزفول و شوش و منطقه‌ی عمومی غرب رودخانه‌ی کرخه
۶/ فروردین ۶۶/ پایان عملیات کربلای ۵
۶/ فروردین ۶۷/ عملیات بیت المقدس ۴ - منطقه عمومی دربندیخان واقع در سلیمانیه عراق
۷/ فروردین ۶۱/ آغاز مرحله‌ی پایانی عملیات فتح المبین
۸/ فروردین ۶۱/ پایان پیروزی مرحله چهارم عملیات فتح المبین - انهدام سپاه چهارم عراق در جبهه شمال خوزستان و رسیدن - به مرز فکه - العماره
۱۵/ فروردین ۶۰/ عملیات محور کرخه - دزفول
۱۸/ فروردین ۶۴/ شهادت سردار ولی... چراغچی جانشین لشکر ۵ نصر در عملیات بدر منطقه‌ی جزیره‌ی مجنون
۱۸/ فروردین ۶۶/ سالروز عملیات کربلای ۸ در منطقه‌ی شرق بصره
۱۹/ فروردین ۵۹/ شهادت آیت... سیدمحمدباقر صدر و خواهر ایشان بنت الهدی توسط حکومت بعث عراق
۲۰/ فروردین ۵۹/ قطع رابطه‌ی سیاسی ایران و آمریکا
۲۰/ فروردین ۶۲/ عملیات والفجر ۱ در شمال غرب فکه
۲۰/ فروردین ۶۶/ عملیات کربلای ۹ در منطقه‌ی قصر شیرین
۲۰/ فروردین ۷۲/ سالروز شهادت هنرمند بسیجی سیدمرتضی آوینی
۲۱/ فروردین ۷۸/ شهادت امیر سپهبد علی صیادشیرازی
۲۲/ فروردین ۶۷/ عملیات بیت المقدس ۵ منطقه عمومی پنجوین عراق
۲۵/ فروردین ۶۰/ عملیات در محور شوش
۲۵/ فروردین ۶۶/ عملیات نصر ۱ در غرب بانهدر داخل خاک عراق
۲۵/ فروردین ۶۶/ عملیات فتح ۵ در منطقه‌ی جوارته و ماووت از استان سلیمانیه عراق
۲۹/ فروردین ۶۰/ روز ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی زمینی
۳۰/ فروردین ۶۶/ عملیات کربلای ۱۰ در منطقه‌ی ماووت عراق

حريم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد، آن را برادر خود می‌دانند؛ و از همه کشورها و ملت‌ها می‌خواهند که با هم متعهد و یک صدا در مقابل تجاوزگران، هر کس باشد، قیام کنند و خود را از چنگ جهان‌خواران نجات دهند؛ و نیز به حکم اسلام از تجاوز به حقوق و حدود خود دفاع کرده و تجاوزگر را تأديب نمایند و در این صورت است که هیچ قدرتی به فضل خداوند متعال نمی‌تواند آنان را از این دفاع مقدس باز دارد و به دولت‌ها نصیحت می‌کنم که دست از کینه تیزی و زور آزمایی بردارند و با دولت و ملت ایران دست برادری دهند تا اسرائیل غاصب را از کشورهای اسلامی و زمین‌های مغضوب بیرون رانند و نژادپرستی و زبان سالاری را، که در اسلام محکوم و مردود است، کنار زنند، تا سعادت دین را در آغوش گیرند و هیچ قدرتی نتواند با آنان مقابله کند.

اولین استفاده از سلاح شیمیایی توسط دشمن بعثی

به کارگیری سلاح شیمیایی برای اولین بار در عملیات خیبر توسط دشمن صورت گرفت عراق به دلیل نگرانی از نتایج عملیات برای نخستین بار نوعی از سلاح‌های شیمیایی محصول کارخانه سامره به نام گاز خردل را با استفاده از هلی کوپترهای ساخت شوروی و فرانسه، به کار گرفت.

پیش از این عراق در عملیات والفجر ۲ در منطقه حاج عمران به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده بود، شورای امنیت سازمان ملل در واکنش به این اقدام در دهم فروردین ماه سال ۱۳۶۳ با صدور بیانیه‌ای استفاده از گازهای سمی را محکوم کرد. اما عراق بی‌توجه به بیانیه سازمان ملل در عملیات بدر در طول پنج روز از تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۲ تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۷ بیش از سی مورد انواع سلاح شیمیایی را مورد استفاده قرار داد.

اولین روحانی شهید دفاع مقدس

حجت الاسلام محمد حسن قنوتی (شریف) اولین روحانی شهید دفاع مقدس است. شهید قنوتی که سابقه تبلیغ دیرینه در منطقه فارس را داشت و سال‌ها در میان مردم در غم و شادی آنان شریک بود و به مشکلات مردم رسیدگی می‌کرد، به خاطر مبارزه با ظلم و ستم در دوران طاغوت توسط ساواک شیراز دستگیر و زندانی شد. مردم اردکان و اطراف شیراز با مراجعه به ژاندارمری اردکان و تهدید آنان به راه انداختن آشوب در منطقه، زمینه آزادی او را فراهم کردند رژیم او را آزاد کرده و ممنوع المنبر نمود. باردیگر با تعقیب ساواک به اصفهان رفته و با نام مستعار (شریف) به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد ولی دوباره به دست ساواک دستگیر شد و در زندان با سسخرانی‌های خود به روشنگری پرداخت. در روز عاشورا افسر نگهبان برای آرام کردنش با اسلحه او را تهدید به قتل کرد و او در جواب گفت:

چقدر تشنه شهادت در روز عاشورا هستم، اگر لایق باشم شلیک خواهی کرد.
با پیروزی انقلاب از زندان آزاد شد و با شروع جنگ

پنج مورد رسید.

اولین‌هایی خواندنی

اولین گزارشگر صدا و سیما که در دوران دفاع مقدس به شهادت رسید، شهید علی اصغر رهبر بود.
اولین فرمانده اسیر دفاع مقدس، فرمانده شجاع پاسداران سوسنگرد به نام «حبیب شریفی» بود.
اولین شاعر شهید دفاع مقدس، حسین ارسلان متخلص به «رخشا» بود که در تاریخ ۲۰ آذر ماه سال ۱۳۶۴ در هور الهویزه به شهادت رسید.
اولین روحانی مفقود الاثر دوران دفاع مقدس، حجت‌الاسلام احمد ظریفیان بود.
اولین خلبان شهید دوران دفاع مقدس، شهید فیروز شیخ حسنی بود.
اولین شهری که به صورت گسترده، قربانی سلاح‌های شیمیایی شد، شهر سردشت استان آذربایجان غربی بود که در روز هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۲ مورد تهاجم قرار گرفت.
اولین فرمانده لشکر شهید دوران دفاع مقدس، حاج ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله بود که در اسفند ماه سال ۱۳۶۲ در جزیره جنوبی مجنون به شهادت رسید.

اولین عملیات چریکی توسط شهید دکتر مصطفی چمران، بر علیه تانک‌های دشمن که تا چند کیلومتری اهواز پیشروی کرده بودند، فرماندهی شد.
اولین شهید مجلس شورای اسلامی در دوران دفاع مقدس، سردار شهید دکتر مصطفی چمران نماینده محترم مردم تهران بود.

اولین لشکر سپاه پاسداران، لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام است که به فرماندهی سردار شهید حاج حسین خرازی و با ابلاغ ستاد عملیات جنوب، رسماً تشکیل گردید.

منبع: کتاب اولین‌های دفاع مقدس

تحمیلی روانه جبهه‌های جنوب شد و گروه الله اکبر را تشکیل داد.

در تاریخ ۲۴ مهر ماه ۱۳۵۹ دستور پیشروی یگان‌های دشمن به سوی خرمشهر صادر شد. خیابان چهل متری این شهر، به عنوان خیابان مرکزی، شاخص تقسیم نیروها و محورها قرار گرفت. با گذشت ساعاتی از روز، در حالی که مدافعان اندک شهر به مقابله مشغول بودند یگانی از نیروهای دشمن با راهنمایی ستون پنجم خود را به خیابان چهل متری رساند و با استقرار تیربار در چند نقطه و موضع‌گیری تک تیراندازان در ساختمان‌های مسلط بر خیابان، محور مرکزی و اصلی‌ترین راه پشتیبانی و رفت و آمد نیروهای مدافع را بستند. دشمن، ماشین حامل شهید شریف قنوتی را در این خیابان هدف قرار داد. پس از اصابت هفت، هشت گلوله به بدن این روحانی مبارز، خودرو، بر اثر اثبات گلوله آربی جی هفت، واژگون شد. دشمن که از همان ابتدا در پی دستگیری و شهادت شهید شریف قنوتی بود، پیکر مجروح او را اسیر کرد و با سر نیزه کلاشینکف، به شقیقه او ضربه زدو او را به شهادت رساند.

اولین‌های تجاوز دشمن بعثی

اولین تجاوز هوایی دشمن به گمرک (بهرام آباد) مهران در تاریخ ۱۳ فروردین سال ۱۳۵۸ انجام شد.
اولین تجاوز زمینی دشمن به قصر شیرین بود که در تاریخ ۱۴ فروردین سال ۱۳۵۸ صورت گرفت.
اولین تجاوز دریایی دشمن در تاریخ دهم خردادماه سال ۱۳۵۸ به منطقه خسروآباد صورت گرفت.

اولین تجاوز زمینی - هوایی دشمن در روز ۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ در منطقه خان‌لیلی صورت گرفت و تعداد این نوع تجاوز زمینی هوایی تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و آغاز رسمی جنگ تحمیلی به



مراحل پیش از ازدواج

گام به گام تا وصل

دارد. در این حالت ۲۵ درصد احتمال دارد که فرزند آنها با بیماری تالاسمی مازور به دنیا آید. در تالاسمی مازور نیز فرد به دلیل اختلال در هموگلوبین بدن، به کم خونی شدید مبتلا می شود و به همین دلیل در گیر مشکلاتی چون پوکی استخوان، اختلال عملکرد غدد داخلی مانند لوزالمعده و بروز دیابت، مشکلات قلبی - عروقی، مشکلات گوارشی و... خواهد شد. بر این اساس معمولاً طول عمر این افراد کوتاه تر از افراد معمولی ست.

پس از انجام این آزمایش اگر زوجین ناقل تالاسمی باشند، به آزمایشگاه های ژنتیک ارجاع داده می شوند و در آنجا آزمایش های مولکولی و ژنتیک برایشان انجام شده و ژن معیوب مورد شناسایی قرار می گیرد و پس از آن، راه برای اقدامات درمانی بعدی هموار می شود.

ازدواج هم مثل بسیاری از امور دیگر نیاز به مقدمات و تشریفات دارد. اما یک سری مقدمات مهمتر از تشریفات هستند که کلی خرج روی دست عروس و داماد می گذارند. در واقع اگر این مقدمات انجام نشود شاید در آینده آخر و عاقبت خوشی در انتظار زوج و زوجه نباشد. این مقدمات تا به آنجا اهمیت دارند که وقت رجوع به دفتر خانه برای ثبت عقد و جاری شدن خطبه، هیچ عاقدی شما را بدون انجام آن نمی پذیرد. و آن هم داشتن برگه سلامت جسمی است. شما باید قبل از هر کاری یک سری آزمایش انجام دهید که سلامت شما را تأیید کنند.

تضمین سلامت فرزندان

بررسی بیماری های خونی مقاربتی نیز از دیگر اهداف این آزمایشات است. بیماری های مقاربتی به بیماری هایی گفته می شود که در زمان تماس جنسی از فردی به فرد دیگر منتقل می شوند. به همین خاطر متخصصان معتقدند افراد باید قبل از ازدواج به وسیله برخی آزمایش های خاص از عدم وجود این بیماری ها در خود و فرد مقابل اطمینان حاصل کنند تا هم سلامت خودشان تأمین شود و هم نسبت به سلامت فرزندان در آینده اطمینان حاصل کنند.

هر دو نفر، چه دختر و چه پسر، نمونه ادرار گرفته و آزمایش و بررسی می شود. علت اصلی توجه به این آزمایش این است که مصرف سیگار و موادمخدر در زن یا مرد نه تنها باعث برخی بیماری های عصبی، پرخاشگری و ... در خود فرد می شود و زندگی زناشویی را به نابودی می کشاند، بلکه بر قدرت باروری زن و یا ایجاد اختلالات رفتاری و عقب ماندگی های ذهنی در جنین و نوزاد بسیار تأثیر گذار است.

ماژور، مینور... مساله تالاسمی است

تالاسمی یک بیماری ارثی است که در آن مغز استخوان قادر به ساختن هموگلوبین به مقدار کافی نیست. هموگلوبین نام ماده ای در خون است که سلول های قرمز خون به وسیله آن اکسیژن را به قسمت های مختلف بدن می رسانند.

ما دو نوع تالاسمی مازور و مینور داریم که تالاسمی مینور در علم پزشکی به عنوان بیماری تلقی نشده و فرد مبتلا به آن به راحتی می تواند به زندگی شخصی خود ادامه دهد. مشکل این افراد زمانی بروز می کند که با فردی ازدواج نمایند که او هم تالاسمی مینور

برخی از متخصصان معتقدند بهتر است زوجین در مرحله قبل از ازدواج علاوه بر آزمایش های معمول و متداول، برخی آزمایش های مهم و حیاتی دیگری را نیز در دستور کار خود قرار داده و بنیان زندگی و سلامت خانواده آینده شان را تضمین کنند. در این آزمایشات از خون و ادرار افراد نمونه گیری می شود. از بررسی نمونه گیری خون فرد، می توان به بیماری های خونی مانند تالاسمی، بیماری های ژنتیکی و مقاربتی و از نمونه ادرار می توان به اعتیاد یا عدم اعتیاد فرد پی برد.

من معتاد نیستم

در مراسم خواستگاری وقتی یک مادر می خواهد از پسرش تعریف کند، می گوید: پسر من حتی یک نخ سیگار هم نمی کشد و... اما بعد از ازدواج کاشف به عمل می آید که طرف نه تنها سیگار بلکه انواع مخدر را هم به رگ می زند که سیگار خوششان است و برای اینکه دختر یا حتی پسر مردم بعد ها بدبخت نشود، آزمایش اعتیاد از واجبات است. برای تشخیص اعتیاد زوجین به انواع موادمخدر، از

دریافت واکسن کزاز، دیفتی، و سرخچه

وقتی توصیه می شود که واکسن های خود را درست و به موقع بزنید برای همین روزها گفتیم که مجبور نشوید در آستانه یک رخداد مهم زندگی با درد واکسن روبرو شوید. شما باید واکسن بزنید. البته این مورد شامل تمام افراد نمی شود و در صورتی که فردی واکسن هایی مانند کزاز، دیفتی، و سرخچه را نزده باشد، آنها را دریافت می کند. در واقع بحث واکسناسیون نیز یکی از مباحث مهم است؛ به همین

تعارف کم کن و بر مبلغ افزا

به همراه ارائه فیش حقوق و حکم کارگزینی، و در صورتیکه مانده حقوق نامبرده کفایت نماید، نیازی به اخذ ضامن نمی باشد.

۲- ضمانت یک نفر کارمند رسمی، پیمانی، بازنشسته دولت، نیروی نظامی و انتظامی، نهادهای و مؤسسات عمومی (نظیر شهرداری و بنیاد، کمیته امداد، هلال احمر)، کارگر یا کارمند شرکت های تولیدی صنعتی بزرگ و فعال، با ارائه آخرین فیش حقوقی و حکم کارگزینی و ...

۳- ضمانت

یک نفر کاسب

دارای پروانه

کسب که در

زمان اعطای

تسهیلات

دارای فعالیت

اقتصادی دایر

باشد.

۴- ضمانت

یک نفر دارنده

حساب جاری

فعال و خوش حساب که به تأیید و تشخیص شعبه پرداخت کننده رسیده باشد.

۵- در مورد متقاضیان تسهیلات در مناطق روستایی، ضمانت یک نفر ساکن روستا که اهلیت و صلاحیت وی توسط شورای اسلامی روستا تأیید شود (مهمور به مهر شورا).

ج- روش ثبت نام

کلیه متقاضیان وام ازدواج که واجد شرایط فوق می باشند، ابتدا باید از طریق سایت ثبت نام کرده و فرم مربوطه را تکمیل نمایند که در صورت موفقیت آمیز بودن مراحل ثبت نام، یک کد رهگیری ده رقمی که کاملاً محرمانه بوده و مربوط به متقاضی می باشد، به شخص ثبت نام کننده داده می شود.

متقاضیان موظف هستند جهت اطلاع از وضعیت ثبت نام خود و همچنین نام شعبه مربوطه جهت مراجعه برای اخذ وام ازدواج، به همین سایت مراجعه کرده و در صورتیکه شعبه عامل اعطای وام برای متقاضی تعیین شده باشد باید با در دست داشتن مدارک مورد نیاز، ظرف مدت زمانی که از طرف سایت اعلام می گردد، به شعبه مربوطه مراجعه کرده و نسبت به اتمام مراحل اخذ وام اقدام نمایند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه متقاضیان در زمان تعیین شده، ثبت نام آنها کان لم یکن تلقی می گردد.

د- مدت بازپرداخت تسهیلات و کارمزد

- مدت بازپرداخت تسهیلات ۳۶ ماهه با اقساط مساوی بوده و سررسید اولین قسط، یک ماه پس از پرداخت تسهیلات مزبور می باشد.
- نرخ کارمزد تسهیلات قرض الحسنه ازدواج ۴ درصد تعیین می گردد.

از هر چه بگذریم سخن وام خوشتر است. چرا دروغ بگوییم، این روزها کمتر کسی پیدا می شود که به وام ازدواج نیاز پیدا نکند. بنابراین بخش مهم مالی قصه به اینجا ختم می شود. برای اینکه به وام برسید باید مراحل را پشت سر بگذارید که اگر تمام مراحل را با موفقیت طی کنید به وام می رسید. ما این مراحل را برای شما آورده ایم که از حالا بدانید چه کنید و به کجا روید.

الف - شرایط عمومی متقاضیان تسهیلات ازدواج

۱- دارا بودن تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

۲- به هر یک از زوجین مبلغ ۳۰ میلیون ریال

تسهیلات ازدواج تعلق می گیرد.

تبصره ۱: کلیه شهروندان ایرانی خارج از کشور که

گواهی ازدواج آنها توسط سفارت جمهوری اسلامی

ایران در خارج از کشور صادر شده، قادر به ثبت

نام بوده و گواهی ازدواج آنها که مهمور به مهر

کنسولگری ایران در کشور مذکور می باشد به عنوان

سند ازدواج تلقی می گردد.

تبصره ۲: اقرارنامه ازدواج یا هر مدرک مشابه که در

سایر ادیان رسمی توسط مراکز اقلیت های دینی در

داخل کشور مورد تأیید قرار گیرد معادل عقدنامه

تلقی گردیده و این متقاضیان نیز قادر به ثبت نام

خواهند بود.

۳- دارا بودن کارت ملی (موقت یا دائم) و کد

پستی محل سکونت متقاضی.

۴- تسهیلات قرض الحسنه ازدواج فقط یکبار به

متقاضیان پرداخت می شود.

۵- متقاضیان تسهیلات قرض الحسنه ازدواج فقط

از تاریخ وقوع عقد تا پایان سال بعد فرصت استفاده

از تسهیلات موصوف را دارند.

ب - مدارک مورد نیاز

۱- اصل و کپی سند ازدواج.

۲- اصل و کپی کلیه صفحات شناسنامه های

زوجین.

۳- اصل و کپی شناسنامه های ضامنین.

۴- اصل و کپی کارت ملی (موقت یا دائم) زوجین.

۵- اصل و کپی کارت ملی (موقت یا دائم) ضامن.

۶- کد پستی ده رقمی و آدرس کامل محل سکونت

زوجین.

۷- کد رهگیری ده رقمی دریافتی از سایت پس از

مرحله ثبت نام.

پ- شرایط ضامنین

(یکی از موارد ذیل به تشخیص بانک مربوطه)

تبصره ۱: اعمال شرایط ذیل منوط به تشخیص

مسئول بانک و با توجه به سوابق بانکی و اهلیت

مشتری تعیین خواهد شد.

۱- چنانچه متقاضی دریافت تسهیلات ازدواج،

کارمند رسمی یا پیمانی دولت نیروی نظامی

و انتظامی، نهادهای و مؤسسات عمومی (نظیر

شهرداری و بنیاد، کمیته امداد، هلال احمر) باشد،

ارائه گواهی تعهد کسر اقساط از سازمان مربوطه

تالاسمی یک بیماری ارثی است که در آن مغز استخوان قادر به ساختن هموگلوبین به مقدار کافی نیست. هموگلوبین نام ماده ای در خون است که سلول های قرمز خون به وسیله آن اکسیژن را به قسمت های مختلف بدن می رسانند.

دلیل نیاز است که زوجین پیش از ازدواج واکسن های لازم را بزنند. به عنوان نمونه ممکن است فردی بدون اینکه بداند، مبتلا به هیپاتیت باشد. در این صورت امکان انتقال بیماری به طرف مقابل وجود دارد. بنابراین باید از زوجین سؤال شود که آیا واکسن های ذکر شده را زده اند یا خیر؟

ژنتیک

عروس و داماد خوشبخت قصه ما درست وقتی می خواهند خوشبختی شان را با حضور یک نوزاد جشن بگیرند با غمی بزرگ روبه رو می شوند و با یک نوزاد بیمار از این مطب به آن بیمارستان می روند، از این شهر به آن شهر به دنبال پزشک حاذقی که درد بی درمان کودکشان را علاج کند. اما کار از کار گذشته و این بیماری ناشی از مشکلات ژنتیکی است که خود پدر و مادر ناقل آن بوده اند. و اینجاست که اهمیت آزمایشات ژنتیک مشخص می شود.

در واقع هدف اصلی مشاوره ژنتیک، مشخص کردن خطر وقوع یا تکرار بیماری های ارثی و انتقال آن از مادر به نوزاد است. البته این آزمایش الزامی نیست، اما توصیه می شود تمام اقشار جامعه قبل از ازدواج به متخصصان ژنتیک مراجعه کرده و آزمایش های آن را انجام دهند.

البته هستند کسانی که انجام این آزمایش ها برای آنها لازم و ضروری ست؛ مثل افرادی که قصد ازدواج فامیلی دارند، ازدواج غیرفامیلی که در آن یکی از طرفین (دختر یا پسر) دارای اختلال ژنتیکی مادرزادی هستند، دختر و پسر سالمی که بستگان درجه یکشان دچار اختلالات ژنتیکی ست، زنانی که در سن زیر ۱۸ سال و بالای ۳۳ سال حامله می شوند و ...

بیماری از نقص های مادرزادی و نقایص رشدی و تکاملی کودکان، منشأ ژنتیک دارند که با اندکی دقت و صرف وقت و هزینه، به راحتی می توان از تولد این نوزادان پیشگیری کرد. در طول یک مشاوره ژنتیک، شرح حال کاملی از زوجین گرفته می شود و همین طور تاریخچه بیماری های خانوادگی و نسبت فامیلی آنان با یکدیگر پرسیده می شود. گاهی ازدواج فامیلی در نسل های متوالی صورت می گیرد که در این موارد احتمال خطر به میزان قابل توجهی افزایش می یابد. از این رو زوج هایی که با یکدیگر نسبت فامیلی دارند، حتماً بایستی به مشاور ژنتیک مراجعه کنند.

مشاوره و کلاس های مهارت زندگی مشترک

امروز با افزایش سطح آگاهی مردم، و توجه به این مهم که ازدواج نه تنها برای زن و شوهر، بلکه برای نسل های بعد هم سرنوشت ساز و با اهمیت است. استقبال از کلاس ها و دوره های بهداشتی و مهارتی نیز افزایش یافته است. در این دوره ها با مسائل بهداشتی ازدواج، بارداری، زایمان، نگهداری و تأمین سلامت کودکان، چگونگی ارتباط با همسر و ... آشنا می شوند. حالا دیگر زوج ها فقط به این دوره های مراکز بهداشتی اکتفا نمی کنند و به مراکز مشاوره ازدواج نیز مراجعه می کنند تا تفاوت های خود را پیش از هر کاری بشناسند و بهتر با خلق و خوی هم آشنا شوند.

کودکان این خانواده‌ها فصل مهمی از رشد خود را در تنهایی و انزوا خواهند گذارند. این کودکان غالباً فضای مجازی را به عنوان اولین دوست و برادر و خواهر خود به شمار می‌آورند که فضای مجازی نیز خود یکی از آسیب‌های مهم در موضوع آسیب‌های اجتماعی است

دنیای شیرین کودکان

مریم آدینه

چنین خانواده‌هایی وارد خواهد کرد. کودکان این خانواده‌ها فصل مهمی از رشد خود را در تنهایی و انزوا خواهند گذارند. این کودکان غالباً فضای مجازی را به عنوان اولین دوست و برادر و خواهر خود به شمار می‌آورند که فضای مجازی نیز خود یکی از آسیب‌های مهم در موضوع آسیب‌های اجتماعی است. فرزندان مذکور در مقایسه با کودکانی که در خانواده‌ی چند فرزندی رشد کرده‌اند، از مهارت‌های اجتماعی و فردی کمتری برخوردار هستند و بیشتر از سایر کودکان در معرض آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

محروم بودن از مشورت، محروم بودن از دوست و رفیقی که جزئی از خانواده اوست، ضعف در انجام کار گروهی، ضعف در برقراری ارتباط با جامعه و در نتیجه، ضعف در مدیریت زندگی، ضعف در مدیریت اختلاف‌نظرها و اختلاف سلیقه‌ها، ضعف در یادگیری و مواردی از این دست، تنها برخی از آسیب‌هایی است که گریبان کودکان خانواده‌های تک‌فرزند را در حال و آینده خواهد گرفت. پس

وقتی صفحه پدرانه - مادرانه را تعریف کردیم در واقع نگاهمان به بیانات مقام معظم رهبری در خصوص جمعیت و سبک زندگی اسلامی بود. می‌خواستیم بی‌حرف و حدیث و شعار پیش برویم و با مطالب خواندنی در حوزه کودکان هم پدر و مادران جوان را با تربیت و پرورش و مراقبت کودکان آشنا کنیم و هم بقیه با دیدن عکس زیبای کودکان و مطالب جالب قند توی دلشان آب شود و اقدام به فرزندآوری کنند. اما تا چه حد موفق بوده‌ایم را خدا می‌داند، با تماس‌هایی که با شما مخاطبان عزیز در باشگاه مهربانی داشته‌ایم به این نتیجه رسیده‌ایم که یکی از صفحات پر طرفدار همین صفحه است. در این شماره می‌خواهیم از جمعیت و لزوم فرزندآوری بگوییم.

بسیار نگران کننده می‌بینیم. زنان ایرانی با دارا بودن ۱/۸۷ فرزند در مکان ۱۴۴ جدول جهانی فرزندآوری قرار می‌گیرند. در حالی که رژیم صهیونیستی در رتبه ۷۵، آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲، و انگلیس رتبه ۱۳۷ را در این جدول به خود اختصاص داده و در مکان‌های بالاتر از ایران قرار گرفته‌اند.

کاملاً آشکار است که صهیونیست‌ها و کشورهای اروپایی سیاست‌های جدی تشویق به زاد و ولد را اجرا می‌کنند و در این میان با توجه به آمارهای منتشر شده، صهیونیست‌ها از دیگران پیشی گرفته‌اند. در حالی که سیاست تبلیغ کاهش جمعیت از سوی دنیای غرب شروع و پیگیری شده امروز این رتبه ایران است که در جدول آمار فرزندآوری بیش از ۲۰ پله از آمریکا عقب بوده و این رتبه برای رژیم اشغال‌گر دو برابر ایران است. بدین معنی که تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده صهیونیست اسرائیلی یا یک خانواده آمریکایی است.

«تأثیرات کاهش جمعیت»

علاوه بر آنچه ذکر شد، برهم خوردن تعادل جمعیت آسیب‌هایی به دنبال دارد که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم. عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری یا داشتن بیش از یک فرزند، صرف‌نظر از دلیل این عدم تمایل، آسیب‌های قابل توجهی را به فرزندان

همیشه پای استکبار در میان است

بررسی‌ها نشان داده است که یکی از برنامه‌های قدرت‌های بزرگ در دراز مدت کاهش جمعیت جهان سوم است تا بتوانند به راحتی برنامه‌های خود را پیاده کنند. آن‌ها با اشاعه سبک زندگی غربی مختص جهان سوم در حال پیشروی هستند. منظور از سبک زندگی غربی خاص جهان سوم این است که آن‌ها یک سبک برای ما به عنوان الگو طراحی کرده‌اند که برای ملت خود نمی‌خواهند. اگر به برنامه‌های تشویقی غرب برای ازدیاد جمعیت نگاه کنیم به این تضاد می‌رسیم که چرا افزایش جمعیت برای ما خوب نیست و برای آن‌ها عالی است. کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا برای ایجاد تعادل اقتصادی و جمعیتی به نفع خود و به عبارت دیگر برای حفظ عملکرد تجاری و صنایع آمریکا و موقعیت اقتصادی و سیاسی کشورهای توسعه یافته و غربی جمعیت جهان را به کاهش تشویق می‌کنند در حالی که مشوق‌های گسترده‌ای برای ازدیاد جمعیت در کشورهای خود قرار داده‌اند به طور مثال در آمریکا به منظور تشویق خانواده‌ها به افزایش جمعیت، مالیات بر درآمد خانواده‌های پر جمعیت را کاهش و به فرزندان‌شان شهریه دانشگاه پرداخت می‌کند. یا در آلمان، پرداخت حقوق ۱۸۰۰ یورویی برای مادرانی که مراقب فرزندان خود در خانه هستند، تصویب شده است و...

در تمام متون سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصادی، یکی از عوامل اقتدار کشورها جمعیت و بخصوص جمعیت جوان است. بنابراین خوب است با یک دید منصفانه به این قضیه نگاه کرد که بتوانیم به اهمیت موضوع پی ببریم.

«آمار برای دانستن»

اگر به آمار نگاه کنیم، کاهش جمعیت در ایران را



دست در دست پدر



مادر بزرگ تعریف می کرد که تا ۶ ماهگی بعد از تولدم که پدر پیش ما بود، آرزوی همیشگی او این بود که: کی این پسر بزرگ می شه که دستش را بگیرم و کنار هم راه ببریم. بهمن ۶۵ رفت و بعد از ۱۳ سال بی خبری در اردیبهشت ۷۸ که برگشت، استخوان دستش رو تو دست گرفتم و گفتم بیا کنار هم راه ببریم! بزرگی کرد و از آن روز در همه لحظات زندگی حضورش را احساس می کنم.

به روایت احمد پایدار فرزند شهید علی اکبر پایدار

می توان ادعا کرد، جامعه رفته رفته با نیروهای جوانی روبه رو می شود که دوران کودکی و نوجوانی خود را به خوبی نگذرانده و از مهارت های فردی و اجتماعی کمتری برخوردارند و بیشتر اوقات کودکی و بلوغ خود را در تنهایی و یا در فضاهایی نظیر فضای مجازی گذرانده اند.

همچنین براساس شواهد و ادعای بسیاری از متخصصان حوزه روان شناسی، احتمال گرایش به انحرافات جنسی، در فرزندان که تک فرزند محسوب می شوند و دائما در خانه تنها هستند، بسیار بیشتر از خانواده های چند فرزند است. همچنین باید اشاره کرد که این کودکان زودتر از سایرین با بلوغ روانی و جنسی مواجه خواهند شد. در خانواده های چند فرزندی، فرزندان بسیاری از نیازهای عاطفی و روحی را برای برادر یا خواهر خود تأمین می کنند و حتی دعوای پیش آمده در میان فرزندان، که نهایتا با آشتی و گذشت همراه است، خود تأثیر بسزایی در تأمین عاطفی و روانی این فرزندان و کسب مهارت های زندگی، در مقایسه با کودکان تک فرزند دارد که نه دعوایی می بینند و نه آشتی و گذشتی.

جامعه ای تک فرزند!

اما در بُعد جامعه، در موضوع سبک زندگی و جمعیت، با آسیب هایی طرف هستیم که جامعه را رفته رفته آماده پذیرش تمامی تهدیدهای فرهنگی و سپس تهدیدهای امنیتی می کند. تمام آسیب هایی که در سطح فرد و خانواده مطرح می شود، در این مرحله، موجب چالش های عظیم تری می شوند. افزایش تمایل به زندگی مجردی، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق که خود موجب فروپاشی بنیان خانواده است، افزایش کودکان تک سرپرست، مشکلات تحمیل شده به این فرزندان در رشد و تربیت شان، گرایش به خلاف و آسیب پذیر شدن، گرایش به روابط نامشروع می شود. همچنین ترویج مصرف گرایی و مدگرایی از جمله آسیب هایی است که جامعه ای تک فرزند باید با آن دست و پنجه نرم کند. به ادعای مسئولین وزارت بهداشت، برنامه های تنظیم خانواده اگر به مدت ربع قرن در کشوری مستمر اجرا شوند، آن کشور در بلندمدت دچار تغییرات اساسی در فرهنگ و شیوه زندگی مردم می شود.

از عواقب کاهش جمعیت، می توان به مشکلات اقتصادی نیز اشاره کرد؛ چراکه معضلات و مشکلات اقتصادی به وجود آمده از کاهش جمعیت، خود نقش بسزایی در فرهنگ و جمعیت یک کشور دارد. براساس پژوهش های صورت گرفته، «سرمایه ای انسانی» و «تحقیق و توسعه» به عنوان دو عامل اصلی رشد و پویایی اقتصاد در کشورها، شناخته می شود.

کاهش جمعیت موجب کمبود نیروی کار جوان و پویا و در نتیجه، کاهش تولید و دست آخر، موجب فلج شدن اقتصاد می شود. واضح است جامعه ای که گرفتار مشکلات شدید اقتصادی است، شکل گیری نهاد خانواده در آن کمتر می شود و این امر، هم

معضلات فرهنگی و هم معضلات جمعیتی را با خود به دنبال دارد. البته آسیب های اقتصادی، خود به تنهایی بر فرهنگ مردم تأثیری دارند که در اینجا از توضیح آن صرف نظر می کنیم. حال باید توجه کرد علاوه بر اینکه کاهش جمعیت یادشده در بالا، تأثیرات جدی بر سبک زندگی یک جامعه خواهد گذاشت، نوسانات فرهنگی نیز بر افزایش یا کاهش جمعیت اثرگذار خواهد بود. برای مثال، ترویج زندگی غربی، ترویج بی بندوباری و فحشا از طریق فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای، خود به تنهایی موجب گسترش عدم رغبت به ازدواج و عدم تمایل به فرزند آوری و همچنین سخت شدن ازدواج (ازدواج پرهزینه) و مواردی از این دست شده است که همگی این موارد، در کاهش جمعیت سهیم هستند.

در واقع بین «جمعیت» و «سبک زندگی» چرخه ای وجود دارد که در صورت عدم مدیریت صحیح، جامعه را وارد چاله ای فرهنگی و جمعیتی می کند که روز به روز بر عمق هر دو آن ها اضافه می شود و هر دو نیز از هم تأثیر بسزایی می پذیرند. جامعه ای که گرفتار این چرخه ای نابودکننده شود، به سرعت به سمت براندازی نرم پیش خواهد رفت و «تهدید امنیتی» حاصل از کاهش جمعیت در اینجا معنا خواهد شد. لذا براساس آورده های بالا، کاهش جمعیت را می توان شروع و زمینه ای قوی در براندازی نرم و بلند مدت در کشورها به حساب آورد و به همین دلیل است که در دو سه سال اخیر، که جمهوری اسلامی حرکت خود را به سوی جلوگیری از کاهش جمعیت شروع کرده است، بارها شاهد آن بودیم که غرب و دستگاه های وابسته به غرب در ایران، نظیر صندوق جمعیت ملل متحد، یونسف، بهداشت جهانی و امثالهم، مخالفت خود را با ازدیاد جمعیت ایران، آشکارا و پنهان ابراز کرده اند.

منابع:

۱. پژوهش: «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق با نگاهی به آمارها طلاق در ایران».
۲. خلیل علی محمدزاده، رئیس اسبق اداره جمعیت و باروری سالم و معاون مرکز سلامت جمعیت و خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۳. نرخ باروری ۲۰۱ را حد جانشینی گویند.
۴. مقاله ای «تأثیر جمعیت بر اقتصاد»، پایگاه حفظ و نشر آثار امام خاмене ای.
- ۵-سایت مشرق
- ۶-خبرگزاری فارس



اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند. این سؤال اول

تشریح ابعاد اقتصادی مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری

الگوی مناسب برای ایران

۱. اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟

یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است. این آن جنبه‌ی مثبت اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکان‌های اجتماعی و زیر و رو شدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه‌ی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

۲. اقتصاد مقاومتی درون‌زا به چه معناست؟

این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است.

۳. آیا درون‌زایی اقتصاد مقاومتی همان درون‌گرایی اقتصاد است؟

درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که (القا کنند) «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه که راه سعادت است جدا بکنند دارند میکنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

هفت سبب اجتماع

- ۱- سرمایه‌داری ۲- سوسیالیسم
- ۳- ساختار قدرت ۴- سازمان‌ها
- ۵- سبک زندگی ۶- سرمایه اجتماعی
- ۷- سرمایه فرهنگی



۴. آیا اقتصاد مقاومتی، دولتی است؟

این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد

مشکلات کنونی اقتصاد کشور حل خواهد شد؟

در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند. این سؤال اول.

۷. آیا اقتصاد مقاومتی که شعار آن را می‌دهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟

پاسخ این است که خیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به‌خاطر ظرفیت‌ها؛ چون این کشور، دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده است. من حالا چند قلم از ظرفیت‌های کشور را عرض می‌کنم. مثال اینها چیزهایی است که آمارهای عجیب‌وغریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می‌بینند.

۸. ظرفیت‌های کشور ما در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چه می‌باشد؟

یکی از ظرفیت‌های مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیت جوان کشور از پانزده سال تا سی سال یک حجم عظیم از ملت ما را تشکیل می‌دهند؛ این خودش یک ظرفیت است. تعداد ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها را داریم؛ ده میلیون از جوان‌های ما در طول این سال‌ها از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شدند. همین حالا بیش از چهار میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده فارغ‌التحصیل می‌شوند؛ جوانان عزیز بدانند، این چهار میلیونی که می‌گوییم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، اما تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر؛ امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التحصیل داریم. علاوه بر اینها، میلیون‌ها نیروی مجرب و ماهر داریم. ببینید، همین‌هایی که در دوران جنگ به داد نیروهای مسلح ما رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستان‌ها که بنده در اوایل جنگ خود شاهد بودم، اینها را می‌دیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنی از آنها گذشته، اما همان انگیزه و همان شور در آنها هست رفتند داخل میدان‌های جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پل‌های عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو،

مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت به‌عنوان یک مسئول عمومی نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل می‌کند.

چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ خیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ خیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده‌ی اینها است.

۵. عدالت در اقتصاد مقاومتی چگونه تعریف می‌شود؟

این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری مثل رشد ملی، تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ خیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

۶. با توجه به برنامه‌های اقتصاد مقاومتی،

ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینجا ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم

درهای مراکز علمی مهم بروز دنیا به روی دانشمندان ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهنیاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزم‌مان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشم‌مان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمی‌دارد، کی فلان نقطه را موافقت می‌کند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار می‌توانیم بکنیم.

۱۰. اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟

اولاً مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ای اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند. دوم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم الله امرء عمل عملاً فاتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب می‌شود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.

سوم، صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند کم یا زیاد و می‌توانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

چهارم، امثال اینها، به‌وسیله‌ی همین نیروهای مجرب و ماهر به‌وجود آمد؛ امروز هم هستند، امروز هم در کشور ما مالی مانشاءالله؛ تحصیل کرده نیستند، اما تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.

یکی از ظرفیت‌های مهم کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به‌قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا شرق و غرب عالم بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف می‌زنم، کشفیاتی درمورد گاز شده است که نشان می‌دهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی که همه‌ی دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد در کشور ما است. علاوه‌ی بر این، معادن طلا و معادن فلزات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ آهن، سنگ‌های قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی که مادر صنایع محسوب می‌شوند در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیت بزرگی است.

ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصت‌های بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آب‌های محدود منتهی می‌شود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی می‌کنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمی است.

یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیت‌های یک کشور است.

۹. آیا با وجود تحریم‌های اقتصادی می‌توان از ظرفیت‌های کشور استفاده کرد؟

خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید، اما (چون) تحریم هست نمی‌توانید از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینجا ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الان هم



ده خاطره از امیر سپهبد علی صیاد شیرازی

صیاد دل‌ها

هر سال در همین حوالی بهار و فروردین، خاطره‌ای تلخ حکایت کینه و گلوله دوباره تکرار می‌شود، آنجا که در آغاز صبحگاه بیست و یکم فروردین، علی صیاد شیرازی مورد هجوم گلوله‌ی کینه‌ها و کدورت‌ها قرار گرفت. گلوله‌ای که از سلاح زخم-خوردگانی خارج شد که حدود ۱۰ سال پیشتر از امیر سپهبد علی صیاد شیرازی شکست خورده بودند و حالا در صبحگاهی در سال ۱۳۷۸ برای ترور او در کمین حيله و ناجوانمردی ایستاده بودند. علی صیاد شیرازی متولد ۱۳۲۳ به روایت این ۱۰ روایت که در ادامه خواهید خواند محدود نیست. مردی که صدها روایت از او در دل آنهایی که دلشان را صید کرده بود همچنان جاری است.

«۱» خیلی اشکش را نگه می‌داشت، توی چشمش. همسرش فقط یکبار گریه‌اش را دید، وقتی امام رحلت کرد. دوستش می‌گفت: «ما که توی نماز قنوت می‌گیریم از خدا می‌خواهیم که خیر دنیا و آخرت را به ما اعطا کند و یا هر حاجت دیگری که برای خودمان باشد اما صیاد توی قنوتش هیچ چیزی برای خودش نمی‌خواست. بارها می‌شنیدم که می‌گفت (اللهم احفظ قاعدنا الخائنه‌ای) بلند هم می‌گفت از ته دل...»

«۲» اوایل جنگ بود. در جلسه‌ای بنی صدر بدون «بسم الله» شروع کرد به حرف زدن، نویت که به صیاد رسید به نشانه‌ی اعتراض به بنی صدر که آن زمان فرماده کل قوا بود، گفت: «من در جلسه‌ای که اولین سخنانش بی‌آنکه نامی از خدا ببرد، حرف بزند، هیچ سخنی نمی‌گویم.»

«۳» در عملیات طریق القدس، ارتش و سپاه با هم دو لشکر و اندی داشتند، برای حمله به دشمن به ۱۱۰ هزار گلوله فقط از یک نوع مهمات نیاز داشتند و ما از این نوع گلوله فقط سیزده هزار تا داشتیم. وقتی آن برادر مسئول آتش، این برآورد علمی را به ما نشان داد، اصلاً نفهمیدیم چطور شد که گفتیم: شما بقیه کارها را بکنید، مهمات در راه است و می‌رسد. بلافاصله به خدا پناه بردیم که خدایا این چه بود که ما گفتیم. فقط همین را بگویم تا موقعی که بچه‌ها بستان را گرفتند تا آن موقع، آن برادر مسئول آتش یادش رفته بود که مهمات چه شد؟

«۴» می‌گفت: «پول برای من با کثافت فرقی نمی‌کند.» الان کسی این حرف‌ها را باور نمی‌کند، اما علی بعد از پیوستن به دانشگاه افسری، همه حقوق خود را به من می‌داد و می‌گفت: مادر، من یک جور گلیم خود را از آب بیرون می‌کشم، اما شما ۵ تا پسر و ۲ تا دختر دارید. البته بعد از ازدواج نیز باز بخشی از حقوقش را برای ما می‌فرستاد و تا وقتی شهید شد این مقرری قطع نمی‌شد. علی می‌گفت بابا چطور با این حقوق ناچیز باز نشستگی که تازه همین چند وقت پیش شد ۱۲۰ هزار تومان، می‌توان این خانواده شلوغ و پر رفت و آمد را بچرخاند.

«۵» قرار بود صبح روز عید غدیر برود به خدمت آقا و درجه‌ی سرلشگری‌اش را بگیرد. همه تبریک گفتند خودش می‌گفت: «درجه گرفتن فقط ارتقای سازمانی نیست وقتی آقا درجه را روی دوشم بگذارند، حس می‌کنم ازم راضی هستند. وقتی ایشان راضی باشند امام عصر (عج) هم راضی‌اند. همین برایم بس است. انگار مزد تمام



سال‌های جنگ را یکجا بهم داده‌اند.»

«۶» صبح روز بعد از خاکسپاری، خانواده‌اش نماز صبح را خواندند و از آن طرف رفتند بهشت زهرا(س)، سر قبر صیاد. اما پیش از آنها کسی دیگری هم آماده بود، آقا که گفت: «دلم برای صیادم تنگ شده، مدتی است ازش دور شده ام.»

«۷» موقعی حضرت امام (ره) او را به حضور طلبیدند و دستور اکید دادند که شمال غرب کشور ناامن است و فقط شما می‌توانید امنیت آنجا را برقرار کنید. صیاد هم بلافاصله

در خانه‌ی خود ستادی تشکیل دادند و افراد مورد اعتماد را برای اجرای امر امام (ره) انتخاب کرد. ضمن اینکه او بعد از کناره‌گیری از فرماندهی نیروی زمینی قسم یاد می‌کرد؛ اگر امام بفرمایند لباس‌هایت را بکن یا درجه‌گروه‌های من بزن، به خدا این کار را بدون کمترین ناراحتی انجام خواهم داد.

«۸» اولین و آخرین دغدغه شهید صیاد شیرازی، وحدت نیروهای مسلح و تبعیت از ولایت فقیه و امنیت ملی بود. ایشان در تاریخ ۷۷/۴/۱ طی یادداشتی این دغدغه را با تمام وجودش در عباراتی آورده است. در میان این عبارات، مطالب بسیار مهمی به چشم می‌خورد؛ از جمله اینکه: «موضع ولایت بر ما با این صراحت ابلاغ می‌شود و نباید ما در اجرای آن عاجز باشیم. رضایت خداوند و ولی‌امر مسلمین از ما، پایه و رکن نجات از تنگناهاست.»

«۹» در عملیات بدر در اسفند ۱۳۶۳ یک هفته پس از اینکه نیروهای اسلام جاده بصره - بغداد را قطع کردند و با احداث پل بر روی رودخانه دجله آنجا را تصرف کردند، بنا به دلایلی مجبور به عقب نشینی شدند آن هم تا جزیره مجنون. سپهبد شهید صیاد شیرازی و سرلشکر صفوی آخرین نفراتی بودند که از منطقه عملیات عقب آمدند، در چنین اوضاعی او با یک حالت خاص و برافروخته خود را از قایقی که برای آنها تهیه شده بود به آب انداخت و گفت: چگونه زنده باشیم و عقب بنشینیم؟ جواب امام (ره) را چه بدهیم.

«۱۰» به روایت شهید صیاد شیرازی: شبانه خودم را با یک فروند هواپیمای فالکون به کرمانشاه رساندم و صحنه پیشروی دشمن را از نزدیک مشاهده کردم و متوجه اوضاع شدم. چنان جو پریشانی و اضطراب در مردم ایجاد شده بود که سراسیمه از خانه بیرون آمده بودند. از طرفی جاده کرمانشاه به بیستون از خودروهایی که در انتظار جابه‌جایی بودند، مملو بود و ترافیک سنگینی ایجاد شده بود. بر این اساس با یک فروند هلی کوپتر از فرودگاه به سمت یکی از قرارگاه‌های تاکتیکی سپاه پاسداران مستقر در طاق بستان حرکت کردیم.

نیمه شب چهارم تیر ماه بود و تا ساعت یک ونیم نتوانستیم ماهیت دشمن را به دست آوریم که چه کسی است که همین‌طور در حال پیشروی است. ساعت ۵ به پایگاه رفتم. همه را آماده و مهیا برای توجیه دیدم. پس از توجیه خلبانان تاکید کردم وضعیت خیلی اضطراری است. چاره‌ای نداریم هلی‌کوپترهای کبری باید آماده باشند. یک تیم آتش آماده شد ابتدا خودم با یک هلی کوپتر ۲۱۴ برای شناسایی دقیق و هماهنگی به سمت مواضع حرکت کردم و به این ترتیب اولین عملیات را علیه نیروهای مهاجم و منافق آغاز کردیم. صبح روز پنج مرداد عملیات با رمز یا علی (ع) آغاز شد. در تنگه چهارزبر چنان جهنمی برای یاران صدام برپا شد که زمانی برای پشتیبانی نمانده بود. جاده به زودی انباشته از ادوات سوخته شد. همزمان با عملیات هوانیروز علاوه بر گروه‌های مردمی، تعدادی از لشکرهای سپاه نیز که از جنوب به غرب آمده بودند، وارد عملیات شدند. راه از هر سو به روی بازماندگان کاروان بسته شده بود

و آنان به سختی می‌توانستند به عقب برگردند. بعضی از آنها به روستاها پناه بردند و بعضی‌هایشان با خوردن قرص سیانور به زندگی خود خاتمه داده بودند.

عملیات که تمام شد در جاده کرمانشاه - اسلام آباد غرب هزاران کشته از آنان به جا مانده بود. اجساد پسران و دخترانی که با ملت خود بسیار ناجوانمردانه رفتار کرده بودند. کسانی که روز تنهایی میهن به باری اردوی خصم شتافته بودند. حالا من از این عملیات نتیجه می‌گیرم که چقدر خداوند متعال ما را و رزمندگان اسلام و انقلاب را دوست دارد که در هر زمان طوری مقدر می‌کند که بسیاری از مشکلات ما باید با حالت سرافرازانه حل شود.

خداوند می‌فرماید: بجنگید تا آن کفار که من می‌خواهم به دست شما عذابشان بدهم و به ما قول و وعده می‌دهد تا آنها را خوار کند و به شما پیروزی وعده می‌دهد و قلب‌های شما را شفا بخشد. کدام قلب‌ها؟ قلب‌هایی که قبل از این عملیات گرفته و غم زده بود.

رزمندگان اسلام قلب و دلشان با امامشان برای همیشه گره خورده بود. امام اشاره‌ای دارند که پذیرش قطعنامه مثل نوشیدن زهر بود برای رزمندگان اسلام که سال‌ها فداکاری کرده بودند. در حالی که هشت سال تلاش شده بود بعد از آن ما دلمان می‌خواست به صورتی دیگر نبرد تمام می‌شد. دلمان گرفته بود. اما خداوند با این پیروزی بزرگ و با این کشتار دسته جمعی بدترین و خبیث‌ترین دشمنانمان به دست ما، موجب رضایت خاطر رزمندگان اسلام شد و پایان نبرد هشت ساله دفاع مقدس با این عملیات درخشان مرصاد انجام گرفت.»

تعرض قانونی به آزادی‌های فردی

مستخدمین و مامورین دولتی در غیر مواردی که قانون اجازه داده مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی را مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط یا استراق سمع کنند یا بدون اجازه صاحب آن مطالب مربوط به آن را افشا نمایند به حبس از یک تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهند شد.

اصل ۳۲ قانون اساسی می‌گوید: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازگشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱- مقام قضایی نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر آنکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد.

۲- قبل از احضار نمی‌توان کسی را جلب کرد مگر آنکه متهم مرتکب جرمی شود که مجازات آن قصاص، اعدام یا قطع عضو باشد و یا اینکه متهم فاقد شغل یا محل اقامت معین بوده و اقدامات قضایی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد.

۳- احضار اشخاص با احضارنامه به عمل می‌آید. احضار نامه در دو نسخه برای متهم فرستاده می‌شود یک نسخه از متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده و به مامور احضار رد می‌کند. در احضارنامه، اسم و شهرت احضار شونده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید آورده شود. البته اگر قاضی تشخیص دهد که علت احضار و نتیجه عدم حضور قید نگردد این موضوعات در احضاریه قید نخواهد شد.

۴- اگر احضار شونده سواد نداشته باشد مفاد احضاریه در حضور دو نفر شاهد به او ابلاغ می‌شود چنانچه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نشود و از راه دیگری نیز نتوان احضاریه را به او ابلاغ کرد با تعیین وقت متهم یک نوبت از طریق یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور قاضی با

۴- اگر در محل بازرسی هیچ یک از اشخاص گفته شده حاضر نباشند و از طرفی بازرسی نیز فوریت داشته باشد قاضی می‌تواند با قید فوریت امر در برگ صورت جلسه و بصورت مکتوب دستور باز کردن محل را بدهد.

۵- بازرسی از منزل در روز به عمل می‌آید و اگر ضرورت ایجاب کند در شب صورت خواهد گرفت در عین حال قاضی دستور دهنده مکلف است علت ضرورت را بصورت کتبی در صورت جلسه بیاورد.

۶- در خصوص حفظ حرمت نوشته‌ها و نامه‌ها و مکالمات تلفنی اشخاص اصل ۲۵ قانون اساسی می‌گوید: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

۱. از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط آنچه که مربوط به جرم ارتكابی است قابل بررسی است و قاضی باید در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با نهایت احتیاط رفتار کند به نحوی که مضمون و محتوای آن‌ها برای هیچ کس افشا نشود.

۲. در مواردی که ملاحظه و بازرسی نامه‌های پستی، مراسلات مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به ادارات ذیربط اطلاع می‌دهد تا آن اشیاء را توقیف کند و نزد او بفرستند و بعد از وصول آن را در حضور متهم ارایه کرده و مراتب را در صورتجلسه قید می‌کند و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می‌کند و چنانچه ضبط آن ضرورت نداشته باشد به صاحب آن برگرداند.

۳. کنترل تلفن اشخاص جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود غیر قانونی و ممنوع می‌باشد و اگر

پس از انتقال قدرت از قبایل به نهاد تمرکزی به نام دولت شاید یکی از وظایف اصلی حکومت تأمین آزادی‌های فردی است که با وضع قوانین و مقررات مناسب مانع تعرض دیگران به حقوق و آزادی‌های شخصی می‌شود. در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده است: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

عبارت آخر اصل ۲۲ حکایت از جواز تعرض به آزادی‌های فردی دارد اما نه خودسرانه بلکه در چارچوب قانون و تعریف شده.

قانونگذار برای تعرض قانونی به حریم خصوصی اشخاص حقیقی یا حقوقی ضوابطی را تعیین کرده است که به اختصار به آنها می‌پردازیم.

۱- تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و اوراق و نوشته‌های اشخاص. بازرسی از منزل یا محل کسب و سایر اماکن مشابه و نیز اشیایی که در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد هنگامی قانونی و مشروع است که به موجب دلایل کافی ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد آن هم به حکم قاضی و با رعایت قانون.

از این رو هر گونه تعرض به این اماکن حتی با وجود دلایل جرم اسباب و آلات مجرمانه چنانچه بدون رعایت و ترتیبات و تشریفات قانونی باشد و یا بدون حکم قاضی، عملی است مجرمانه و بر خلاف اصل ۲۲ قانون اساسی.

۲- اگر بازرسی با حقوق اشخاص در تضاد باشد در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.

۳- بازرسی در حضور صاحب خانه یا متصرف قانونی با حضور ارشد حاضرین منزل به عمل می‌آید و نیز بازرسی سایر اماکن در صورت امکان باید با حضور صاحب یا متصدی آن مکان انجام شود.



هفت‌سین حقوقی

سردفتر
سفته
سند رسمی
سپرده
سندسواد
سندگواهی
سوگند



۱۴- به محض حضور متهم، قاضی باید تحقیقات را آغاز کند و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از او تحقیق به عمل آورد. در غیر اینصورت عمل او بازداشت غیر قانونی محسوب و به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال محکوم خواهد شد.

۱۵- پس از حضور متهم نزد قاضی، ابتدا از مشخصات کامل و نشانی او سوال می‌شود و سپس قاضی به او تفهیم می‌کند که مواظب اظهارات خودش باشد زیرا پاسخ‌هایی که می‌دهد علیه او بکار گرفته خواهند شد و بعد از آن اتهام و دلایل آن بصورت صریح و روشن به متهم تفهیم می‌شود.

۱۶- اگر متهم از دادن پاسخ امتناع کرد خودداری او در برگ بازجویی نوشته می‌شود. متهم حق دارد یک نفر وکیل دادگستری به همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون دخالت در امر تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقایق و دفاع از متهم یا اجرای قوانین ضروری است به قاضی اعلام می‌کند. حرف‌های وکیل باید در صورت جلسه آورده شود. البته در جرایمی که جنبه مجرمانه داشته یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود و نیز در جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل موکول به اجازه قاضی است.

استثنای موارد فوری باید در روز به عمل آید. ۱۰- اگر متهم غایب باشد برگ جلب را تحویل مقام قضایی کنند.

۱۱- در صورت ضرورت قاضی می‌تواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معرفی او مامورین متهم را جلب کنند.

۱۲- مامورین باید متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضایی دهند و در صورتی می‌توانند او را بازداشت کنند که بیم تبانی یا فرار او و محو آثار جرم باشد ولی در هر صورت حق نگهداری او را بیش از ۲۴ ساعت بدون اجازه مقام قضایی ندارند.

۱۳- اگر شخص احضار شده به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود در صورت اهمیت و فوری بودن امر قاضی نزد او رفته و بازجویی لازم را به عمل می‌آورد و یا قاضی منتظر بهبود حال او خواهد شد.

رعایت قوانین مربوط پرونده را رسیدگی خواهد کرد.

۵- متهم موظف است در موعد مقرر نزد مقام قضایی حضور یابد و اگر نتواند حاضر شود باید عذر موجه خود را اعلام کند. عذرهای زیر موجه محسوب می‌شوند:

- ترسیدن احضارنامه یا دیر رسیدن آن به گونه‌ای که مانع از حضور متهم در وقت مقرر شود.

- بیماری که مانع از حرکت متهم شود.
- فوت همسر یا یکی از بستگان تا درجه سوم از طبقه دوم یعنی: پدر یا مادر یا اولاد یا نوه یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ، برادر یا خواهر یا فرزندان برادر و خواهر. این اشخاص بستگان نسبی هستند به همین ترتیب فوت بستگان سببی زن و شوهر عذر موجه محسوب می‌شود مانند فوت پدر زن یا پدر شوهر.

- دچار حوادث مهم شدن مثل آتش سوزی - عدم امکان تردد به واسطه حوادث طبیعی مثل سیل یا امراض مسری مثل وبا، سارس، طاعون و ...

- در بازگشت یا توقیف بودن متهم.
۶- از این رو اگر متهم پس از ابلاغ احضاریه، حاضر نگردد و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستد به دستور قاضی جلب خواهد شد.

۷- جلب متهم با برگ جلب به عمل می‌آید. برگ جلب مفادش مانند مفاد احضاریه است و باید به متهم ابلاغ شود.

۸- مامور جلب پس از ابلاغ برگ جلب از متهم دعوت می‌کند تا با او نزد قاضی بروند. اگر متهم امتناع کرد او را جلب و تحت الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهد کرد. اشخاصی که در امتناع به متهم کمک کنند تحت تعقیب قرار می‌گیرند.

۹- جلب متهم به



گاهی اوقات زندگی مانند صخره سختی می‌شود که مشت زدن به آن حاصلی جز خرد کردن استخوان‌های انسان ندارد. چسبیدن به بعضی از کلیشه‌ها و چهارچوب‌های غیرعقلانی، زندگی را دشوار و گاه غیرممکن می‌سازد. سعی کنید در مقابل دیگران انعطاف به خرج بدهید

گام‌هایی برای تمرین شادمانی

خدایا تا تو را دارم من چه کم دارم

طاهره محمدعلیزاده

دنیای امروز پر از اخبار ناگوار و نگران‌کننده است و انسان چه بخواهد چه نخواهد، در معرض این چیزها قرار می‌گیرد و آرامش و راحتی خیال را از دست می‌دهد. در چنین وضعیتی باید برای دستیابی به آرامش، شادی و نشاط شیوه‌های مناسبی را پیدا و تمرین کرد. در این فرصت مختصر به برخی از این شیوه‌ها اشاره می‌کنیم:

رابطه خود را با خداوند محکم و قوی کنید: نیاز آدمی به خدا، در حداقل سطح و معنا، همچون نیاز یک نوزاد به مادر است. در هیاهوی اضطراب‌ها و نگرانی‌های شدید دنیای امروز، چیزی جز پناه بردن به لطف و محبت خدا و ایمان قلبی به یاری او، عامل دیگری نمی‌تواند به انسان آرامش بدهد. متأسفانه انسان معاصر به جای پی بردن به این حقیقت آشکار

تلاش می‌کند تا با شیوه‌های غیرعقلانی از قبیل بی‌بندوباری، پرخوری، وقت‌کشی و در یک کلام پشت کردن به دستورات الهی و نیز استفاده از انواع مخدرهای جسمی و روحی و استفاده از قرص‌های آرام‌بخش، اضطرابش را فرو بنشانند، غافل از اینکه خود این شیوه‌ها به اضطراب او می‌افزایند و کار را به جایی می‌رسانند که عملاً آرام و قرار برای فرد

باقی نمی‌ماند. انسان هر چه ارتباط خود را با خدا کمتر کند، ترس و اضطراب بیشتری پیدا می‌کند. کمک به دیگران، احترام به آنان، یوری، دلسوزی، خیرخواهی و همه فضائل اخلاقی توصیه شده در قرآن، روایات و سیره ائمه معصومین(ع) راه‌های دستیابی به آرامش عمیق و واقعی هستند.

آرامش و شادی را در درون خود جستجو کنید: یکی از گرفتاری‌های بسیاری از ما این است که سعی می‌کنیم سرچشمه‌های شادی و آرامش را در جهان بیرونی خود پیدا کنیم، در حالی که انسان تا عمیقاً شاد و راضی نباشد، اگر او را در بهترین کاخ‌ها و باغ‌های دنیا هم جای دهند، غمگین و افسرده است. خاطر آسوده و نگاه مثبت به هستی، زندگی را دلپذیر و دنیا را در چشم انسان زیبا می‌کند.

انعطاف‌پذیر باشید: گاهی اوقات زندگی مانند صخره سختی می‌شود که مشت زدن به آن حاصلی جز خرد کردن استخوان‌های انسان ندارد. چسبیدن به بعضی از کلیشه‌ها و چهارچوب‌های غیرعقلانی، زندگی را دشوار و گاه غیرممکن می‌سازد. سعی کنید در مقابل دیگران انعطاف به خرج بدهید. این به معنای پا گذاشتن روی اصول و دمدمی مزاج بودن نیست، بلکه تحمل ضعف‌های دیگران است. اگر بخواهید خیلی سخت بگیرید، زندگی همیشه به شما سخت می‌گردد و به قول حافظ «سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سختکوش». البته سختکوشی منظور نظر جناب حافظ قطعاً سختگیری است، و الا سختکوشی که یکی از رموز اولیه شاد بودن و شاد زیستن است. هیچ چیزی در زندگی تصادفی نیست: اگر به قول خودتان پشت سر هم بد می‌آورد و هیچ اتفاق خوبی در زندگی شما روی نمی‌دهد، کمی به خود رجوع کنید و ببینید دارید در این هستی چه نقشی را بازی می‌کنید. هیچ اتفاقی در دنیا نیست که نتیجه اتفاق دیگری نباشد. به عبارت دیگر رابطه علت و معلولی در تمام موارد زندگی انسان مصداق دارد. بنابراین هنگامی که گرفتار مشکلات و مصائب پی‌درپی می‌شوید، به جای سرزنش دیگران و یا روزگار و شرایط، کمی هم به عملکردهای خودتان بیندیشید. به کارهایتان نظم بدهید: یک محیط درهم‌ریخته، یک میز کار آشفتنه، یک برنامه روزانه بی‌حساب و کتاب و در یک کلمه «بی‌نظمی» یکی از مهم‌ترین عوامل اضطراب و شاد نبودن است. به برنامه روزانه خود نظم بدهید. هشت ساعت را به کار، هشت ساعت را به استراحت و هشت ساعت را به تفریح، مطالعه، کسب مهارت، دیدار با اقوام و دوستان و اموری که روحیه شما را بالا می‌برند، اختصاص بدهید.

دست از وابستگی بردارید: متأسفانه بسیاری از ما عشق، محبت، دلسوزی، مهربانی و علاقه را با وابستگی اشتباه می‌گیریم و به محض اینکه به چیزی یا کسی علاقه پیدا می‌کنیم، صبر و قرار و آرامش خود را از دست می‌دهیم. آیا هیچ وقت به این موضوع



قطاب خانگه



مواد مورد نیاز :

زرده تخم مرغ : ۲ عدد
 ماست : یک، دوم پیمانه
 روغن جامد ذوب شده : یک، دوم پیمانه
 آرد : ۲ پیمانه
 بکینگ پودر : ۱ قاشق مرباخوری.



مواد وسط قطاب :

بادام چرخ شده : ۲ پیمانه
 پودر قند : ۱ پیمانه
 پودر هل : ۱ قاشق مرباخوری
 گلاب : ۳-۴ قاشق مرباخوری
 همه را با هم مخلوط کنید و خمیری برای درون قطاب تهیه کنید.

مراحل آماده سازی :

بکینگ پودر را در ماست حل کنید.
 زرده های تخم مرغ و روغن ذوب شده را به آن بیفزایید و با قاشق هم بزنید.
 آرد را کم کم اضافه کنید (تا خمیر ترد تری داشته باشید).
 خمیر را در نایلون پیچید و ۵/۱ ساعت استراحت دهید.
 بعد از ۵/۱ ساعت خمیر را روی تخته به قطر ۲ تا ۳ میلیمتر باز کنید و قالب گرد ۷ سانتیمتری برش دهید و مواد وسط قطاب را که تهیه کرده بودید لابلای خمیر بگذارید و بپیچید و در روغن فراوان سرخ کنید.
 روی دستمال بگذارید تا روغن اضافی آن گرفته شود و همانطور گرم در پودر قند بغلطانید و در ظرف دردار نگهداری کنید.

فکر کرده‌اید که اگر انسان بخواهد چیزی را به دست بیاورد، باید آن را رها کند؟ چسبیدن به پول، شهرت، مقام، فرزند و... جز اضطراب و تلخکامی حاصلی ندارد و انسان را به هدف هم نمی‌رساند.

با انگیزه زندگی کنید: قرار نیست در زندگی هیچ مشکلی نداشته باشیم. تنها جایی که انسان، دیگر مشکلی با دیگران یا با محیط خود پیدا نمی‌کند، قبرستان است! ما به دنیا آمده‌ایم تا با گذراندن امتحانات و آزمایش‌های گوناگون رشد کنیم و از رشد و تعالی خود لذت ببریم. اگر انسان با انگیزه کار کند، می‌تواند مشکلات را پشت سر بگذارد و به هدف برسد، اما انسان بی‌انگیزه، همواره بازنده است.

به جای تلاش برای تغییر دادن دیگران، خود را تغییر بدهید: تغییر دادن دیگران تا خود آنها نخواهند، امری ناممکن است، بنابراین بیهوده وقتتان را تلف نکنید. شما مأمور تغییر خود هستید. اگر تغییر کردید، محیط اطرافتان هم به تبع شما تغییر می‌کند و این تأثیرگذاری وسعت می‌یابد. همه مردان و زنان بزرگ و اثرگذار دنیا، ابتدا در تربیت خود کوشیده‌اند. بدون تغییر نگرش خود، تغییر در دیگران بی‌معنی است. خداوند ما را خلق نکرده است که هر روز مجازاتمان کند، بلکه ما را خلق کرده است که رو به تعالی و کمال برویم. بیهوده سعی نکنید با تغییر جا، شغل و شرایط، چیزی را عوض کنید. تا شما تغییر نکنید، هیچ تغییری فایده نخواهد داشت.

درس‌های زندگی را کامل و دقیق پاس کنید: چون اگر این کار را نکنید، زندگی آن قدر آن درس را تکرار می‌کند تا مطمئن شود یاد گرفته‌اید. انسان هر چه را که بکار درو می‌کند، نمی‌شود تنبلی کرد و بهانه گرفت و منتظر موفقیت بود. یک انسان هوشیار سعی می‌کند تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و این جز با دقت و مثبت‌اندیشی ممکن نیست.

فقر بیش از آنچه در جیب ما باشد در ذهن ماست: کم نیستند افرادی که چندین حساب پس‌انداز، خانه، زمین، اتومبیل و... دارند، ولی همیشه احساس نداری می‌کنند و سعی می‌کنند بر داشته‌های خود بیفزایند، در حالی که از چیزی هم که دارند لذت نمی‌برند. منکر فقر و بی‌پولی نیستیم. قطعاً در جامعه با افرادی توان تهیه حداقل‌ها را هم برای خود و خانواده‌شان ندارند، ولی احساس فقر و نداری، بسیار بیشتر از فقر واقعی وجود دارد و همین حس موجب شده است که دچار نوعی حرص و ولع و مصرف‌زدگی بشویم و این شعر زیبای سعدی یادمان برود که: «چشم تنگ مرد دنیا دوست را/ یا قناعت پر کند یا خاک گور».

شکر گزار باشید: خدا را به خاطر تمام نعمت‌هایی که به شما داده است شکر کنید. شکر گزار بودن، حس شادی و رضایت را در انسان تقویت می‌کند و یک انسان شاد، برای دیگران هم خیر، شادی و سلامت می‌خواهد. از آنچه دارید لذت ببرید و برای چیزهایی که آرزوی شما را دارید تلاش کنید، اما حسرت چیزی را نخورید. حسرت، دشمن شادی است.

آفتاب نیمه شب

وقتی بی‌خوابی می‌افتاد سرمان، دلمان نمی‌آمد که بگذاریم دیگران راحت بخوابند، خصوصا دوستان نزدیک. به هر بهانه‌ای بود بالای سرشان می‌رفتیم و آنها را از جا بلند می‌کردیم. رفیقی داشتیم، خیلی آدم رک و بی‌رودربایستی بود.

یک شب حوالی اذان صبح رفتم به بالینش، شانه‌اش را چند بار تکان دادم و آهسته به نحوی که دیگران متوجه نشوند گفتم: «هی، بلند شو، آفتاب زد. آقا چشم‌ت روز بد نبیند، یک مرتبه پتو را کنار زد، و با صدای بلند گفت: «مرد حسابی بگذار بخوابم، به من چه که آفتاب می‌زند، شاید آفتاب بخواد نیمه شب در بیاید، من هم باید نیمه شب بلند بشوم. عجب گیری افتادیم ها !!!

بیت المال

خیمه‌پاره که می‌زدند طبیعتاً اگر در سنگر نبودیم خیز می‌رفتیم تا از ترکش آن محفوظ بمانیم. بعضی صاف صاف می‌ایستادند و جنب نمی‌خوردند و اگر تذکر می‌دادی که دراز بکش، می‌گفتند: بیت المال است. حالا که این بنده خدا به خرج افتاده نباید جا خالی داد. حیف است، این همه راه آمده خوبیت ندارد.

ورود کلیه برداران ممنوع

شیشه در ورودی ناهار خوری شکسته بود. این عبارت را با مازیک قرمز روی کاغذی نوشته و به دیوار چسبانده بودند: «ورود کلیه برداران ممنوع». موقع ناهار بود. سالن هم در دیگری نداشت. یعنی چه؟ هیچ کس تصور نمی‌کرد در بسته نباشد یا این که قضیه شوخی باشد چند نفری رفتند پیش مسئول مربوط و داد و فریاد راه انداختند: «این چه وضعشه، در چرا بسته است، این کاغذ چیه که نوشته اید؟» و از این حرف‌ها. بعد راه افتادند رفتند آشپزخانه. البته از در پشتی که مخصوص مسئولان بود. جریان را که تعریف کردند سر آشپز خندید و گفت: «اولا در بسته نیست باز است. ثانیا ما نگفتیم کلیه. گفتیم کلیه، برای همین روی لام تشدید نگذاشتیم». حسابی کفری شدیم. فکر همه چیز را می‌کردیم الا این که آشپزها هم با ما بله!

مداح ناشی

داخل اتوبوس هم دست از سر ما بر نمی‌داشت. چپ و راست، وقت و بی‌وقت زیارت عاشورا می‌خواند. حتی اگر مجلس شادی بود، گریز می‌زدند به صحرای کربلا. مداح شروع به صحبت کرد و از ما خواست واقعه را پیش چشم خود مجسم کنیم و دل‌هایمان را روانه‌ی میدان کربلا. قصد داشت به صورت سمعی و بصری، جز به جز ماجرا را توضیح دهد. بلند گفت: «همه‌ی اهل بیت کنار خیمه منتظرند، ذوالجناح آمد» سپس صدای شیهه‌ی اسب را درآورد. وسط روضه، از ته ماشین یک نفر زد زیر خنده، صدای خنده‌ی بچه‌های دیگر نیز بلند شد.

لیخنده‌های خاکی

نزدید ما غازیم ...

در مقر تیپ فرات مشغول امور جاری روزانه بودیم که بمب‌افکن‌های عراقی در آسمان نمایان شدند. طبق معمول، پناهگاهی جز آب نداشتیم، به همین خاطر داخل آب پریدیم و از همان‌جا بچه‌ها به خلبان‌های دشمن می‌گفتند: نزدیک، نزدیک، نزدیک، بعد هم صدای غار در می‌آوردند.

محمدی‌هایش صلوات

در یکی از محورها، قرار بود نیروها برای عملیات اعزام شوند، به اصطلاح پای کار و موضع انتظار. قبل از حرکت، فرماندهی محور سرش را از لای چادر کامیون داخل کرد و گفت: «یادتان نرود شما پتو هستید، و اهدایی مردم که ما به جبهه می‌بریم، سر و صدایی از خودتان در نیاورید. بعد به وقتش من می‌آیم و اطلاع می‌دهم که چه بکنید.»

ظاهراً پیرمردی که گوش‌هایش سنگین بود، دقیق متوجه موضوع نشد، کامیون به دژبانی رسید، مسئول مربوطه با دژبانی گفت و گویی کرد، هنوز چند قدم دور نشده بودیم که پیرمرد با حال و هوای خودش گفت: «محمدی‌هایش صلوات بفرستند، بقیه هم یا صلوات می‌فرستادند، یا با صدای بلند می‌خندیدند، و کار حسابی خراب شده بود.»

مواظب باش نخندی

گاهی پیش می‌آمد که دو نفر در حضور بچه‌ها با هم بلند صحبت می‌کردند و کارشان به اصطلاح به «یکی به دو» می‌کشید. پیدا بود سوء تفاهمی شده. بچه‌ها به جای این که بنشینند و تماشا کنند یا حتی دو طرف را تحریک کنند، هر کدام سعی می‌کردند به نحوی قضیه را فیصله بدهند، مثلاً می‌گفتند: «مواظب باش نخندی.» به همین ترتیب می‌گفتند تا جایی که خود آن‌ها هم به خودشان و به کار خودشان می‌خندیدند و شرمنده و متنبه به کنجی می‌نشستند.

راننده‌ی زرنگ

بنا بود برویم عملیات. اولین روزی بود که به سمت خط مقدم می‌رفتیم. سوار کامیون بنز شدیم. راننده که می‌توانست بفهمد ما تا چه اندازه پیاده‌ایم و ناشی، آمد روی رکاب و گفت: به محض اینکه صدای گلوله توپ یا خمپاره شنیدید می‌خواهید کف ماشین. حرکت کرد. صدای شلیک توپ از فاصله دو کیلومتری که به گوش می‌رسید، همه خیز می‌رفتیم، می‌افتادیم روی سر و کله هم و گاهی راننده نگه می‌داشت و می‌آمد ما را زیر چشمی از آن بالا نگاه می‌کرد و در دلش به ترس ما و اینکه به دلیل نابلدی هر چه می‌گفت به حرفش گوش می‌کردیم، می‌خندید. خیلی لذت می‌برد.

مچ گیری

کارش شده بود ردگیری و لسو دادن بچه‌های نماز شب خوان. شبانه می‌رفت بالای سقف مسجد، مچ بچه‌هایی را که نماز شب می‌خواندند، می‌گرفت. صبح هم که می‌شد، دستشون رو می‌گرفت و می‌گفت: «این‌ها مخلص هستند، دروغ می‌گویند که ما مخلص نیستیم، این‌ها نورانی شده‌اند و شهید خواهند شد. « اخلاص شهید قاسم هادئی عاقبت پیش همه‌ی ملایک لو رفت و او نیز به شهادت رسید.

برنده شماره قبل:
سمانه پارسا. سمنان

جدول...

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
												۱
												۲
												۳
												۴
												۵
												۶
												۷
												۸
												۹
												۱۰
												۱۱
												۱۲
												۱۳

طراح جدول: ابراهیم زارعی
حل جدول شماره گذشته:

13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
ی	م	ی	ر	ک	و	و	د	ا	ج	ا	ح	1
ا	س	ی	ر	د	ا	ی	د	ا	ن	ی	د	2
ر	م	ر	د	ه	د	ی	و	غ	د	ر	و	3
س	ا	ک	و	ا	ر	م	ا	ر	و	ه	ا	4
و	ن	ی	م	ه	ن	د	ف	ن	ا	م	ا	5
ل	ی	ا	و	ن	ی	و	ا	ن	ی	ا	ن	6
ا	ر	و	ر	ص	د	و	م	ر	و	ز	ر	7
ل	ر	ا	ی	ش	ر	ا	ی	ش	ر	ا	ی	8
ل	ف	ی	و	ش	م	و	ر	ا	ی	و	ر	9
ه	ی	ب	د	ا	ن	د	ا	ی	ه	د	ا	10
گ	ر	و	ر	ش	پ	ر	ا	ی	گ	ر	و	11
ن	ا	ی	ن	ا	ر	ا	ی	ن	و	م	س	12
ی	ا	و	ک	۱۳								13

- ۴- دستبند - خاک - ماده‌ی بیهوشی
- ۵- ظاهر بنا - گفتگو - شب کردن
- ۶- لقب دهخدا در نگارش مقالاتش - غلاف شمشیر - رود فرانسوی
- ۷- فرمانده شهید تیپ یکم لشکر محمدرسل الله (ص) - از شهدای تفحص
- ۸- علامت نداشتن - جواب داده شده - الی آخر
- ۹- تبعیدگاه ابوذر، صحابی پیامبر (ص) - سروش غیبی - با بلاغت
- ۱۰- بالا - جسم و بدن - ممنوع نیست
- ۱۱- از آلات موسیقی زهی - موش خرما - زینت رو
- ۱۲- آب بند - آقای گل جام جهانی ۱۹۸۲ - اسناد

افقی

- ۱- رمز عملیات محرم - فرمانده شهید تیپ جواد الائمه لشکر ۵ نصر
- ۲- خیالات - علی (ع) ملقب به فاتح این جنگ است - کتابی با موضوع دفاع مقدس
- ۳- سوی - زعفران - درون
- ۴- زن خونخوار صدراسلام - خدمتکاران - رود مرزی
- ۵- دو رنگی - تاب دار - منسوب به هرات
- ۶- کنایه از به دست داشتن امور - نهی کننده - آفت عمر!
- ۷- از خلبانان نام‌آور شهید دفاع مقدس - مهندس شهید و فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا
- ۸- زمین آذری - شیوا - خروس مازنی
- ۹- از نمازهای واجب - هزاران - آسمان
- ۱۰- از سور قرآن کریم - آرزوها - تأدیبه شده
- ۱۱- از لوازم آزمایشگاه - محل خروج - عدد تیم فوتبال!
- ۱۲- سه کیلو - در جریان بودن - فریبنده‌ی قوم حضرت موسی (ع)
- ۱۳- منطقه عملیاتی عملیات والفجر شش - مسئول آموزشگاه نظامی لشکر ۲۷ محمدرسل الله (ص)

عمودی

- ۱- رمز عملیات فتح‌المبین - رمز عملیات کربلای چهار
- ۲- سید شهیدان اهل قلم - مته‌ی برقی - عدد منفی!
- ۳- بخشی از کمان - تجویز پزشک - خوردن

اشتراک شش ماهه: ۶۶۰۰ تومان یکساله: ۱۳۲۰۰ تومان

اینجانب
متقاضی نشریه شاهد جوان می‌باشم که حق اشتراک آن‌را:
طی رسید بانکی پیوست به حساب سیبا به شماره ۰۱۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی ایران،
به نام معاونت فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران واریز کرده‌ام
نشانی دقیق:

تلفن و کد شهرستان: کد پستی:
تلفن همراه: امضا: تاریخ:

فرم اشتراک
جوان

نشانی مجله: تهران صندوق پستی
۱۵۷۱۵/۱۹۴
تلفن: ۸۸۸۲۳۵۸۴

۲۱

شاهد جوان / شماره ۱۱۶

تفاوت عیدهای امروز با دیروز

بوی عیدی، بوی کاغذ رنگی

○ شیوا سراج بخش

هر بار که ترانه
کودکانه فرهاد مهراذ را می‌شنوم، غمی
سنگین و در عین حال شیرین در دلم جوانه می‌زند:

بوی عیدی، بوی توپ

بوی کاغذ رنگی

بوی تند ماهی دودی

وسط سفره نو

چیزی که به عید معنا می‌دهد، شادی عمیق و ساده است که متأسفانه در میان هیاهوی
مصرف‌زدگی و تلاش برای داشتن و داشتن گم شده است، گویی آدمی فراموش کرده است که آنچه
مایه شادی و سعادت اوست «چگونه بودن» اوست و نه «داشتن‌هایش».

عید یعنی نو شدن بیرونی و درونی و عید نوروز از آنجا که با «نو شدن» طبیعت همزمان است و نشانه رستاخیز،
انصافاً مناسب‌ترین عید دنیاست.

و اما اینکه چرا دیگر عید برای برخی معنای شادی و نو شدن ندارد، دلیلش را باید در نحوه نگرش خود به زندگی
جستجو کنیم. سایر مناسبت‌ها و مراسم‌های ما هم به همین درد مبتلا شده‌اند، زیرا هدف اصلی آنها را که در «دور
هم بودن»، «شادبودن»، «به حرف‌های هم گوش دادن»، «همدلی کردن»، «با هم خندیدن» و احساس زیبایی «جزئی
از یک کل بودن» معنا پیدا می‌کرد، گم کرده‌ایم و به جایش «چشم و هم‌چشمی»، «خرده‌گیری»، «تکبر و تفرعن» و
هزاران بلا و مصیبتی را نشانده‌ایم که عید و عروسی و تولد و هزاران مناسبت وحدت‌آفرین و شاد را تبدیل به مشکل و
گاه مصیبت کرده است.

در روزگاری که هنوز خانه ما تبدیل به بازار کالاهای بنجل کشورهای «باز و بفروش» نشده بود؛ در
روزگاری که هنوز رسانه‌های گروهی جای معاشرت‌های خانوادگی و دوستانه را نگرفته بودند؛
در روزگاری که همدلی، دلسوزی، احوالپرسی و عیادت معنا داشت و کسی به فکر به رخ
کشیدن داشته‌های خود به دیگران نبود، عید هم معنا داشت.

عید یعنی تازگی، تغییر و تحول و به همین دلیل است که خانه‌تکانی و تعمیر
خرابی‌های خانه و خرید لباس نو، مخصوصاً برای بچه‌ها هنوز هم جزو جنبه‌های
دلپذیر عید نوروز است. در روزگاری نه چندان دور، کارهای مربوط به عید
توسط اعضای خانواده، اقوام و همسایه‌ها انجام می‌شد، از جمله کسانی
که شیرینی پختن را بلد بودند، دیگران را به کمک می‌طلبیدند و بوی
هل، گلاب و دارچین فضای محله را پر می‌کرد و زنان جوان با خنده
و شادی از بزرگ‌ترها فنون کدبانوگری و روی پای خود ایستادن
را یاد می‌گرفتند.

خانه‌تکانی، خیاطی و دوختن لباس‌های نو هم دسته
جمعی انجام می‌شد. بعد به باغچه‌ها می‌رسیدند و
گل می‌کاشتند و خود را برای پذیرایی از مهمانان
نوروزی آماده می‌کردند. اسفند، ماه پاکیزگی،
خنده، شادی و گل بود.



عید نوروز فقیر و غنی نمی‌شناخت.
وارد هر خانه‌ای که می‌شد، با خود
پاکیزگی و طراوت می‌آورد



سمنو پزون

زنان کدبانو سمنوپزان راه می‌انداختند و برای سفره هفت‌سین خود، خویشان و همسایگان سمنو تهیه می‌کردند. به هر طرف که نگاه می‌کردی، رنگ‌های زیبای قالی‌ها و قالیچه‌ها چشم‌هایت را نوازش می‌داد. همه جا پر از گل‌های شمعدانی، سنبل و پامچال بود. آنهایی هم که امکاناتی داشتند، با لامپ‌های کوچک رنگی مغازه‌ها و پشت پنجره خانه‌هایشان را چراغانی می‌کردند. کودکان بچگی می‌کردند و به تقلید از بزرگ‌ترها دنبال ماشین، قسط خانه، تبلت و کامپیوتر نبودند. هیچ منظره‌ای دردناک‌تر از دیدن کودکی که در جمع بزرگ‌ترها نشسته و نگران پایین آمدن نرخ هر بشکه نفت یا بالا رفتن دلار است، نیست. به نظر می‌رسد دوران نوزادی یکسره به جوانی و حتی میانسالی گره خورده است و بچه‌ها بچگی را از یاد برده‌اند. عید نوروز، عید بچه‌ها بود. رفاه بی‌معنی و بی‌منا سبب شد به‌جای شیرینی‌های دستیخت بانوان باسلیقه و باعرضه، جعبه شیرینی‌های مانده و بی‌عطر و بو به خانه‌ها سرازیر شوند. به جای لباس‌های رنگارنگ و دلپذیر دوخت دست مادر، انواع و اقسام بنجل‌های یک بار مصرف که در تعداد زیاد و با حرص و ولعی سیری‌ناپذیر خریده می‌شوند، به بی‌مهرتی دختران جوان ما دامن زده است. به‌جای تدارک سفره هفت‌سین که هر جزء آن به مهارت کدبانوگری دختران ما می‌افزود و اعتماد به نفس آنها را در انجام کاری ظریف و زیبا بالا می‌برد، تبدیل به هفت‌سین‌های پلاستیکی آماده شده و اصل ماجرا که شاد بودن و آماده شدن برای عیدنوروز بود، جای خود را به انجام مراسمی بی‌محتوا و یک بار مصرف داده است.

عید به همه جاسر می‌زد

بچه‌ها به‌رغم نداشتن بسیاری از امکانات امروز، چشم و دل سیر بودند و با یک اسکناس تا نخورده چنان غرق شادی می‌شدند که کودک امروز با دریافت هواپیمای شخصی هم نمی‌شود.

عید نوروز فقیر و غنی نمی‌شناخت. وارد هر خانه‌ای که می‌شد، با خود پاکیزگی و طراوت می‌آورد. در خانه‌تکانی غیر از طراوت، یک کار بسیار مهم هم انجام می‌داد: دل‌کندن از وسایل کهنه یا لوازمی که از آنها استفاده نمی‌شد و باید به کسانی داده می‌شد که به آنها احتیاج داشتند.

اما امروز به‌جای آن همدلی‌ها، شادی‌ها، همراهی‌ها و اتکای به خود برای انجام کارها و تهیه و تدارک شب عید، خیلی‌ها گرفتار تجملات شده‌اند و سعی می‌کنند این ایام دلپذیر را هم وسیله‌ای برای تفاخر و دادن مهمانی‌های پرزبانه کنند. خدا کند یادمان بیاید که عید یعنی زندگی دو باره، یعنی رستخیز، یعنی سبک‌شدن و تلاش برای شاد بودن و شاد کردن دل دیگران.

چه خوب است که همراه با خانه‌تکانی، گرد و غبار را از دل‌ها هم پاک کنیم و شادی و طراوت را به یکدیگر ارزانی داریم.

چه خوب است که کوچک‌ترها یاد بدهیم که عید به معنی حسرت خوردن برای داشته‌های دیگران نیست و عید آن روزی است که همه بر سر یک سفره بنشینیم و آنچه را که داریم با هم تقسیم کنیم.

چه خوب است که یاد بیاوریم که شادی عمیق تنها با تلاش برای شاد کردن دیگران ممکن است و شادی فردی در میان جمعی اندوهگین‌شدنی نیست.

چه خوب است که بار دیگر به یاد بیاوریم لذت با هم بودن را. چه خوب است مرور کنیم ساده زیستن را و به بهانه‌های ساده خوشبختی شاد بودن را.

چه خوب است که یاد داشته باشیم که خدا زیبایی محض است و انسان‌ها فطرتاً طالب زیبایی هستند. زیبایی‌های بهار و نوروز را غنیمت بشماریم و برای شادی و خوشبختی یکدیگر بکوشیم که نوروز، رستخیز طبیعت و جان آدمی است.



الگوهای رفتاری حضرت زهرا(س) در خانواده

زندگی به سبک بانوی دو عالم

◉ اعظم نوری

در ایامی که یگانه دختر پیامبر جهان را وداع گفتند و برای همیشه والاترین زن تاریخ این جهان خاکی را ترک کردند و در روزهای این چنینی که بزرگان و بزرگوارانی با وداعشان ما را پس صدها سال وادار به تامل و تفکر می‌کنند نیاز است تا نگاهی بهتر و بیشتر به سیره و رفتارهای عملی و سبک زندگی آنان داشت. اینکه چه چیزی باعث شده تا نام این بزرگواران از پس دهه‌ها و سده‌ها همچنان با احترام و شکوه برده شود ناشی از همین الگوهای زندگی و رفتاری است که همچنان قابلیت بهره‌گیری دارد.

برخی از این الگوهای رفتاری نیاز جوانان و خانواده‌های امروز نیز به شمار می‌آید که در ادامه برای این روزها و در شرایطی که رسانه‌های غربی سعی در زدن الگوهای پوشالی و ساختگی هستند، الگوهای واقعی و راستین جای ترویج بیشتری دارند. آنان که نامشان پس از هزاران سال غباری از فراموشی به خود ندیده است.



«همسر داری فاطمه(س)»

پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: جهاد المرأة حسنُ التَّعبَل؛ جهاد زن همسر داری نیکوی اوست. پیامبر(ص) این سخن را در جواب زنانی دادند که از ایشان سؤال کردند: چرا همه‌ی فضیلت‌ها مخصوص مردان است و باب جهاد و شهادت به روی ما بسته شده است، ما چگونه می‌توانیم از ثواب این فضیلت عظیم بهره‌مند شویم؟ علت این که همسر داری نیکو برای زنان، مساوی و هم تراز با جهاد و از جان گذشتگی مرد دانسته شده است، عظمت و حساسیت موقعیت و نقش زن در خانواده و در برابر همسر است.

کلید آرامش، انضباط، استحکام و صمیمیت خانواده به دست زنان است و به دنبال آن موفقیت و آسودگی خاطر مرد نیز، به نوع رفتار و برخورد زن درون خانه بستگی دارد. بهترین و جامع‌ترین اسوه در این زمینه، حضرت فاطمه(س) است. برای شناخت لطایف و ظرایف جلوه‌های رفتاری حضرت و سیره‌ی عملی ایشان در برخورد با علی(ع) به بررسی فرازهایی از زندگی فاطمه(س) می‌پردازیم. عشق و محبت توأم با احترام به همسر: از اهداف مهم در ازدواج، آرامش و رابطه‌ی محبت آمیز میان زوجین است، برقراری روابط عاطفی، نقش مهمی در استحکام خانواده و حسن رابطه و سازگاری زن و شوهر دارد. خداوند در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم، به اصل وجود عشق و احساس محبت متقابل بین زن و شوهر اشاره فرموده: از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

یکی از عوامل مهم در تحقق عشق و محبت میان همسران بیان و اظهار آن است. چه بسا کسانی که در قلب محبت فراوانی نسبت به همسرشان دارند، ولی توانایی ابراز آن را ندارند. در حالی که گفتن جملاتی که حاکی از محبت زوجین نسبت به هم است در رفع بسیاری از تردیدها و سوء ظن‌ها مؤثر و بر میزان محبت آنان می‌افزاید. پیامبر اکرم(ص) فرمود: وقتی مرد به زن خود با محبت می‌نگرد و زنی نیز به او با مهر نگیرد، خداوند به دیده‌ی رحمت به آن‌ها نگاه می‌کند.

در زندگی مشترک فاطمه(س) با علی(ع) عبارات و کلمات محبت آمیز بسیار است. فاطمه(س) با الهام از دستورات الهی و با دارا بودن درک صحیح از روابط زن و شوهر، همواره به همسر بزرگوارش عشق می‌ورزید و او را مورد محبت قرار می‌داد و در کلام خود علاقه و احترام را توأم در نظر داشت؛ گاهی او را با کنیه‌ی ابالحسن صدا می‌کرد و گاه او را یابن عم - پسرعمو - خطاب می‌نمود: جزاک الله عتی خیر الجزاء یابن عم رسول الله.

اولین عملیات با نام یکی از آیات قرآنی

عملیات «الفجر» اولین عملیات رزمندگان اسلام بود که با نام اولین آیه سوره الفجر «وَالْفَجْرِ عَشْرَ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ»، در منطقه فکه، به مرحله اجرا درآمد. منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، از شمال به «میشداق» و «برقاز» و از جنوب به «هور الهویزه»، از شرق به «چزابه» و شهر «بستان» و از غرب به شهر «العماره» عراق و رودخانه دجله منتهی می‌شد. عملیات والفجر مقدماتی، در هیجدهم بهمن ماه سال ۱۳۶۱، با رمز مقدس یا «الله، یا الله، یا الله»، در منطقه فکه، آغاز شد.



کرد: ای رسول خدا! حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست در برابر نعمت‌های بیکران او. به همین مناسبت این آیه شریفه خطاب به پیامبر اکرم نازل شد: ولسوف یعطیک ربک فترضی؛ پروردگار تو آن قدر به تو عطا می‌کند که خوشنود گردی. سلمان، روزی به خانه ی دختر پیامبر (ص) می‌رود و می‌بیند که ایشان چادری کهنه و وصله‌دار به سر دارد. سلمان متعجب و اندوهناک می‌شود و به یاد شاهزاده‌های ایرانی و شکوه و جلال آن‌ها می‌افتد، در حالی که یگانه دختر رسول خدا (ص) چادرش فرسوده است. گریه‌کنان می‌گوید: غم و اندوه بر ما باد، دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت‌های طلا می‌نشینند و پارچه‌های زربفت و حریر بر تن می‌کنند و این دختر محمد (ص) است که چادری ساده با دوازده وصله به سر دارد.

بی شک بیان چنین صحنه‌هایی از زندگی دختر گرامی پیامبر (ص) و اسوه‌پذیری از آن حضرت به این معنا نیست که زنان جامعه‌ی ما، برای پیروی از فاطمه (س) چادر وصله‌دار به سر نمایند و یا تنها پوست گوسفندی، فرش خانه‌شان باشد؛ آن چه مهم است درک پیام این رفتارهاست و آن ساده زیستی و وارستگی از دنیاست. امروزه با گسترش وسایل رفاهی و تجملاتی، سطح زندگی افراد تفاوت‌های بسیاری با هم دارد و چون استفاده‌ی یکسان و برخورداری از تمامی امکانات رفاهی برای همه مقدور نیست، زمینه بروز ناراحتی‌ها و تعارض در خانواده‌ها می‌شود. تنها راه پیش‌گیری از این مسائل هم، ساده زیستی و رضایت به داشته‌هاست.

فاطمه (س) به راستی نمونه‌ی کامل ساده زیستی و دوری از دل بستگی‌های دنیوی بود، بنابراین هرگز از سادگی خانه‌اش شرمگین نمی‌شد، نسبت به مهریه‌ی اندکش احساس پشیمانی نمی‌کرد و در تمام عمر شریفش از کمبودها شکایتی نداشت. در زیارت نامه‌ی حضرت می‌خوانیم: یا خلیفه‌ الوریع والزهد؛ ای هم پیمان با پارسایی و زهد.

فاطمه (س) از رسول خدا (ص) آموخته بود که: هر زنی با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی بکشاند که قدرت و توان آن را ندارد، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند بر او خشمناک است. به جهت شرایط خاصی که در زندگی مشترک و روحیه ی زن و شوهر وجود دارد، تقاضای امری که بر همسر مقدور نیست باعث احساس سرشکستگی و ناتوانی در او می‌شود که این احساس در حیط زندگی تأثیر مطلوبی ندارد.

قناعت و ساده زیستی: وارستگی و ساده زیستی هم، از نقاط برجسته‌ی حیات فاطمی است که در زندگی کوتاه حضرت نموده‌های زیبایی داشته است. زهد و ساده زیستی حضرت، همیشه به معنای فقر و جبر روزگار نبود. خدیجه، مادر بزرگوارشان هم بسا این که زن ثروتمندی بود، در راه خدا همه‌ی اموالش را انفاق کرد و خود در کمال سختی، اواخر عمر را در شعب ابی طالب گذراند. زندگی ساده‌ی فاطمه نیز حاصل انتخابی عارفانه و عاشقانه بود، گویی فاطمه (س) از همان آغازین لحظات ورود به خانه‌ی امیرالمؤمنین، با بخشش لباس عروسی این راه را برگزیده بود.

زمانی هم که پیامبر (ص) به دستور خداوند، فدک را در اختیار فاطمه گذاشت، سادگی و بی‌پیرایگی خانه‌ی او تغییری نکرد. در حالی که فدک سرزمین حاصل خیزی بود و تمام گندم مدینه را تأمین می‌کرد و فاطمه (س) تمام درآمد آن را در راه رضایت معبود به مستمندان و مساکین انفاق می‌کرد.

روزی پیامبر (ص) فاطمه را دید که پیراهن خشن و کم ارزشی پوشیده بود و با دست آسیاب می‌کرد و در همان حال فرزندش را شیر می‌داد، پیامبر در حالی که اشک می‌ریخت، فرمود: دخترم سختی‌های دنیا را تحمل کن تا به شیرینی و حلاوت‌های آخرت دست یابی. فاطمه (س) عرض

استفاده از نام مناسب و القاب زیبا برای خطاب همسر، باعث روابط مثبت و ایجاد محیطی آکنده از صمیمیت می‌شود و سبب پیدایش زمینه‌ی عکس العمل و رفتاری، مناسب در طرف مقابل می‌شود. حضرت علی (ع) فرموده اند:

اجملوا فی الخطاب، تسمعوا جمیل الجواب؛ خطاب‌هایتان را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید. فاطمه (س)، در مقام اظهار محبت و علاقه به امام علی (ع) فرمود: روحی لروحک الفدا و نفسی لنفسک الوقاء یا اباالحسن؛ علی جان، روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو. عشق و محبت فاطمه (س) نسبت به همسرش به اندازه‌ای بود که در لحظات احتضار می‌گریست و به علی (ع) می‌فرمود: ابکی لما تلقی بعدی؛ به خاطر آن چه از مشکلات و سختی‌ها که پس از من به تو خواهد رسید می‌گریم.

شناخت همسر و آشنایی با ابعاد روحی و شخصیتی او: از عوامل انس و الفت در خانواده و استحکام آن، شناخت حالات و روحیات یکدیگر و درک متقابل است. در صورت درک صحیح روش و رفتار همسر، طرف مقابل می‌تواند در برابر آن واکنش مناسبی نشان دهد و با شناخت موقعیت او راحت‌تر از خطاها و لغزش‌های احتمالی همسرش گذشت کند، زیرا بسیاری از اختلاف‌ها ناشی از بدفهمی‌ها و سوءتفاهم‌ها است.

فاطمه (س) در مدت کوتاه زندگی خود با علی (ع)، حقیقت وجودی و روحیات علی (ع) را می‌شناخت و زمانی که دیگران از فهم و درک رفتار علی (ع) ناتوان بودند، فاطمه (س) آن‌ها را راهنمایی می‌کرد و با خصوصیات رفتاری امام آشنا می‌ساخت.

در پرتو شناخت فاطمه (س)، از همسرش بود که خانه‌ی محقر آن‌ها محل انس و آرامش علی (ع) قرار گرفته بود و امام علی (ع) می‌فرمود: هرگاه به چهره‌ی فاطمه (س) می‌نگریستم تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد. بعد از شهادت فاطمه (س) نیز فرمود: به خدا سوگند، زهرا تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود برد مرا ناراحت نساخت و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند.

پرهیز از تقاضای نامقدور: مدیریت اقتصادی و مسئولیت هزینه‌های خانواده، بر عهده‌ی مرد است و او موظف است از نظر اقتصادی همسر و فرزندان را تأمین کند. و این به دلیل نقش ویژه‌ی زنان در خانواده است. تا بتوانند آسوده خاطر به پرورش کودکان و انجام وظایف همسری بپردازند. بنابراین در خواست لباس، زینت و لوازم منزل و امثال آن خواسته‌هایی است که معمولاً هر زنی به خود اجازه می‌دهد تا از همسرش طلب کند، اما فاطمه (س) همسرش را برای این تقاضاها و خواسته‌ها به زحمت نمی‌انداخت.

میل و کشش به خوردن مواد غذایی و تنقلات خاص در فصول مختلف را که همگی تجربه نموده‌ایم ناشی از همین حقیقت است. البته هر چه بیشتر به خوردن مواد غذایی طبیعی و تازه گرایش داشته باشیم و کمتر به سراغ خوراکی‌های صنعتی و فست‌فودها برویم، پیام‌های طبیعی صادره از بدن را در زمان مناسب بهتر درک می‌کنیم

در بهار، چه بخوریم

با توجه به آنچه ذکر شد انتظار می‌رود با رعایت نکات ارائه شده در این مقاله، تأثیر چشمگیری در وضعیت سلامتی، شادابی و کارایی در فصل بهار داشته باشیم.

طب ایورودیک

در طب ایورودیک معتقدند همان گونه که با گرم شدن هوا برف‌ها آب می‌شوند، در بدن انسان هم انرژی که در فصل زمستان تجمع یافته است باید از بدن پاک شود، بنابراین در بهار چربی به همراه سموم از بافت‌های بدن آزاد شده و وارد جریان خون می‌شود. غلیظ شدن خون از سموم و خلط باعث ایجاد حالت سستی و خشکی عضلانی، تجمع پلاک در عروق، افزایش خلط و گاه بروز تب می‌شود، بنابراین بدن نیاز دارد که سموم، خلط و چربی‌های اضافه را در این فصل دفع کند.

نکته ۱: در فصل بهار وعده‌های غذایی سبک و زود هضمی داشته باشید

سبک‌ترین رژیم غذایی در طی سال را باید در فصل بهار داشته باشیم، بنابراین در تمام وعده‌های غذایی از غذاهای سبک و زود هضم استفاده کنید، بنابراین فصل بهار زمان مناسبی برای شروع رژیم کاهش وزن و رهایی از چربی‌های اضافه است. روزه داری سبک برای مدت کوتاه (در نیمه‌های فروردین) می‌تواند برای پاک‌سازی کبد مفید باشد.

نکته ۲: مصرف این نوشیدنی‌ها در فصل بهار مفید است

نوشیدن چای زنجبیل تازه و داغ در این فصل برای حذف سموم تجمع یافته و مواد هضم نشده در بدن در طی زمستان مفید است. به علاوه مصرف شربت‌های

بهار و تابستان تبدیل به سموم و مواد شدیداً مضر می‌شوند، تأکید دارند. به همین منظور برای لذت بردن از طراوت بهاری و جلوگیری از سستی و افزایش غلظت خون، پیش رفتن به سمت یک رژیم غذایی سبک را توصیه می‌کنند.

طب چینی

به علاوه در طب چینی، انباشته شدن زیاد مواد زائد در کبد و عدم پاک‌سازی کبد از سموم، مانع جریان یکنواخت خون و انرژی به تمام قسمت‌های بدن می‌شود و در نتیجه قسمت‌های ضعیف‌تر بدن دچار بیماری می‌شوند و یا فرد دچار وضعیت مسمومیت مزمن (که با علائمی چون کاهش اشتها، سوء هضم، نفخ، خستگی، احساس طعم تلخ، خستگی، سردرد و تحریک پذیری زیاد همراه است) خواهد شد. بنابراین فصل بهار زمان پاک‌سازی کبد از سموم است و قطعاً تغذیه صحیح، نقش کلیدی در این امر دارد. چنانچه کبد از سموم پاک نشود، دریافت غذای بیشتر نه تنها باعث سلامتی نمی‌شود، بلکه زمینه بروز بیماری‌هایی را به ویژه در تاندون‌ها و حتی چشم فراهم می‌کند. ایجاد دمل‌های چرکی، بثورات پوستی، خونریزی از بینی و پارگی برخی رگ‌های بدن را به دلیل زیادی خون ناشی از عدم دفع مواد و فضولاتی که در طول زمستان در بدن مجتمع شده‌اند و انتقال آن‌ها به اعضای ضعیف بدن می‌دانند.

تمام اجزای خلقت تحت نظام هوشمند آفرینش به گونه‌ای هماهنگ و منظم در حرکتند، به گونه‌ای که هر تغییری در بخشی از آفرینش، تغییری متناسب را در جایی دیگر به دنبال خواهد داشت. بر این اساس با شروع فصل بهار و بازگشت مجدد طراوت و شادابی طبیعت، سلول‌های بدن ما نیز متعاقباً عملکرد و نیازهای جدید و متفاوتی در مقایسه با فصل زمستان خواهند داشت. به عبارت دیگر، تغییرات ایجاد شده در بدن ما منعکس کننده تغییرات ایجاد شده در طبیعت است.

میل و کشش به خوردن مواد غذایی و تنقلات خاص در فصول مختلف را که همگی تجربه نموده‌ایم ناشی از همین حقیقت است. البته هر چه بیشتر به خوردن مواد غذایی طبیعی و تازه گرایش داشته باشیم و کمتر به سراغ خوراکی‌های صنعتی و فست‌فودها برویم، پیام‌های طبیعی صادره از بدن را در زمان مناسب بهتر درک می‌کنیم. با چنین دیدگاهی بر آن شدیم تا در این مطلب با توجه به دیدگاه‌های طب سنتی که طبی کلی‌نگر است درباره توصیه‌های تغذیه‌ای فصل بهار با شما سخن بگوییم.

مزاج بهار

فصل بهار از نظر گرمی و سردی، تری و خشکی در اعتدال است و هیچ‌یک از وضعیت‌های فوق غلبه ندارد. هر چند برخی معتقدند که مزاج بهار گرم و تر است، با این وجود طب سنتی اسلامی، طب ایورودیک و طب سنتی چینی همگی بر پاک‌سازی بدن از مواد زائدی که از خوردن غذاهای انرژی‌زا و گرم در فصل زمستان ایجاد شده‌اند و با گرم شدن تدریجی هوا در



لیمو، نارنج، آلبالو، به، غوره، انار، سکنجبین، کاسنی و زرشک توصیه می‌شود.

نکته ۳: در وعده ناهار از حبوبات و سبزی‌جات استفاده کنید

قبل از وعده ناهار حتماً صبحانه‌ای سبک که شامل آب‌میوه و چند تکه میوه تازه باشد میل کنید. برای وعده ناهار بیشتر از انواع لوبیای تازه، جوانه‌های ماش، لوبیا، عدس و یونجه و سبزیجات سبز رنگ جوان مثل ریحان، کرفس، کاهو، مارچوبه، اسفناج، بامیه، کدو، کلم، برگ سبز تربچه و چغندر استفاده کنید، مثلاً آش جو، آش آب‌غوره، آش تمر هندی، خورش کدو، بورانی، آش دوغ، آش ماست و سوپ سبزیجات. خورش‌ها و خوراک‌های سبزیجات که بدون سرخ شدن و با ادویه‌هایی چون ریحان، رازیانه، مرزنجوش، رزماری، زیره سیاه و شوید طعم‌دار شده باشند، انتخاب‌های مفیدی هستند.

میوه‌های تازه مثل زردآلو، انجیر، انگور، آلو، انواع توت‌ها به همراه بادام خام و فرنی، تمر هندی ترش یا شیرین، کاهو با سکنجبین نیز میان وعده‌های مفیدی هستند و مصرف آن‌ها نسبت به تنقلات گرم مانند گردو و انواع شیرینی‌ها ارجحیت دارد.

نکته ۴: در فصل بهار از این مواد غذایی کمتر مصرف کنید

برای کمک به پاک سازی کبد از غذاهای با طبع گرم، تلخ و به ویژه شور باید پرهیز شود. مصرف کمتر گوشت‌ها به ویژه گوشت قرمز و مواد تولید کننده خون، در مقایسه با زمستان ضروری است. مصرف مواد و غذاهای چرب و تند در فصل بهار توصیه نمی‌شود.

نکته ۵: از میوه‌ها و سبزی‌جات فصلی استفاده کنید

دیدگاهی در بین برخی متخصصین تغذیه وجود دارد که میوه‌ها و سبزیجات را باید متناسب با فصل رویش آن‌ها مصرف نمود. بر اساس این نظریه مصرف میوه‌ها و سبزی‌جات هر فصل در همان فصل می‌تواند بیش از پیش مفید باشد و به پاک سازی بدن از سموم تجمع یافته کمک کند.

نکته ۶: برنامه غذایی و خواب منظمی داشته باشید

بر اساس نظریه‌های طب سنتی نظم برنامه غذایی و ساعت خواب به هنگام تغییر فصل که بدن نسبت به تغییرات محیطی حساس‌تر می‌شود و بیشتر در معرض سرماخوردگی قرار می‌گیرد توصیه می‌شود.

برای درمان خواب‌آلودگی خرما بخورید

شادی در بدن است. این پزشک یادآور شد: خواب‌آلودگی در فصل بهار را می‌توان با مصرف خوراکی‌هایی که ویتامین B دارند نیز برطرف کرد. مصرف خوراکی‌هایی که حاوی آهن هستند مانند حبوبات، سبزی‌ها، گوشت، برگه زردآلو، گروه لبنیات مانند ماست و شیر بدون چربی، سیبوس گندم و نخودفرنگی هم خستگی را برطرف می‌کند. توصیه شده در بهار خرما بیشتر میل کنید. این ماده خوراکی دارای ۱۳ ماده حیاتی از جمله فسفر و پتاسیم بوده که برای تقویت اعصاب و معده مؤثر است.

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که انجیر و آلو را در فصل بهار فراموش نکنید؛ زیرا کلید درمان بسیاری از بیماری‌های اعصاب است. همچنین این امام معصوم (ع) توصیه کردند برای آرامش روح و تقویت آن سیب را ببویید و سپس میل کنید.

بهار فصل کرختی و خواب است. خمیازه از دهان دور نمی‌شود و همین کرختی کارایی را کم می‌کند. بنابراین ما برای رهایی از این حس دلپذیر به شما توصیه‌هایی می‌کنیم شاید مؤثر واقع شود. از امام رضا علیه السلام روایت شده که ایشان بر سر سفره‌ای که سبزی تازه در آن وجود نداشت، نمی‌نشستند. همان‌طور که می‌دانید فیبر موجود در سبزی‌ها برای آرامش اعصاب و از بین بردن تنش‌های عصبی بسیار مهم است. رقیه اسدی از پزشکان عمومی در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار داشت: برای برطرف شدن خواب‌آلودگی همچنین می‌توانید بعد از طلوع خورشید پیاده‌روی کنید. همچنین تنفس هوای پاک صبحگاهی، روح را سرزنده می‌کند و موجب نشاط می‌شود.

وی ادامه داد: از نظر علمی نیز ثابت شده است که پیاده‌روی در هنگام صبح موجب افزایش هورمون سراتونین می‌شود که همان هورمون ایجاد کننده



سلامت باشید و بهاری

بهار که از راه می‌رسد به خاطر طبیعتش، یک سری بیماری نیز با خود همراه دارد که معروف‌ترین و شایع‌ترین آن آلرژی است اما بهار با تمام لطافت و مهربانی‌اش گاهی بی‌رحم می‌شود و بیماری‌هایی با خود همراه می‌آورد که اگر مراقبت نشود به قیمت جان بشر تمام می‌شود. پس مراقبت کنید و بگذارید این فصل به خیر و خوشی بگذرد. ما چند تا از این بیماری‌ها را به شما معرفی می‌کنیم تا بیشتر از پیش اصول سلامتی را رعایت کنید.

تب مالت

تب مالت یا بروسلوز از معروف‌ترین بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان است. این بیماری عفونی همانقدر که در دام‌ها ایجاد خطر می‌کند، در انسان‌ها هم می‌تواند به‌شدت تأثیر قرار دادن اعضای خون‌ساز بدن مانند مغز استخوان، گره‌های لنفاوی و کبد و طحال باعث ایجاد بیماری شود. در فصل بهار به خاطر بارندگی فراوان، محیط مرطوب زندگی دام‌ها و آلودگی آنها امکان انتقال این بیماری به شیر دام‌ها وجود دارد و افرادی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با این محصولات سروکار دارند ممکن است به این بیماری مبتلا شوند. تب و لرز متناوب، خستگی، سردرد، تورم غدد لنفاوی، کمردرد، درد عضلانی، افسردگی و کاهش وزن از علائم اولیه این بیماری هستند که به تدریج با عدم درمان و گسترش عفونت به ارگان‌های حیاتی، باعث مرگ فرد می‌شوند. در صورت شک به بیماری تب مالت حتماً باید فرد در بیمارستان بستری شود و با آنتی‌بیوتیک و داروهای کورتونی تحت درمان قرار بگیرد. مصرف نکردن محصولات آلوده و غیرپاستوریزه، استفاده از دستکش و وسایل ایمنی هنگام تماس با حیوانات از اقدامات لازم برای پیشگیری از این بیماری کشنده است.

آبله مرغان

ویروس آبله مرغان در همه مواقع سال وجود دارد اما در فصل بهار که بیماری‌های تنفسی بیشتر می‌شود، این ویروس سرعت انتقال بیشتری پیدا می‌کند. این بیماری عفونی، یک روز بعد از ورود ویروس به بدن با بی‌حالی، بی‌اشتهایی و سردرد خود را نشان می‌دهد و سپس بعد از چند روز علائم معروف پوستی به صورت وزیکول‌ها و جوش‌های قرمز رنگ خارش‌داری که بیشتر روی شکم و

صورت هستند، ایجاد می‌شود. مدتی طول می‌کشد تا ویروس سیر طبیعی‌اش را در بدن داشته باشد و از بین برود، اما در این فاصله در صورتی که فرد از نظر سیستم ایمنی ضعیف باشد یا در بعضی موارد خاص که ویروس به بافت مغز یا غشای اطراف آن نفوذ پیدا کند، ممکن است عوارض شدیدی برای فرد ایجاد شود. التهاب مفصل در این بیماری باعث مرگ نمی‌شود اما آنسفالیت یا همان عفونت مغز و میکاردیت یا التهاب عضله قلب در مبتلایان به آبله مرغان می‌تواند جان بیمار را هم تهدید کند. عفونت شدید تنفسی هم در بزرگسالانی که به این بیماری مبتلا می‌شوند بیشتر دیده می‌شود. با این همه در اغلب موارد نیاز به درمان خاص ضد ویروسی نیست و درمان‌ها بیشتر برای برطرف کردن علائم انجام می‌شوند. اما بیماران بدحال باید تحت‌نظر باشند تا در صورت ایجاد عوارض شدید، با اقدامات لازم عفونت ارگان‌های حیاتی‌شان کنترل شود. آبله مرغان معمولاً بعد از ۷ تا ۸ روز خود به خود درمان می‌شود و خوشبختانه یک ایمنی همیشگی نسبت به این بیماری در فرد به‌وجود می‌آید، اما در فصل بهار که این بیماری شیوع بیشتری دارد، باید بیشتر نگران یک خارش پوستی ساده بعد از تب و بدن درد بود. به غیر از آبله مرغان، بیماری‌های ویروسی دیگری مانند سرخک و سرخچه هم با علائم و مکانیسم‌های مشابه، می‌توانند گاه باعث عوارض شدید و حتی مرگ بیمار شوند. البته شیوع این بیماری‌ها نسبت به آبله مرغان، بسیار کمتر است.

تب یونجه

بوی بهار همیشه هم خوب نیست، بوی علف تازه اصلاح شده، بوی گرده گل‌ها و بوی درختان و گیاهان که در بهار همه جا سر حال تان می‌کند، ممکن است یک وقت‌هایی هم باعث افتادن از آن ور بام شود. تب یونجه، واکنش حساسیتی شدید به این مواد حساسیت‌زا است که در هوا وجود دارد. وارد شدن این مواد به چشم‌ها، بینی، سینوس‌ها، گلو و مسیر تنفسی باعث آلرژی شدید تنفسی و حتی مرگ می‌شود. بسیاری از آلرژی‌های فصلی در بهار، تنها با خارش

گلو، اشک‌ریزی و آبریزش بینی و گاهی خستگی و خواب‌آلودگی خود را نشان می‌دهند، اما تب یونجه، وقتی است که این حساسیت‌ها شدیدتر و زیادتر شود، در این صورت گرفتگی بینی، خارش در سقف دهان، خس خس سینه، حملات آسم، عفونت ریه ناشی از انباشت این مواد حساسیت‌زا و باکتری‌های همراه آنها در مسیر هوایی بسته شده ممکن است عوارض شدیدی را به دنبال داشته باشد.

تب یونجه بیشتر در بهار و تابستان شیوع دارد و گرده گل‌ها و درختان به خاطر ریزش بودن و ورودشان به عمقی‌ترین قسمت‌های تنفسی، دلیل اصلی ایجاد این بیماری هستند؛ اگرچه قارچ‌ها، گرد و غبار، حیوانات خانگی و دود سیگار هم بر این بیماری تأثیر دارند. اجتناب از مواجهه با مواد آلرژی‌زا، اصلی‌ترین روش مقابله با تب یونجه است، اما در صورت ایجاد بیماری، فرد حتماً باید در بیمارستان با انواع داروهای آنتی‌هیستامینی، کورتونی و بقیه داروهای ضد حساسیت درمان شود. به غیر از تب یونجه، بقیه بیماری‌های آلرژیک فصل بهار هم می‌توانند باعث آزار فرد شوند اما احتمال مرگ و میر ناشی از آنها بسیار ناچیز است.





فاویسم

شمالی‌ها نام فاویسم را زیاد شنیده‌اند، به این دلیل که هم ژن این بیماری در مناطق شمالی ایران بیشتر است و هم گیاهی که باعث بیماری می‌شود، در شمال کشور بیشتر وجود دارد. فاویسم همان بیماری حساسیت به باقلاست؛ اما در واقع در این افراد یک نقص ژنتیک کمبود نوعی آنزیم وجود دارد که باعث حساسیت بی‌رویه گلبول قرمز نسبت به عوامل خاصی می‌شود. در این افراد عمر گلبول‌های قرمز کوتاه‌تر از بقیه است و به همین دلیل ممکن است دچار کم‌خونی یا زردی هم باشند. زردی، کم‌خونی و شوک ناشی از تخریب یکباره گلبول‌های قرمز بر اثر آلرژی باقلا ممکن است در افراد مبتلا به فاویسم باعث مرگ شود. به دلیل اینکه فاویسم درمان خاصی ندارد، افراد مبتلا باید در فصل بهار کاملاً مراقب مواجهه با این گیاه باشند. حضور ناگهانی در مزرعه باقلا یا خوردن باقلای خام، می‌تواند باعث ایجاد شوک و همولیز یا همان تجزیه ناگهانی گلبول‌های قرمز در فرد شود. درمان فاویسم در مراحل اولیه مایع درمانی و رقیق کردن غیرمستقیم خون است. استفاده از داروهای ضد حساسیت هم برای کنترل علائم آلرژی مناسب است اما در صورتی که فاویسم شدید همراه با زردی حاد ایجاد شد، خون فرد باید تعویض شود. داروهای لازم هنگام تعویض خون هم باید تحت نظر پزشک و در بیمارستان به فرد تزریق شود.

توصیه‌هایی برای جانبازان

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد

۵ وعده افزایش داده ولی حجم غذا کمتر گردد. از مصرف غذاهای نفاخ و پر حجم مانند حبوبات و سبزیجات خودداری نمایید. افراد چاق نیز با توجه به قد و وزن ایده آل باید تحت نظارت پزشک و متخصص تغذیه برنامه‌ریزی صحیحی جهت رسیدن به وزن ایده آل انجام دهند.

با توجه به میزان افت فونکسیون ریوی تحرک و به خصوص پیاده روی می‌تواند کمک کننده باشد حداقل در هفته ۳ بار هر بار به مدت ۳۰-۴۰ دقیقه پیاده روی می‌تواند کمک کننده باشد. ورزش‌های هوازی در محیط‌های سالم نقش بسزایی در افزایش اکسیژن‌گیری بافت‌های ریوی دارد.

به خصوص استرس در این بیماران استراحت کافی و خواب آرام شبانه و غذای سالم، در محیط‌های جمعی و اجتماعی بودن و توجه به خصوصیات شخصی و شخصیتی آنها همراه با تغییر محیط و مسافرت به محیط‌های سرسبز می‌تواند تأثیرگذاری خوبی در درمان و یا به تعویق انداختن عوارض بیماری شود.

در فصل بهار در ساعات اولیه روز از گرده گل و درختان دوری نمایید. در معرض عطرها و ادکلن و گرد و غبار نفت، بنزین، وایتکس، تینر و رنگ، دود قرار نگیرید، در ساعات پخت و پز در آشپزخانه تردد نکنید. از حیوانات خانگی و پرندگان دوری کرده در صورت عدم امکان اجتناب از ماسک استفاده نمایید.

اگر خدایی نکرده اهل دخیانیت هستید، با توجه به افزایش ریسک بیماری‌های محدود کننده ریه مانند COPD، آسم، سرطان ریه و عفونت‌های تنفسی بهتر است با تمهیدات لازم دارویی و یا حتی جایگزین نیکوتین مصرف سیگار را قطع کنید.

تنظیم وزن ایده آل ضروری است چرا که چاقی شکم باعث افزایش فشار به دیافراگم شده و نیز لاغری هم باعث ضعف عضلات تنفسی می‌گردد که این امر باعث خستگی بی‌مورد در فعالیت‌های روزمره و تضعیف و کاهش اکسیژن‌رسانی به سلول‌ها می‌گردد روزانه حد اقل ۲-۳ لیتر مایعات مصرف نمایید و وعده‌های غذایی از ۳ وعده به





سردهشت



سبزوار



سنندج

هفت سین ایرانیگردی

سوسنگرد

سنندج

سردهشت

سومار

سقز

سبزوار

سرپل ذهاب

خانه دوست...

امسال اگر قصد کردید تا بنا به عادت سین‌های سفره‌ی هفت سین، تعطیلات را به گردش در هفت شهری که با سین آغاز می‌شود، بپردازید. از این هفت شهر شش شهرشان از جنوب غرب تا غرب کشور وجود دارد که علاوه بر اشتراک در سین‌هایشان، در زمینه حضور و نقش‌آفرینی در حماسه دفاع مقدس کشورمان نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند.

این هفت شهر، درانه‌هایی هستند در این آب و خاک که هر کدام دنیایی از دیدنی‌ها دارند.

۳۰

سقز





سومار



سرپل ذهاب



سوسنگرد



هادی العامری:

ژنرالی در کنار سربازانش

سازمان یافته و منظم وارد فاز نظامی شد و از آن سال بود که گسترش یافت.

تیپ بدر با گسترش توانست به سپاه بدر موسوم شود شهید دقایقی زمانی که فرماندهی تیپ ۹ بدر را پذیرفت، با تمامی قدرت و پشتکار در مدت کوتاهی موفق شد یگان رزم منسجم و قدرتمندی را در این تیپ پایه گذاری کند. تیپ بدر در آن مقطع زمانی متشکل از دو گروه احرار و بعدها مجاهدین می‌شد که احرار متشکل از اسیران عراقی بود و مجاهدین نیز افرادی بودند که علیه رژیم بعث و صدام به مبارزه می‌پرداختند و اکثر آن‌ها توسط عوامل رژیم بعث زندانی و بعد از شکنجه وحشتناک و سهمگین به اعدام محکوم می‌شدند.

احرار از میان اسیران عراقی تشکیل می‌شد که به رغم آنکه اسیر بودند، اما به این نتیجه دست یافته بودند که صدام آن‌ها را به زور و با فریب به جبهه کشیده است تا با ایرانی‌ها بجنگند که این دسته از اسیران علاقمند بودند تا در نبرد حق علیه باطل در جبهه حق قرار گیرد و با علاقه و اشتیاق در این گردان با ارتشی که خودشان سال‌ها در آن می‌جنگیدند، و در بسیاری از عملیات‌ها توانست ضربات سنگین و سهمناکی را بر بدنه رژیم بعث وارد کند و بسیاری از آن‌ها هم به شهادت رسیدند.

بعد از سرنگونی صدام و در پی آن متلاشی شدن حزب بعث و تشکیل دولت مستقل در عراق افرادی که در سپاه بدر سازماندهی شده بودند، نقش مهم و بسزایی را در ایجاد امنیت و استقرار حکومت ایفا کردند.

سایت گلوبال سکيوریتی در رابطه با سازمان بدر اینگونه نوشته است: اکنون سازمان بدر متشکل از ده‌ها هزار نیروی پیاده نظام، زره پوش، توپخانه، ضد هوایی و واحدهای کماندویی است.

سایت گلوبال سکيوریتی افزود: یکی از اهداف مهم این سازمان استفاده از سلاح برای ایجاد یک نیروی مسلح علیه صدام به شمار می‌آید اما اکنون استراتژی سازمان بدر حرکت بر محور مقاومت و ایجاد امنیت پایدار در عراق است و آمریکا نیز طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ خواهان انحلال این سازمان بوده است که دلیل آن را خشونت علیه اعراب سنی و ایجاد ناامنی در منطقه می‌دانند.

سایت تایمز نیز در این باره نوشت: از اوایل اشغال عراق توسط آمریکا، ایالات متحده به دنبال انحلال این شاخه نظامی بود، اما بعد از ترور آیت‌الله باقر حکیم متوجه شد که مجلس اعلای انقلاب اسلامی نیاز به یک شاخه امنیتی دارد. تمام اقدامات آمریکا و تلاش‌های آن برای انحلال این سازمان مقاومت مردمی به جایی نرسید تا ژانویه ۲۰۱۴ که سقوط موصل و حوادث پس از آن نشان داد که اگر تلاش شیعیان به خصوص سازمان بدر نبود کلیت کشوری به نام عراق در دست تروریست‌های داعش می‌افتاد.

ساعاتی پس از خبر سقوط موصل، هواپیمایی در فرودگاه بغداد نشست که حامل فردی بود به نام «قاسم سلیمانی» و به همراه وی چندین فرمانده نظامی دیگر نیز حضور داشتند.

در بغداد، فرماندهان گردان‌های مقاومت عراقی منتظر این گروه تازه از راه رسیده بودند، گردان‌هایی چون «عصائب الحق»، «سپاه بدر»، «حزب‌الله عراق»، «سیدالشهداء (ع)» و «امام علی (ع)» شخصی را می‌خواستند که بتواند تاکتیک‌های جنگی و اداره میدانی را بر عهده بگیرد. ارتش عراق نیز شالوده منظمی نداشت. پس از رسیدن سردار سلیمانی به بغداد، به سرعت مراکزی برای استقبال از داوطلبان مبارزه با تکفیری‌ها شکل گرفت و پایگاه‌هایی برای آموزش آن‌ها آماده شد.

در میان تصاویر متعددی که از سردار سلیمانی در جریان حضور مستشاری در عراق و فرماندهی نیروهای مقاوم در این کشور، عکسی از او در حالی که دستانش را بر گردن مرد میانسانی انداخته بود و هر دو شادمانه می‌خندیدند یکی از عکس‌های زیبای این دوران جهاد و مقاومت بود. مرد دیگر حاضر در این عکس کسی نیست جز هادی العامری که شاید بسیاری او را نمی‌شناسند و از نقش برجسته‌ی این فرمانده و هم‌وزم عراقی سلیمانی بی‌خبر هستند. کسی که غربی‌ها او را ژنرال العامری خطاب می‌کنند و فرماندهی سازمان بدر عراق را به عهده دارد.

سازمان بدر

هدف اصلی و مأموریت کلی سپاه بدر از ابتدای تشکیل این سازمان، دفاع از مقدسات و پیروی از خط امام خمینی (ره) بوده است. سال ۱۳۶۲ بود که شهید اسماعیل دقایقی دست به اقدامی ماندگار یعنی فرماندهی تیپ بدر زد و از سال ۱۳۶۴ این تیپ به صورت

حرکت نیروهای مردمی عراق و همراهی آنها با ارتش عراق در حمله به استان صلاح‌الدین و فتح شهر تکریت حاوی نکات عبرت‌آموز متعددی بود. جایی که ارتش عراق بر اثر خیانت‌ها و همچنین ناکارآمدی‌ها در جریان حمله داعش به این کشور بخش عمده‌ای از کشور را از دست داد بسیاری حتی چشم انتظار سقوط بغداد بودند و نیروهای تروریستی مهاجم تا چند ده کیلومتری پایتخت عراق نیز نفوذ کردند. صبح سه شنبه ۱۰ ژانویه ۲۰۱۴ خبر سقوط موصل به یکباره عراق و کشورهای همسایه را با بهت مواجه ساخت. نوری المالکی نخست‌وزیر وقت عراق، درخواست حالت فوق‌العاده را از پارلمان داشت و مرجعیت دینی در نجف اشرف نیز از ارتش و مبارزه با تروریسم حمایت کرد. در این میان «ابو محمدالعذنانی» سخنگوی داعش از تروریست‌ها خواست تا به سوی بغداد بروند.



درخواست از ژنرال

«هادی فرحان عبدالله العامری» ملقب به «حاج العامری» متولد سال ۱۹۵۴ در استان دیاله



کل برعهده سپاه بدر است و همه گروه‌های مقاومتی در یک محور علیه تکفیری‌ها عمل می‌کنند و عملیات جرف الصخر که در استان بابل عراق انجام شد، اولین عملیات پیروزمندانه و به نوعی آغاز موفقیت‌ها به شمار می‌رفت.

پانزدهم دی ماه سال گذشته نیز حاجی العامری در حاشیه مراسم گرامیداشت سردار شهید "حمید تقوی" در جمع خبرنگاران در رابطه با کمک‌های مستشاری جمهوری اسلامی ایران به عراق برای مبارزه با تروریست‌ها اظهار داشت: نیروهای مردمی در کنار نیروهای ارتش و پلیس عراق با داعش (تروریست‌های تکفیری) مبارزه می‌کنند و بدون نیاز به کمک ائتلاف بر تروریست‌ها پیروز شوند و اگر قاسم سلیمانی و جمهوری اسلامی ایران در عراق نبودند، اکنون دولت حیدر العبادی هم نبود.

العامری در مورد شهرت این روزهایش می‌گوید: چهار سال متوالی هر روز سر کار حاضر می‌شدم، اما کسی ما را نمی‌دید، اما الان بعد از چهار ماه از مبارزه بر ضد تروریسم همه جا سخن از العامری است.

وی در گفتگویی به مجله فارین پالیسی می‌گوید: به العبادی گفتم که اگر دوست دارد ما تمام سلاح‌های خود را تحویل می‌دهیم و در خانه‌هایمان می‌نشینیم، اما در این صورت اگر تروریست‌های داعش بر بغداد مسلط شوند، این دیگر مشکل تو خواهد بود.

عملکرد خوب العامری به ویژه بعد از بازپس‌گیری منطقه راهبردی جرف الصخر واکنش‌های فراوانی را در سایت‌های اجتماعی داشته کاربران این سایت‌ها به تمجید از دستاوردهای این مبارز عراقی پرداختند. سایت‌های اجتماعی مملو از تصاویری از العامری است که بر روند عملیات نظامی نظارت دارد. در یکی از این تصاویر العامری در کنار سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. این تصویر در زمان اخراج تروریست‌های داعش از منطقه آمرلی گرفته شده است.

العامری در آزاد سازی مناطق عده‌ای از عراق از جمله جرف الصخر، بلد، الدجیل، صلاح الدین و آمرلی نقش فعال داشته است. "علی العلق" مدیر دفتر سازمان بدر در مورد اقدامات مبارزاتی العامری می‌گوید: وی در خطوط مقدم مبارزات همواره حاضر است و به همراه عناصر داوطلب و نیروهای ارتش در اجرای عملیات نقش ایفا می‌کند.

حاج العامری (نام‌های العامری که در میان همزمانش متداول است) همواره به همراه پسرانش در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات نظامی جهت آزادسازی مناطق

عراق است.

او از دهه هشتاد میلادی مبارزات خود با رژیم بعث عراق و حاکمیت دیکتاتوری صدام بر این کشور را آغاز کرد. فعالیت‌های سیاسی العامری با عضویت در جنبش اسلامی آغاز شد و مدتی بعد وی در حزب الدعوة الاسلامیه نیز عضو شد. العامری به علت فعالیت‌هایی که در عرصه سیاسی و مبارزه با حزب بعث داشت به واسطه سیاست‌های سرکوب گرایانه صدام در حالی که حکم اعدامش صادر شده بود، سال‌ها مجبور به دوری از عراق شد.

های العامری حتی در تبعید نیز مبارزات خود با رژیم صدام را ادامه داد و در سال ۱۹۸۲ متولی امور خاص سپاه بدر بود و بعد از سال ۱۹۹۱ مدیریت عملیات‌های نظامی در داخل عراق را به عهده گرفت، در آن سال‌ها توانست ضربات سنگینی به حزب بعث وارد کند.

بعد از سقوط حزب بعث در عراق، وی به همراه همکارانش وارد عراق شد و با توجه به حساسیت آن زمان و اینکه عراق در دست بیگانگان قرار نگیرد، وارد مراکز اصلی دولت شد و در سال ۲۰۰۵ با همکاری هم‌زمانش توانست سازمان اطلاعاتی نوپایی را در عراق راه‌اندازی کند.

وی سابقه نمایندگی در پارلمان عراق و وزارت راه و ترابری در دولت نوری مالکی را در کارنامه فعالیت‌های سیاسی خود نیز دارد. العامری هم اکنون به همراه سازمان بدر ۲۲ کرسی را در پارلمان عراق دارد.

العامری از ۲۰ خرداد سال گذشته در حالی که وزیر راه و ترابری عراق بود، با درخواست نوری المالکی نخست‌وزیر وقت و فتاوی آیت‌الله سیستانی مرجع تقلید شیعیان عراق، لباس نظامی به تن کرد و خود به استان دیالی مکانی که داعش قصد داشت از آنجا به عنوان یک محور برای عملیات به سمت بغداد استفاده کند، رفت.

آن قدر اقدامات مثبت از سوی العامری در مبارزه با تروریسم صورت گرفت تا باعث شد در روند تشکیل دولت وحدت ملی به ریاست حیدر العبادی، وی به عنوان گزینه پیشنهادی ائتلاف دولت قانون برای تصدی وزارت دفاع معرفی شود، اما همان گونه که در دولت ائتلاف قانون به رهبری نوری مالکی، وزیر راه و ترابری بود و بارها مقامات آمریکایی به‌ویژه جان کری، وزیر خارجه آمریکا تلاش کردند مانع از ادامه حضور وی در کابینه عراق شوند که البته این تلاش آنها ناکام ماند در این دولت هم با سم‌پاشی‌های رسانه‌ای و مداخله آمریکا و عربستان سعودی و فشار آن‌ها بر برخی گروه‌های وابسته اهل تسنن باعث مخالفت قاطع آن‌ها با انتخاب وی به این سمت شد.

« پیروزی در جرف النصر »

بزرگ‌ترین موفقیت‌های سپاه بدر و نیروهای مردمی در اوایل محرم الحرام سال گذشته به دست آمد؛ عملیات استراتژیک جرف‌الصخر که با همکاری همه گروه‌های مقاومتی صورت گرفت.

العامری در مورد این عملیات گفته بود: مهمات و همه نقشه‌های نظامی با هماهنگی نیروهای مجاهد صورت می‌گیرد و امور اجرایی و پشتیبانی به طور

مختلف

به ویژه در

صلاح‌الدین، سامراء، العوجه و آمرلی شخصا حضور داشته است.

عناصر داوطلب می‌گویند که حضور شخص هادی العامری در مبارزات پشتیبان معنوی قوی برای آنهاست و روحیه اعتماد آن‌ها به فرماندهان میدانی را تقویت می‌کند.

مردم عراق العامری را یکی از معدود سیاستمداران عراقی می‌دانند که از برج عاج دنیای سیاست و از میان محافظان و نگهبان خود خارج شده و با پشت سر گذاشتن تمامی مناصب مادی و زرق و برق‌های ظاهری ضمن پوشیدن لباس نظامی به عرصه مبارزه بر ضد تروریسم وارد شده است. وی در جایی می‌گوید: ما برای به دست آوردن پست و مقام نمی‌جنگیم، ما پست و مقام را ترک کردیم و برای دفاع از مردم و سرزمینمان از عناصر داعش، به میدان جنگ آمدیم.

های العامری در مصاحبه‌ای در رابطه با نقش سردار سلیمانی اذعان کرد: اگر حاج‌قاسم و امثال او نبودند هم‌اکنون نه اثری از حرم حضرت زینب سلام‌الله علیها بود و نه اثری حتی از سامرا و حرم عسکریین سلام‌الله علیهما. همه عملیات‌های سرنوشت‌ساز از جمله آمرلی، جرف الصخر، سامرا، مناطق فلوجه و مناطقی از الانبار با همکاری مجاهدان از جمله حاج‌قاسم صورت گرفته است. حضور حاج‌قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس در عراق باعث محبوبیت چند برابری نیروهای پاسدار در بین مردم عراق شد. در فضای مجازی مردم عراق تصاویر حاج‌قاسم را به همدیگر ارسال می‌کنند و وحدت میان نیروهای مقاومتی شیعه توانسته است کمر تکفیری‌ها را در عراق بشکند. یکی از آرزوهای حامیان داعش این است که حاج‌قاسم کشته شود، داعش از اسم این رزمنده در هراس است، اگر به رسانه‌های داعشی‌ها سری بزنید، خواهید فهمید که چقدر تکفیری‌ها از این مجاهد قهرمان در هراس هستند.



امیر جعفری، ریما رامین‌فر و احمد مهرانفر هم در یک گروه تئاتری کار می‌کردیم. بازی آنها را در کارهای مقدم دیده بودم و قرار بود با سیروس مقدم کار کنیم حتی سر ساخت سریال «مزرعه کوچک» سیروس مقدم از من و همسر، نگار عابدی دعوت به کار کرد اما از بد حادثه یا از سر اتفاق هیچ وقت نمی‌شد با هم کار کنیم تا اینکه سر سریال «چک برگشتی» من فرصت داشتم و این همکاری به وجود آمد.

به هر حال وقتی به شما «چک برگشتی» پیشنهاد شد که شما «پایتخت» را دیده بودید و می‌دانستید که طنز مقدم چگونه است خودتان چه تعریفی از این طنز در ذهن داشتید؟

به نظرم لحن کمدی سیروس مقدم با دیگر کارگردانان فرق دارد. هرچند از لحاظ لحن کارهای مقدم شبیه هم هستند اما فکر می‌کنم او جریان متفاوتی را در طنز راه انداخت. او در حالی اولین سری «پایتخت» را ساخت که کمدی‌های معمول دیگر جواب نمی‌دادند و مردم هم مثل گذشته از آنها استقبال نمی‌کردند. وقتی پای رقابتی مثل ماهواره و اینترنت هم به میان آمد تلویزیون مجبور به تغییر لحن شد و طنز پایتخت با نگاهی جزء‌پردازانه و واقع‌بینانه زمینه وجود آمدن کمدی موقعیت را فراهم کرد. ضمن اینکه سیروس مقدم در چک برگشتی با رعایت فرمول‌های پایتخت جسارتش را در بیان مسائل اجتماعی بیشتر کرد. نگاه انتقادی چک برگشتی شدیدتر است و به مسائل جدی‌تری اشاره می‌کند. او با شهامت برای اولین بار سراغ جامعه سیاسیون که جزو خط قرمزهای همیشگی بودند رفت.

نقش یک نامزد نمایندگی مجلس کمی احتیاط آمیز است و کمتر مابه‌ازای بیرونی داشته است چطور در مورد کریم مشرفی به این شناخت رسیدید؟ چقدر به تحقیقات و تجربیات خودتان نزدیک شدید؟

یکی از سختی‌های نقش‌هایی که برای اولین بار از سوی یک بازیگر اجرا می‌شود، الگو شدن آن است و هرکاری که بازیگر انجام دهد تبدیل به تألیف می‌شود خصوصاً اگر آن نقش بگیرد و با مخاطب ارتباط برقرار کند کار سخت‌تر است. ابتدا که فیلمنامه را خواندم از این نقش خوشم آمد چون جای خالی چنین نقش‌هایی در تلویزیون که کاملاً به روز است و



گفت‌وگو با هدایت هاشمی بازیگری با نقش‌های متفاوت

از آیت الله بهجت الگو گرفتیم

○ سینا تقوی

تلویزیون باز کرد و او یکی از ستاره‌های نوروز ۱۳۹۱ شد و دو سال بعد هم با «پایتخت ۳» این همکاری را ادامه داد. هاشمی را باید از جمله بازیگرانی دانست که بسیار خوب توانسته با ابزاری مانند لهجه توانمندی خاصی به نقشش بدهد. لهجه مشهدی وی که خود زاده سبزوار است یکی از نقاط قوت بازی‌های اوست که طرفداران بیشماری هم دارد.

هر چند شما سال‌ها تجربه بازی در تئاتر را دارید اما مخاطبان زیادی شما را بیشتر با دو سریال «چک برگشتی» و «پایتخت ۳» سیروس مقدم می‌شناسند چطور شد با این کارها به تلویزیون آمدید؟

من با گروه بازیگران «پایتخت» مانند محسن تانابنده هم‌دانشکده و دوست قدیمی هستیم، همین‌طور با

هر چند بسیاری از ما هدایت هاشمی را با بازی در نقش محمد حق‌شناس در سریال «نوشدارو»، دکتر کریم مشرفی در سریال «چک برگشتی»، شیخ حسن در سریال «پروانه» و اوس موسی در «پایتخت ۳» می‌شناسیم اما او پیش از این بیشتر به عنوان بازیگر تئاتر و سینما شناخته شده است. هاشمی فوق‌لیسانس کارگردانی از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر دارد و ۱۰ سال در عرصه تئاتر فعال بود تا اولین فیلم سینمایی‌اش را با بهمن فرمان‌آرا با «یک بوس کوچولو» شروع کرد و بعد از آن با «خاک آشنا» همکاری‌اش را با او ادامه داد. هرچند پیش از سینما در سال ۱۳۸۱ تلویزیون را با تله‌تئاتری از نیکلای گوگول به نام «بازرس کل» به کارگردانی محمد رحمانیان شروع کرد اما سیروس مقدم اولین کسی بود که با سریال «چک برگشتی» پای او را به



سربداران
سیمرغ
سرزمین خورشید
سجاده آتش
سجده بر آب
سفر به جزایه
سی و سه روز

من برای رسیدن به این نقش تمام فایل‌های صوتی، تصویری و آثار آیت‌الله بهجت را دیدم و مطالعه کردم. همان مطالعه بسیار روی من تأثیر گذاشت و تا پیش از این خیلی از رفتارهای ایشان را نمی‌دانستم اما این سریال موهبتی بود که من با این شخصیت همراه شوم

دست و ... خوب از آب دربیاید و مخاطب لذت ببرد. نقش محمد حق شناس جهانگرد نخبه‌ای که بعد از انقلاب به ایران برمی‌گردد و با رفتن به جنگ مجروح می‌شود در سریال «نوشدارو» هم بسیار متفاوت بود

سریال «نوشدارو» به کارگردانی جواد اردکانی در ارتباط با جهاد سازندگی بود و بیشتر روایت‌های آن به زندگی شهید رضوی و دو شهید دیگر این نهاد مربوط می‌شد. اما مهمترین دلیل پذیرفتن این نقش اهمیت و جایگاه علم برای من در جامعه بود و در این سریال محمد بعد از جنگ وارد تکنولوژی صنعت نفت می‌شود تا بتواند در این زمینه کار بیشتری را برای کشورش انجام دهد. با این حال نقش من ملهم از شخصیت شهید محمدتقی رضوی بود. نکته جالب اینجاست که بعدها متوجه شدیم محمد حق شناس نام شهید بزرگوار دیگری هم بوده که نقش من یک تشابه اسمی و کاملاً تصادفی با ایشان پیدا کرد. با این حال از اینکه نام این شخصیت با نام یک شخصیت بزرگ تشابه داشت، بسیار خوشحال بودم.

شما بازی در مقطع سنی ۲۰ تا ۵۰ سالگی شخصیت حق شناس را بر عهده داشتید، درباره ویژگی‌های این نقش بگویید

محمد حق شناس شخصیتی مثبت بود که به دلیل سابقه حضور در جبهه و جنگ، در برهه‌های مختلفی از انقلاب در ایران زندگی کرد و در هر یک از این دوره‌ها واکنش‌های متفاوتی در برابر اوضاع داشت. گاهی اوقات از وضعیت زندگی‌اش راضی بود و زمانی هم به دلیل نارضایتی از شرایط خود حتی حاضر به دوری از وطن شد. تلاش من بر این بود که او را واقعی نشان دهم.

کار بعدی تان هم کاملاً متفاوت است؟

بله، یک سریال پلیسی به نام «گاهی به پشت سر نگاه کن» به کارگردانی مازیار میری یک ملودرام خانوادگی است که با محوریت موضوعی حمایت از تولیدات داخلی و اعتماد به نخبگان جوان ایرانی و توجه ویژه به سبک زندگی ایرانی اسلامی است و از شبکه دو پخش خواهد شد.

کشیده شود و با مردم در میان گذاشته شود. باید این رویکرد جسورانه می‌خواستیم آگاهی عمومی را بالا ببریم تا مردم تفاوت میان دروغ، شعار و ادعا را با بیان حقیقت متوجه شوند.

شما در سریال «پروانه» به کارگردانی جلیل سامان نقش کوتاه اما تأثیرگذاری را بازی کردید. کاراکتر شیخ حسن یک شخصیت روحانی است که نقش مهمی در پیشبرد قصه دارد؟

البته من پیش از این در فیلم «لطفاً مزاحم نشوید» به کارگردانی محسن عبدالوهاب هم این نقش را تجربه کرده بودم. اما مهم‌ترین ویژگی این شخصیت، نوع ارتباط او با کاراکتر اصلی مرد داستان با بازی حامد کمیلی است. این دو آشنایی دیرینی با یکدیگر دارند و دوستی عمیقی بین آنها در جریان است. شخصیت‌ها در لحظات حساس و نفس‌گیری که راه به جایی ندارند به او پناه می‌برند و به این واسطه مسیرهای درست‌تری را می‌روند.

چطور توانستید بین این دو روحانی تفکیک قائل شوید و دو تیپ کاملاً متفاوت را ارائه دهید؟

برای خودم هم مهم بود که بتوانم نقشی از طبقه اجتماعی یکسان را بدون تکرار و متفاوت بازی کنم. به طوری که در «لطفاً مزاحم نشوید» برای پیدا کردن شخصیت روحانی الگوی دیگری را دیدم ولی در «پروانه» با شرایط دیگری روبرو شدم و تلاش کردم یکی از موجه‌ترین روحانیون عصر حاضر را که در آن زمان بوده الگوی خود قرار دهم. مهمترین ویژگی سیدحسن آرامش او بود که با بقیه شخصیت‌ها متفاوت بود.

منظور تان آیت‌الله بهجت است؟

بله، خودم به شخصه به این فرد ارادت زیادی داشتم و خوشحالم که بخش زیادی از رفتارهای بیرونی که از شیخ حسن دیده‌شده، یادگار آیت‌الله بهجت بود. من برای رسیدن به این نقش تمام فایل‌های صوتی، تصویری و آثار آیت‌الله بهجت را دیدم و مطالعه کردم. همان مطالعه بسیار روی من تأثیر گذاشت و تا پیش از این خیلی از رفتارهای ایشان را نمی‌دانستم اما این سریال موهبتی بود که من با این شخصیت همراه شوم. تمام تلاشم را کردم تا تکه کلام‌ها، حرکات

قرار است حرف‌هایی بزند که قبل از این در تلویزیون مطرح نشده است حس می‌شد. خوبی نقش کریم این بود که او در قالب سیاه و سفید قرار نمی‌گرفت و قرار بود بگوییم او هم یک آدم است و می‌تواند خطا هم بکند. من بخشی از این نقش را در گپ و گفت با سیروس مقدم پیدا کردم و بخشی دیگر از همیاری و کار گروهی شکل گرفت. به نظرم نفر مقابل خیلی به پروراندن شخصیت کمک می‌کند. نقش من همان اندازه دیده می‌شود که نقش دیگر دوستانم دیده می‌شود و این برمی‌گردد به بده‌بستان درست در بازیگری. خب ما همه بچه‌های تئاتر هستیم و بشدت روی بازی یکدیگر تأثیر می‌گذاریم.

آیا برای نقش یک نماینده مجلس الگویی هم داشتید؟

برای چنین نقشی بهترین کار استفاده از تکنیک تقلید و مشاهده است. با اینکه زمان کوتاهی به عنوان پیش تولید داشتیم، اما من به عنوان بازیگر دنبال نمونه‌های مشابه و مایه‌از‌های مناسب آن در جامعه بودم. خوشبختانه این کار همزمان بود با طرح سوال از رئیس‌جمهور و انتخابات در اوج اطلاع‌رسانی بود، در تمام شبکه‌ها نماینده‌ها مشغول حرف‌زدن و تبلیغ بودند. خودم به این فکر افتادم که سیدی تبلیغاتی نامزدهای نمایندگی در شهرستان‌ها را جمع‌آوری کنم برای همین فراخوانی دادم و بلافاصله مجموعه‌ای سیدی به دستم رسید و در چهار پنج روز تمام این سیدی‌ها را به دقت دیدم، یادداشت برداشتم و شروع به تمرین کردم، با این حال همه اندوخته‌هایم را از فیلتر خودم عبور دادم و کریم مشرفی را خودم ساختم.

پس به یک روانشناسی جامع از سیاسیون رسیدید؟

بله. تمام حرکات و رفتار من در این سریال معنی دارد و بخش بسیار زیادی از رفتار سیاسیون در اجرای من در نقش کریم مشرفی وجود دارد. اگر به حرکات آدم‌های سیاسی دقت کرده باشید، می‌توانید از حرکات دست یا صورت او به موضوع گیری‌هایش برسید. هرچند من با این نقش می‌خواستیم آستانه تحمل سیاسیون را هم محک بزنم. می‌خواستیم ببینیم چقدر می‌شود به این آدم‌ها نزدیک شد و با آنها شوخی کرد. اینها چقدر می‌پذیرند که خودشان و زندگی‌شان به نقد و چالش



«شیار ۱۴۳» نرگس آبیاری

حال خوب سینمای دفاع مقدس

سال ۹۳، سال خوبی برای سینمای دفاع مقدس بود. در این سال فیلم‌های خوبی اکران شد که مورد استقبال مردم قرار گرفت. فیلم‌هایی که به اعتبار سینمای دفاع مقدس افزودند و نشان دادند هنوز دفاع مقدس ما برای مردم ارزش و اعتبار دارد. اگر کارگردان و مجموعه سازنده خوراک خوبی برای آن‌ها تولید کند. سال ۹۳ را با اکران «چ» ابراهیم حاتمی کیا آغاز کردیم.

نرگس آبیاری نویسنده‌ای مطرح در حوزه دفاع مقدس بود که توانست با این پشتوانه غنی وارد سینما شود و شیار ۱۴۳ را به سامان برساند. نرگس آبیاری با این فیلم پدیده سینمای ایران در سال ۹۳ شد. فیلمی که همه اندیشه‌ها را با خود همراه کرد. فیلمی از ناگفته‌های جنگ. شیار در جشنواره سی و دوم توانست در سالی که اغلب کارگردان‌های مطرح سینمای ایران از جمله درویش، تبریزی، میرکریمی و پوراحمد در جشنواره حضور داشتند سیمرغ فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران را از آن خود کند.

«شیار ۱۴۳» روایت زندگی یک مادر شهید روستایی است که فرزندش مفقودالاثر شده است و او سال‌های سال را با این رنج سنگین سپری می‌کند. ابراهیم حاتمی کیا کارگردان صاحب نام سینمای دفاع مقدس در خصوص این فیلم در ایام جشنواره فیلم فجر گفت: هنگام تماشای این فیلم خیلی گریه کردم اما پس از بیرون آمدن از سالن حس شادابی دارم و حس کردم که باید فیلم "چ" را به شیار ۱۴۳ تقدیم کنم. وی همچنین در پاسخ به سؤال خبرنگار که از وی پرسید آیا این فیلم می‌تواند سیمرغی را دریافت کند افزود: این فیلم فراتر از سیمرغ‌های ماست و باید مرغ‌های زیادی کنار هم چید تا به پرواز درآیند.

خوب این اثر سینمایی شده بودند و این اثر را از لحاظ کارگردانی و استفاده از جلوه‌های ویژه‌ی رایانه‌ای یک گام رو به جلو در سینمای ایران به حساب آوردند. همچنین این فیلم در نوع خود توانسته بود تصویر درستی از رابطه‌ی امام و امت ارائه دهد که تا امروز در سینمای ایران کمتر شاهد آن بوده‌ایم.

این فیلم در جشنواره‌ی سی و دوم فیلم فجر توانست جوایز متعددی را بدست آورد و سیمرغ بهترین فیلم از نگاه ملی، بازیگر نقش دوم

چ مثل چمران

ابراهیم حاتمی کیا کارگردان شناخته شده این حوزه با این فیلم سراغ دو روز از زندگی شهید مصطفی چمران رفته است و مأموریت دکتر چمران در ختم غائله‌ی کردستان را به زبان سینما روایت می‌کند.

این فیلم که با سرمایه‌گذاری بنیاد سینمایی فارابی تولید شده است توانست نظرات مثبت بسیاری را به سوی خود جلب کند و از همان روزهای اکران در کاخ جشنواره منتقدین و خبرنگاران استقبال قابل



این فیلم علاوه بر سیمرغ فیلم برگزیده‌ی تماشاگران توانست برای مریلا زارعی هم سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن و برای کارگردانش

مرد، تدوین، صداپردازی، صداگذاری و میکس، جلوه‌های ویژه بصری، جلوه‌های ویژه میدانی را برای سازندگانش به ارمغان بیاورد.

توجهی را از این فیلم کردند. بسیاری این فیلم را پخته‌ترین و بهترین فیلم ابراهیم حاتمی کیا و سینمای دفاع مقدس می‌دانستند. بسیاری در آن زمان مجذوب ساخت و ترکیب

سال ۹۳ یکی از سال‌های خوب دفاع مقدس بود. ۹ فیلم در جشنواره حضور داشتند که گل سرسیدشان، «شیار ۱۴۳» و «چ» بسیار خوش درخشیدند و نظرات مثبت بسیاری را به سوی خود جلب کردند

«سال ۹۴ و سینمای دفاع مقدس»

سال ۹۳ یکی از سال‌های خوب دفاع مقدس بود. ۹ فیلم در جشنواره حضور داشتند که گل سرسیدشان، «شیار ۱۴۳» و «چ» بسیار خوش درخشیدند و نظرات مثبت بسیاری را به سوی خود جلب کردند. «شیار ۱۴۳» عنوان بهترین فیلم از دیدگاه تماشاگران را از آن خود کرد و در اکران عمومی‌اش هم فروش میلیاردری را رقم زد. این سیر و استقبال خوب مردمی از این آثار باعث شد که اهالی سینما به خود آیند و از منظری بدیع به این موضوع مهم بپردازند.

در جشنواره سی و سوم ۶ فیلم با این موضوع حضور داشت و حالا باید دید آیا در سال جدید باز حال سینمای دفاع مقدس خوش و خرم است. مریدا زارعی امسال با فیلم «ماهی سیاه کوچولو» در سینما حضور دارد. این فیلم داستان یک مرد نهمیان و دیده‌بان جنگل در دهه ۶۰ را روایت می‌کند و به احتمال زیاد به اتفاقات شهر آمل در این سال می‌پردازد. نقش مریدا زارعی در این فیلم یکی از متفاوت‌ترین نقش‌های کارنامه کاری او خواهد بود. زارعی در «ماهی سیاه کوچولو» نقش یک جنگجوی تمام عیار را دارد و باید دید آیا می‌تواند موفقیت قبلی‌اش را تکرار و عنوان بهترین بازیگر زن جشنواره را برای خود کند.

«تا آمدن احمد» فیلم دیگری است که داستانش درباره یکی از رزمندگان هلال احمر در جبهه خوزستان است که قرار بوده روز عروسی خواهرش

سیمرغ جایزه ی ویژه هیئت داوران را به ارمغان بیاورد.

«خانه ای کنار ابرها» سیدجلال دهقانی اشکذری

داستان این فیلم در دهه ۶۰ می‌گذرد، جاییکه دو دوست برای رسیدن به هدفی با یکدیگر همراه می‌شوند. فیلمی که با بازی هدایت هاشمی و حامد کمیلی صحنه‌های جالبی را رقم زدند. این فیلم اولین گام دهقانی اشکذری است و با قبول ریسک کار در این ژانر امیدهای فراوانی نسبت به خود بوجود آورد.

گفتنی است این فیلم در بخش نگاه نو سی و دومین جشنواره فیلم فجر، نامزد دو سیمرغ بود که در بخش فیلم نامه موفق به دریافت دیپلم افتخار شد.

«زیباتر از زندگی انسیه شاه حسینی»

با شروع جنگ تحمیلی، حسین علم‌الهدی فرمانده سپاه هویزه، به همراه نیروهای مردمی به کمک مردم روستاها می‌شتا. اما با دست خالی... ولی نیروهای مخلص ارتش، علی رغم مخالفت بنی صدر، به کمک آنها شتافته و ضمن ارائه کمک‌های تسلیحاتی، در یک عملیات مشترک، دوش به دوش هم بر دشمن متجاوز یورش می‌برند. تا اینکه...

انسیه شاه حسینی، کارگردان سینمای دفاع مقدس است. هر چقدر در این باره فیلم بسازد باز احساس

روایت و نگاه تازه‌ای به دفاع مقدس دارد. در خلاصه داستان فیلم آمده یحیی که رزمنده جوانی است و برای یک مخصی چند روزه به شهر آمده ناخواسته در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد و تردید دارد در اینکه در شهر بماند یا دوباره به منطقه برگردد. فیلم داستان جالبی دارد و منتظر می‌مانیم تا ببینیم نسخه نهایی فیلم در چه سطحی قرار می‌گیرد.

«حکایت عاشقی» نیز به کارگردانی احمد رمضان‌زاده عشق یک خبرنگار ایرانی به یکی از بازماندگان بمباران شیمیایی حلبچه را روایت می‌کند. چندی پیش عوامل پشت‌صحنه که برای تهیه تصاویر مربوط به حلبچه، وارد کردستان عراق شدند با وجود مشکلاتی که به دلیل حضور داعش در این منطقه وجود داشت به مدت یک هفته در این منطقه حضور داشتند تا فیلمبرداری فیلمشان به پایان برسد.

عبدالاحسین برزیده که پس از سال‌ها با فیلم «مزار شریف» به جشنواره فیلم فجر آمده، حمله طالبان به کنسولگری ایران در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ در شهر مزار شریف و شهادت هشت نفر از دیپلمات‌های ایرانی را به تصویر می‌کشد. «بدون مرز» فیلم دیگری به کارگردانی امیرحسین عسگری است که در حوزه دفاع مقدس ساخته شده است.

با نگاهی به داستان فیلم‌ها و انتخاب سوژه‌ها، فیلم‌های دفاع مقدسی این دوره جشنواره از کیفیت خوبی



برخوردار هستند. اگر سازندگان فیلم‌ها بتوانند این خوب بودن را در ساخت هم نشان دهند، فیلم‌های دفاع مقدس امسال هم با اقبال خوبی از سوی مردم و منتقدان مواجه خواهد شد.

به جزیره خارک برگردد. فیلم پرامیدی که عواملش برای ساخت آن با سختی‌های زیادی روبه‌رو شدند. «تگرگ و آفتاب» هم به کارگردانی رضا کریمی

تکلیف می‌کند. از انسیه شاه حسینی غیر از این انتظار نمی‌رود. این فیلم نیز یکی از فیلم‌های بسیار خوب سال ۹۳ بود.

انقلابی در دنیای علم

امکان پیوند سر تا دو سال دیگر

دکتر کاناورو معتقد است فرد بعد از به هوش آمدن قادر است سر خود را تکان دهد و صورتش را حس کند، با صدای قبلی صحبت کند و در عرض یک سال قادر به راه رفتن خواهد بود.

دکتر کاناورو نخستین بار در سال ۲۰۱۳ این ایده را مطرح کرد اما خود او می‌داند که بسیاری از متخصصان چنین عملی را متعلق به آینده می‌دانند. دکتر کاناورو می‌گوید:

"اگر مردم چنین عملی را نمی‌خواهند من این کار را نخواهم کرد. اگر مردم در اروپا یا آمریکا آن را نمی‌خواهند به این معنی نیست که نباید در جای دیگری انجام شود. سعی من این است که کار درست را انجام دهم اما پیش از سفر به ماه، باید مطمئن باشید که مردم از کار شما استقبال می‌کنند."

هنوز برای این جراحی محلی در نظر گرفته نشده اما دکتر کاناورو علاقمندی خود را به انجام این جراحی در لندن ابراز کرده است.

با این حال برخی متخصصان در اجرای این جراحی تردید کرده و آنها "تخیل محض" خوانده‌اند.

هری گلد اسمیت پروفیسور جراحی اعصاب در دانشگاه کالیفرنیا احتمال چنین عملی را "بسیار نامحتمل" می‌داند:

"من فکر نمی‌کنم این کار شدنی باشد، مشکلات چنین عملی بی‌اندازه زیاد است." پاتریشیا اسکریپکو، نورولوژیست معتقد است حتی اگر چنین عملی، شدنی باشد اتفاقی نادر خواهد بود:

"اینطور نخواهد شد که کسی بگوید من دارم پیرمی شوم و آرتروز دارم پس شاید بهتر است بدنی داشته باشم که بهتر کار کند و ظاهر بهتری داشته باشد."

به گفته دکتر کاناورو بزرگترین مشکل این عمل اخلاقی است:

"مهمترین مانع اخلاقی است. آیا اصلاً چنین عملی باید انجام شود؟ مطمئناً افراد بسیاری با آن مخالف خواهند بود."

دکتر کاناورو معتقد است پیوند سر را می‌توان برای درمان بیماری‌هایی مثل بیماری استیون هاوکینگ (بیماری نورونهای حرکتی) بکار گرفت.

با این حال متخصصان به مشکلات دیگر این جراحی هم اشاره می‌کنند، از جمله اینکه که کسی نمی‌داند تأثیر چنین عملی از نظر روانشناختی چه خواهد بود؛ اینکه فردی با سر فردی دیگر به زندگی ادامه دهد.

علاوه بر این کسی نمی‌داند چگونه می‌شود اعصاب نخاع را به هم پیوند زد و چگونه می‌توان کاری کرد که این ارتباطات به خوبی برقرار شده و کار خود را انجام دهد.

ریچارد برچنز مدیر مرکز تحقیقات بیماری‌های فلج کننده در ایندیانا می‌گوید "شواهد علمی درباره اینکه بعد از پیوند مغزو نخاع، حس و حرکت از نو بازمی‌گردد، وجود ندارد."

دکتر کاناورو می‌گوید موفقیت این عمل به بسیاری از افرادی که دچار فلج نخاعی یا بیماری‌های ناتوان کننده هستند امکان راه رفتن و زندگی تازه ای را می‌دهد.

او حتی معتقد است این عمل برای کسانی مثل پروفیسور هاوکینگ (که مبتلا به بیماری نورون های حرکتی است) هم می‌تواند انجام شود.

نخستین پیوند سر در سال ۱۹۷۰ در کالیفرنیا آمریکا انجام شد و طی آن، سربیک میمون به بدن میمون دیگر منتقل شد.

البته چون جراحان نتوانستند نخاع را پیوند بزنند میمون قادر به حرکت نبود. سیستم ایمنی میمون، پیوند را پس زد و او نه روز بعد مرد.

مدیر گروه مدولاسیون عصبی پیشرفته 'در تورین ایتالیا می‌گوید پیشرفت‌های پزشکی امکان جراحی پیوند سر یا به تعبیری پیوند بدن را فراهم کرده و این جراحی را می‌توان تا دو سال دیگر انجام داد. البته دانشمندان رقم چشمگیر حدود هفت میلیون دلار برای انجام این عمل را تخمین زده‌اند که رقم سنگینی است.

به نوشته نشریه نیوساینتیست، دکتر سرجو کاناورو جراح ایتالیایی قرار است تابستان امسال در کنفرانسی خبری در آکادمی جراحان اعصاب و ارتوپد آمریکا شروع این پروژه را اعلام کند.

در این جراحی سر فردی که دچار مرگ مغزی شده اما بدنش سالم است با سر فردی دیگر که دچار ضایعه نخاعی یا بیماری‌های تخریب کننده عضلات و اعصاب است جابجایی می‌شود.

به گفته دکتر کاناورو "اکنون در مرحله ای هستیم که تمام جنبه های فنی این عمل امکان پذیر است."

او همچنین می‌گوید لیستی طولانی از بیمارانی دارد که می‌توانند کاندیدای بالقوه چنین عملی باشند، عملی که دکتر کاناورو قصد دارد در سال ۲۰۱۷ انجام دهد.

دکتر کاناورو درباره تکنیک عمل این جراحی اخیراً مقاله‌ای در نشریه بین المللی جراحی اعصاب منتشر کرده است.

برای این جراحی بدن فرد دهنده و گیرنده سر در ابتدای جراحی سرد می‌شود تا مدت زمانی که سلول های می‌توانند کمبود اکسیژن را تحمل کنند افزایش یابد.

سپس بافت های گردن جدا می‌شوند و رگ های بزرگ بالوله هایی ظریف به هم متصل می‌شوند.

بعد نخاع فرد دهنده پیوند راقطع کرده و سر او را روی بدن فرد گیرنده قرار می‌دهند، سپس نخاع با ماده ای به نام پلی اتیلن گلیکول که مثل چسب عمل می‌کند به نخاع بدن جدید متصل می‌شود.

سپس فرد حدود چهار هفته در اغمای مصنوعی فرو خواهد رفت تا در مدتی که بافتها ترمیم می‌شوند تکان نخورد.

در این مدت اعصاب و نخاع با شوک های الکتریکی خفیف تحریک می‌شوند تا پیوندها و ارتباطات آنها بین سر و بدن جدید محکم شود.

اما برای اینکه بدن، سر پیوند شده را پس نزند باید فرد تحت درمان با داروهای قوی سرکوب کننده سیستم ایمنی قرار داشته باشد.



دستگاه جوانسازی پوست در ایران ساخته شد از بین بردن چروک‌های ریز

محققان در مرکز علوم و فنون لیزر موفق به ساخت دستگاهی برای جوانسازی پوست شدند که این دستگاه علاوه بر قابلیت های مفید می‌تواند چروک‌های ریز را نیز از بین ببرد.

پژوهشگران ایرانی در مرکز علوم و فنون لیزر توانستند دستگاه لیزر فرکشنال CO₂ را از مرحله طراحی تا ساخت پیش ببرند و گامی در جهت بومی سازی تجهیزات لیزری در حوزه پزشکی بردارند.

استفاده از این لیزر می‌تواند در جهت جوانسازی پوست باشد و همچنین باعث می‌شود قوام پوست بهتر شده و چروک‌های ریز آن نیز از بین برود و چروک‌های عمیق کمتر شوند.

این دستگاه کاربردهای درمانی زیادی دارد به طوریکه می‌تواند منافذ باز پوست و سفت شدگی آن را درمان کند. همچنین پوست را جوان و هموار می‌سازد. برای بهبود منافذ باز پوست نیز، این لیزر مناسب است. منافذ پوست که در اثر افزایش سن و چربی پوست، در نواحی گونه‌ها، پیشانی، بین دو ابرو و چانه‌ها بیشتر ایجاد می‌شوند، توسط این لیزر به صورت قابل ملاحظه‌ای بهبود می‌یابند.

لیزر فرکشنال CO₂ باریکه لیزر را به صورت پرتوهای میکرونی در فواصل منظم به وضع درمان اعمال می‌کند. ستون‌های میکرونی ablative الگوهایی را برای پوست ایجاد کرده که ضمن سوزاندن عمقی نقاطی در موضع درمان، اپیدرم (سطحی ترین لایه پوست) را در فواصل ستون‌های میکرونی دست نخورده باقی گذاشته و عوارض احتمالی سوزاندن اپیدرم را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.

در لیزر فرکشنال CO₂ اشعه‌های میکرونی لیزر به لایه‌های مختلف درم رسیده و با ایجاد اثر حرارتی، باعث بازسازی کلاژن‌ها به عنوان فراوانترین پروتئین بدن محسوب می‌شود و ایجاد کلاژن جدید از طریق تحریک فیبرو بلاست‌ها می‌شود. از لیزر فرکشنال CO₂ برای بهبود جای جوش یا اسکار (آکنه‌ها) می‌توان استفاده کرد که می‌تواند جای جوش را پاکسازی کند. در نواحی اسکار، ستون‌هایی از سلول‌های ناحیه اسکار از بین می‌رود و ستون‌های جدید ایجاد و عمق اسکار کمتر می‌شوند. این دستگاه قابلیت از بین بردن جای سوختگی‌ها را دارد که علاوه بر کم‌رنگ سازی ناحیه سوختگی، آن ناحیه را قوام می‌بخشد.

همچنین این دستگاه در از بین بردن چروک‌های صورت و افتادگی پوست تاثیر دارد و برای افرادی که پس از لاغری و یا به مرور زمان پوستشان شل شده است تاثیر به سزایی دارد. استفاده از این لیزر در نواحی استریا (ترک‌های شکم و ران) تا حدود زیادی در از بین بردن آنها تاثیر دارد. چروک‌های زیرچشم که در اثر بوتاکس از بین نمی‌روند و دقیقاً زیر پلک هستند، با این لیزر بهبود پیدا می‌کنند. این دستگاه پس از آزمایشاتی در مرکز علوم و فنون لیزر ایران ساخته شده است که هم اکنون نمونه نهایی آن جهت درمان به کار می‌رود.



دانشگاه تربیت مدرس در مدر طرح‌های پژوهشی ایرانی

استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز گفت: از کل ۱۵۷۰۸ طرح پژوهشی که از حمایت مالی دولت و بخش خصوصی برخوردار بوده نتایج تعداد ۱۵۴۷۱ طرح به شکل مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسیده است.

دکتر جعفر مهاد با اعلام این خبر افزود: در توسعه علمی، اختصاص بودجه به تحقیقات در علوم، فناوری و علوم انسانی و اجتماعی امری رایج و متداول است. در کشورهای مختلف و بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی بودجه پژوهشی از سوی شرکت‌ها (واحدهای تحقیق و توسعه) و دولت که عمدتاً از طریق دانشگاه‌ها و موسسات علمی تخصصی انجام می‌گیرد، تامین می‌شود.

مهاد اظهار داشت: براساس داده‌های پایگاه استنادی تامسون رویترز در ایران از ابتدا تاکنون تعداد ۱۵۷۰۸ طرح مورد حمایت مالی قرار گرفته است. البته این داده‌ها مستند به این است که گیرندگان حمایت مالی در گزارش تحقیق خود که آن را به صورت مقاله علمی منتشر کرده و در اثر خود به این موضوع اشاره کرده باشند. حمایت مالی از طرح‌ها در وهله اول در حوزه شیمی چند رشته‌ای (۱۱۲۸ مورد) و سپس در حوزه‌های داروسازی ۸۷۲ مورد، مهندسی برق و الکترونیک به تعداد ۸۰۱ مورد، علم مواد چند رشته‌ای ۶۹۷ مورد، و مهندسی شیمی ۶۰۲ مورد صورت گرفته است.

این استاد علم اطلاعات ادامه داد: سایر رشته‌ها از قبیل شیمی فیزیک و شیمی هر کدام با ۵۸۵ طرح، بیوتکنولوژی با ۵۱۰ طرح و پزشکی داخلی با ۴۷۹ طرح در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

وی گفت: از کل ۱۵۷۰۸ طرح پژوهشی که از حمایت مالی دولت و بخش خصوصی برخوردار بوده، نتایج تعداد ۱۵۴۷۱ طرح به شکل مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسیده است و به این موضوع اشاره کرده‌اند.

مهاد درباره توزیع طرح‌ها از نظر کمک‌های مالی گفت: دانشگاه تربیت مدرس با ۲۳۹۸ طرح در راس دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور قرار دارد. در مرحله بعد، دانشگاه تهران با ۱۷۰۷ طرح، دانشگاه علوم پزشکی تهران با ۱۶۵۳ طرح، دانشگاه آزاد اسلامی با ۱۴۶۰ طرح، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با ۱۲۰۷ طرح در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند.

چهره ماندگار علمی کشور افزود: دانشگاه صنعتی اصفهان با ۱۰۵۵ طرح، دانشگاه صنعتی شریف با ۱۰۱۲ طرح، دانشگاه علم و صنعت ایران با ۹۷۵ طرح، دانشگاه شیراز با ۶۳۳ طرح و دانشگاه فردوسی مشهد با ۵۷۷ طرح رتبه‌های ششم تا دهم را در اختیار دارند.

خوزستان؛ استانی که دینش رابه انقلاب ادا کرد

باعث مقاومت بیشتر مردم در برابر دشمن گردید. نیروهای عراقی پس از عملیات نصر و شهادت دانشجویان پیرو خط امام محاصره هویزه را تشدید و در ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ آن را اشغال و شهر را کاملاً تخریب نمودند. شهر هویزه در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۸ در مرحله دوم عملیات بیت المقدس، آزاد گردید.

استان خوزستان در عین حال که استانی وسیع است، به واسطه داشتن مرز وسیع با کشور عراق و استراتژیک بودن آن شاهد اتفاقات فراوانی در سراسر روزهای دفاع مقدس بود. به گونه‌ای که یادمان‌ها و روایت‌های آسمانی این دشت تا همیشه تاریخ این سرزمین ماندگار خواهد بود و اولین قسمت از دور و نزدیک این شماره به بخش میانی محور خوزستان در دوران دفاع مقدس اختصاص دارد.

مزار شهدای هویزه

این مزار در ۲۵ کیلومتری شهر هویزه واقع شده است. در این منطقه سید حسین علم الهدی و یارانش در حالی که نیروهای پیاده از عقب نشینی مطلع نبودند، عقب نشینی واحدهای زرهی ارتش آغاز شد و به همین دلیل ۶۸ نفر از پاسداران و نیروهای داوطلب از جمله تعدادی از دانشجویان پیرو خط امام در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ در عملیات نصر در یک عملیات عاشورایی پس از درگیری با یک ستون تانک عراقی مظلومانه به شهادت رسیدند و پیکرهای مطهرشان، ۱۶ ماه بعد و پس از آزادسازی منطقه در عملیات بیت المقدس کشف و در همان محل دفن شد و بقعه ای توسط جهاد سازندگی برای ایشان بنا گردید. در عملیات نصر ۱۴۲ نفر از رزمندگان لشکر ۱۶ زرهی ارتش قزوین هم در این منطقه به شهادت رسیدند.

سوسنگرد

سوسنگرد در شمال غرب اهواز قرار دارد. با حمله عراق در ۳۱ شهریور، عراقی‌ها با پیشروی در محور بستان سوسنگرد این شهر را از سمت غرب مورد تهدید

اهواز

اهواز، مرکز استان خوزستان و مهم ترین شهر آن است. ارتش عراق برای اشغال سه روزه استان خوزستان، هدف اصلی و تلاش خود را تصرف اهواز قرار داده بود. دشمن طی دو روز خود را از جنوب به نزدیکی اهواز رساند. احساس نگرانی از سقوط اهواز و سخن تکان دهنده امام (ره) که «مگر جوانان اهواز مرده‌اند؟» موجب شبیخون جوانان اهواز به قوای دشمن و انهدام آنها شد.

هویزه

هویزه در جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. هویزه مرکز شهر دشت آزادگان بود، که به اشغال ارتش عراق در آمد. از جمله حوادث مهم شهر هویزه، شهادت «حامد جرفی» بخشدار هویزه است که در روزهای اول جنگ توسط دشمن بعثی اتفاق می افتد و همچنین خروش مردم شهر علیه بعثیون به خاطر به شهادت رساندن «سهام خیام» دختر نوجوانی است که در برابر نیروهای متجاوز با شهامت ایستادگی کرد و





بستان

شهر بستان در ۳۰ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد و در جنوب رودخانه کرخه قرار دارد. با شروع جنگ نیروهای بعثی پس از تصرف پاسگاه سوبله و عبور از تنگه چزابه، در ۱۳۵۹/۷/۴ این شهر را اشغال کردند. اما پس از عملیات «غیور اصلی» و پیشروی نیروهای خودی به سوی مرز، در ۱۳۵۹/۷/۱۰ بستان آزاد شد. یک هفته بعد هجوم مجدد دشمن برای تصرف بستان آغاز گردید و پس از چهار روز برای بار دوم اشغال شد تا اینکه در عملیات طریق القدس در دهم آذر ماه ۱۳۶۰ بستان برای همیشه به دست رزمندگان اسلام آزاد شد و به آغوش میهن اسلامی بازگشت.

چزابه

چزابه یکی از ۵ محور اصلی هجوم ارتش بعثی به خوزستان بود. در هجوم ۱۳۵۹/۶/۳۱ به چزابه، با وجود مقاومت مدافعان اندک آن، ارتش عراق نتوانست موقعیت خود را تا ۱۳۵۹/۷/۲ در چزابه تثبیت کند. دشمن سرانجام در روز ۱۳۵۹/۷/۳ با عبور از چزابه به طرف تپه های الله کبر و بستان پیشروی کرد. از آن زمان چزابه در اشغال بود تا اینکه در ۱۳۶۰/۹/۸ در جریان عملیات طریق القدس آزاد شد. این منطقه همچنین شاهد رشادت و شهادت رزمندگان تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در عملیات والفجر ۶ در اسفند سال ۶۲ نیز بوده است.

قرار دادند و در ۶ مهر ماه، بعد از شکستن مقاومت مردمی آن را اشغال کرده و اداره شهر را به گروه ضد انقلاب «جبهه التحرير» می سپارد. چند روز بعد رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی «علی غیور اصلی» شهر را آزاد کردند. ارتش عراق مجدداً از ۱۳۵۹/۷/۱۷ آغاز و در ۱۳۵۹/۸/۲۴ سوسنگرد را محاصره کرده و وارد آن شدند، اما مقاومت تعدادی از مدافعان مانع از سقوط شهر شد تا آنکه ۲ روز بعد رزمندگان ارتش، سپاه و ... به کمک محاصره شدگان آمدند و شهر را حفظ کردند.

دهلاویه

دهلاویه روستایی است در شمال غربی سوسنگرد که در روزهای اول جنگ مورد تهاجم رژیم بعث قرار گرفت. مدافعان دهلاویه ده روز سرسختانه در برابر دشمن مقاومت کردند تا اینکه در ۱۳۵۹/۸/۲۴ توان مقاومت بر ایشان نماند و دشمن با اشغال دهلاویه خود را به سوسنگرد رساند. در ۱۳۶۰/۳/۲۶ نیروهای شهید چمران طی عملیاتی دهلاویه را آزاد کردند لیکن دشمن مجدداً این روستا را اشغال کرد. در این عملیات فرمانده نیروهای خودی (ایرج رستمی) به شهادت رسید. هنگامی که دکتر مصطفی چمران برای معرفی فرمانده جدید عازم دهلاویه شده بود، در این منطقه بر اثر اصابت گلوله خمپاره به شدت مجروح شد و هنگام انتقال به اهواز به شهادت رسید. دهلاویه در ۱۳۶۰/۶/۲۷ طی عملیات «شهید آیت ا... مدنی» آزاد شد.





ورزش ایران در سالی که پیش رو داریم

سال کسب سهمیه‌ها

سال ۱۳۹۴ آغاز شده و درست از همین روزهای ابتدایی، سالی ورزشی را آغاز کرده‌ایم از سوم فروردین تیم ملی امید کشورمان در گروه سوم این رقابت‌ها به دیدار رقبایش رفته تا شاید ناکامی چهل ساله تیم ملی امید در المپیک را به فراموشی بسپارد. با این تفصیل، سال ۱۳۹۴ جدا از رقابت‌های همیشگی سالانه جهانی در رشته‌های مختلف فردی و گروهی، سال حیاتی و مهمی برای ورزش به شمار می‌آید. سالی که ورزشکاران ایرانی در دو میدان برای کسب سهمیه رقابت خواهند کرد. نزدیکترین و گسترده‌ترین آنها المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو است که حدوداً ورزشکاران ۲۱ رشته مختلف برای کسب سهمیه در آن با رقبای آسیایی و بین‌المللی رقابت خواهند کرد و دیگری تیم ملی فوتبال ایران است که در سال ۱۳۹۴ برای جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه به مصاف رقبایشان می‌رود.

«»

مسافران برزیل

تا قبل از تعطیلات نوروز، دو ورزشکار ایرانی موفق به کسب سهمیه المپیک ۲۰۱۶ شدند. اولی احسان روزبهانی در بوکس بود که توانست عنوان اولین المپین ایرانی را به خود اختصاص دهد. حضور نفرات کلیدی همچون علی مظاهری، امین قاسمی‌پور، جاسم دلاوری، فروتن گل آرا و سایر مشتزمان کشورمان امید به کسب سهمیه‌های بیشتر را نیز در دل‌ها روشن می‌کند. بوکس ایران برای جامه عمل پوشاندن به این مهم دو میدان بزرگ را پیش رو دارد؛ نخست مسابقات جهانی دوحه قطر و سپس مسابقات قهرمانی آسیا. با توجه به شرایط و قوانین سختگیرانه کسب سهمیه المپیک در مسابقات جهانی بوکس قطر که مهر ماه سال آینده برگزار می‌شود، کار بوکسورهای ما بسیار دشوار خواهد بود، از این رو باید مشتزمان کشورمان بیشتر امید خود را به مسابقات قهرمانی آسیا ببندند.

حسین عسکری با کسب دو مدال طلا در دوچرخه‌سواری دومین ورزشکار ایرانی بود که توانست کسب سهمیه کند. تیم ملی به مسابقات قهرمانی آسیا اعزام شده بود و نتایج کسب شده تیم ملی دوچرخه‌سواری در مسابقات آسیایی تایلند بهترین نتیجه بعد از انقلاب اسلامی بود زیرا در این مسابقات توانستیم ۳ مدال طلا، ۴ مدال نقره و ۲ مدال برنز کسب کنیم.

در عین حال مسئولان کمیته ملی المپیک پس از کسب این دو سهمیه ابراز امیدواری کرده بودند که ورزشکاران ایرانی در ۲۱ رشته ورزشی کسب سهمیه کنند. المپیک تابستانی ۲۰۱۶ که با نام رسمی «بازیهای المپیک سیم و یکم» شناخته می‌شود از ۹ تا ۲۵ مرداد سال ۱۳۹۵، در شهر ریو دوژانیرو در کشور برزیل برگزار خواهد شد. شهر ریو دوژانیرو به عنوان میزبان این بازیها در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۰۹ میلادی، پس از رقابت با شهرهای مادرید، توکیو و شیکاگو، توسط کمیته بین‌المللی المپیک انتخاب شد. ۲۸ رشته ورزشی در این المپیک برگزار خواهد شد و رشته‌های راگبی ۷ نفره و گلف برای اولین بار به برنامه مسابقات اضافه شده‌اند.

«»

امید به تیم امید

آخرین حضور تیم ملی فوتبال کشورمان در رقابت‌های المپیک به سال ۱۹۷۶ بر می‌گردد و عملاً ۴۰ سال است که بخت حضور در این رقابت‌ها را پیدا نکرده‌ایم. تیم ملی امید کشورمان پس از تغییرات متعدد بالاخره به محمد خاکی‌پور سپرده شد و او در بهمن و اسفند لیست ۵۰ نفره این تیم برای شرکت در مسابقات مقدماتی المپیک را در اختیار فدراسیون فوتبال قرار داد.



گروه در دو بازی رفت و برگشت دیدار می کنند و تیم برنده به پلی اف بین قاره ای راه می یابد که البته هنوز مشخص نشده است که این تیم پنجم باید با نماینده کدام قاره باید روبرو شود؛ آمریکای جنوبی یا آمریکای شمالی.

مسابقات این مرحله که در واقع مرحله نهایی مبارزه برای راهیابی به جام جهانی ۲۰۱۸ است از ۱۰ شهریور ۹۵ آغاز می شود و تا ۱۵ شهریور ۹۶ به طول می انجامد. هر تیم در این مرحله باید ۱۰ بازی انجام دهد و در این مرحله احتمال هم گروهی ایران با قدرت های بزرگ قاره مثل کره جنوبی، ژاپن، استرالیا و ... وجود دارد.

کارلوس کی روش سرمربی تیم ملی ایران از این گزینش ابراز نگرانی کرده و گفت: بدون برنامه ریزی درست برای ادامه کار تیم ملی به مشکل می خوریم چون گروه بندی جدید بازی های انتخابی جام جهانی کار صعود را سخت تر کرده است. ترسی که خیلی دور از انتظار است.

احتمال دیدار با کره جنوبی، استرالیا، ژاپن و ... خیلی ضعیف است. ۸ تیم قهرمان گروه ها و ۴ تیم از بهترین تیم های رده دوم جداول ۸ گانه و در مجموع ۱۲ تیم به دور سوم مسابقات راه می یابند. این ۱۲ تیم با صعود به مرحله سوم سهمیه جام ملت های ۲۰۱۹ را نیز بدست می آورند. روزهای مسابقات نیز بدین ترتیب خواهد بود: ۲۱ و ۲۶ خرداد، ۱۲ و ۱۷ شهریور، ۱۶ و ۲۱ مهر، ۲۱ و ۲۶ آبان ۹۴ و ۱۵ و ۱۰ فروردین ۹۵.

مرحله سوم مسابقات برای ۱۲ تیم صعود کرده مرحله دوم اختصاص به مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ دارد. ۱۲ تیم صعود کرده از مرحله قبل در دو گروه ۶ تیمی تقسیم می شوند و بصورت رفت برگشتی مارا تن صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ را آغاز می کنند. در صورتی که آسیا ۴ سهمیه مستقیم در جام ۲۰۱۸ داشته باشد، تیم های اول و دوم گروه ها بصورت مستقیم راهی جام جهانی می شوند و تیم های سوم دو

لیست اولیه تیم ملی امید که شامل ۵۰ بازیکن است از سوی کادرفنی به فدراسیون فوتبال ارائه شد و اسامی ۵۰ بازیکن برای حضور در رقابت های مقدماتی المپیک ۲۰۱۶ برزیل به ثبت رسید. بعد از اتمام اردوی کویت در ۲۵ اسفند لیست نهایی تیم ملی امید نیز برای شرکت در مرحله اول دور مقدماتی مشخص شد.

تیم ملی امید از ۳ فروردین در مرحله اول مقدماتی المپیک ۲۰۱۵ برزیل به میدان می رود. ایران در گروه سوم این رقابت ها با عربستان، نپال، افغانستان و فلسطین هم گروه است. حضور بازیکنان حرفه ای و نامداری چون سردار آزمون و علیرضا جهانبخش که در تیم های اروپایی توپ می زنند می تواند این امیدواری را ایجاد کند که طلسم چهل ساله حاضر نشدن فوتبال کشورمان در المپیک شکسته شود.

«» تلاش برای رسیدن به مسکو

تیم ملی فوتبال کشورمان هم در سال ۹۴ گام مهمی برای حضور در جام جهانی پیش رو یعنی روسیه ۲۰۱۸ خواهد برداشت. جریان انتخابی جام جهانی در آسیا عملاً فرایند طولانی مدتی است که مرحله اول آن از اسفند گذشته با رقابت تیم های رتبه ۳۵ تا ۴۶ آسیا آغاز شده است. که پس از آن ۶ تیم به مرحله بعد راه خواهند یافت. در مرحله دوم مسابقات، ۴۰ تیم در ۸ گروه ۵ تیمی قرار می گیرند و بصورت رفت و برگشت با هم روبرو می شوند که مسابقات این مرحله از روز ۲۱ خرداد ۹۴ آغاز می شود و تا ۹ فروردین ۹۵ به طول می انجامد. ایران در این مرحله مثل ادوار قبلی با تیم های متوسط مثل اندونزی، اردن، عمان، کویت، سوریه، تاجیکستان، ویتنام، تایلند، مالزی، سنگاپور، لبنان، فلسطین و ... همگروه خواهد شد و

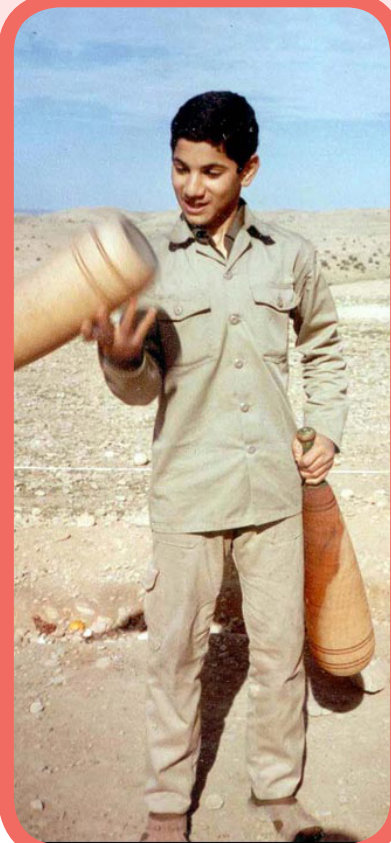




زندگی به شرط ورزش

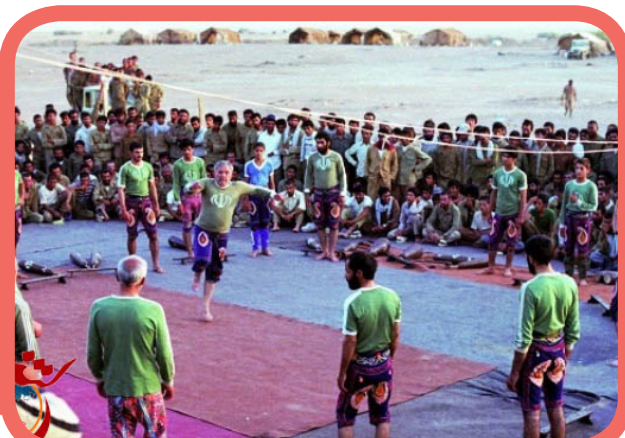
اگر به تنوع و تعدد و آمار مدال‌آوران کاروان‌های ورزشی ایران در سال‌های اخیر نگاه کنید به وضوح می‌بینید که وزنه و ورزش جانبازان سنگین‌تر است و کاروان ورزش جانبازان ایران هیچ وقت دست خالی از هیچ میدانی به خانه برنگشته. اگر به گذشته این قهرمانان پهلوان نگاه کنیم به خوبی می‌بینیم که این بزرگواران از دیرباز به این مهم رسیده‌اند که ورزش هیچ منافاتی با زندگی ندارد. در هر شرایطی می‌شود به سلامت جسم و جان پرداخت. حتی اگر در معرکه جنگ باشیم. قهرمانان امروز شاید ورزشکاران آماتور اما دلاوری باشند که در دیروز نه چندان دور در میدان نبرد نیز از ورزش و سلامتی غافل نبوده‌اند. به گذشته رجوع کردیم و برگه دیگری از آلبوم این مردان مرد را ورق زدیم.





هفت سین ورزش

سوت: نماد اخطار و آغاز و پایان است.
 ساعت: نماد نظم و وقت شناسی و شروع و آغاز بازی برای رسیدن به پیروزی و صعود است.
 سکو: نماد تشویق، اعتراض، هیجان و برانگیخته شدن احساسات هواداران.
 ساق بند: پاشنه آشیلی است برای جلوگیری از هرگونه صدمه.
 ساک ورزشی: همانند توشه‌ای می‌ماند که تندرستی و سلامت را برای فوتبالی‌ها به ارمغان می‌آورد.
 سکه: به عنوان نمادی از شانس و اقبال است.
 سبزه: نیز نمادی است از سرسبزی و طراوت که باعث سرزندگی فوتبالی‌ها می‌شود. (چمن هم اطلاق می‌شود)





دست و پا زدن به شیوه صهیونیستی

در این مطلب آمده است: بنیامین نتانیاهو، در میانه یک رقابت شدید انتخاباتی برای انتخاب مجدد قرار دارد. با این حال، درست دو هفته پیش از برگزاری این انتخابات، وی برای سخنرانی در جلسه مشترک کنگره آمریکا در سوم مارس، مسافتی ۹۵۰۰ کیلومتری را سفر خواهد کرد.

جان بونر، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا - که جمهوری خواهی از ایالت اوهایو است - با ران درمر، سفیر رژیم اشغالگر قدس - که خود در گذشته کارگزار جمهوری خواهان بوده و سپس تابعیت خود را تغییر داده - همکاری دارد، در تلاش برای ضربه زدن به رئیس جمهور ایالات متحده و شرکایش در گروه ۵+۱ که مشغول مذاکره با ایران هستند، از نتانیاهو برای حضور در کنگره دعوت کرده است. موضوع مذاکرات، یک اولویت مربوط به امنیت ملی برای آمریکاست که من قویا از آن حمایت می‌کنم.

به عبارت دیگر، رئیس مجلس نمایندگان برای نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی عرصه‌ای جهانی فراهم کرده تا هم به رئیس جمهور ما حمله کند و هم پیامی انتخاباتی را برای رأی دهندگان اسرائیلی ارسال کند.

جوزف لیبرمن، سناتور سابق آمریکایی، در مقاله‌ای که در واشینگتن پست منتشر کرد، نوشت: همه اعضای کنگره باید در سخنرانی حضور پیدا کنند، زیرا از آنجا که دیگر رهبران جهان در زمان حضور خود در کنگره با احترام مورد توجه قرار گرفته‌اند، نخست‌وزیر اسرائیل نیز لایق برخورد احترام آمیز است. احترام موضوع مهمی است، ولی باید میان دو متحد و متقابل وجود داشته باشد. بونر و درمر با اعلام نکردن دعوت از نتانیاهو به کاخ سفید، پروتکل‌های دیپلماتیک را نادیده گرفتند. همان گونه که دانیل کورتز، سفیر پیشین آمریکا در اسرائیل می‌گوید: «دور زدن دولت یک کشور دوست و هماهنگ کردن این گونه تریبات با پارلمان یا کنگره، امری بی‌سابقه است.»

این بی‌احترامی بی‌سابقه به رئیس جمهور آمریکا، در میان خود اسرائیلی‌ها نیز مورد توجه قرار گرفت. یکی از ستون‌نویسان روزنامه «هآرتس» در مطلبی که در این روزنامه منتشر کرده، نوشت: حتی با مقامات کم‌اهمیت‌ترین کشورها نیز با احترامی بیش از این برخورد می‌شود.

در حالی که دور تازه مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ در ژنو آغاز شده بود و به نتایج مثبتی در حال نزدیک شدن بود، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کنگره آمریکا سخنرانی‌ای انجام داد که به گفته‌ی ناظران و کارشناسان بین‌المللی در جهت تحت تأثیر گذاشتن این مذاکرات و هراس او و دولتش از به نتیجه رسیدن این مذاکرات انجام گرفت.

نوع برخورد رژیم اشغالگر قدس با موضوع مذاکرات به نوعی شبیه به واکنش عربستان سعودی بود و این نشان می‌داد که در شرایط کنونی این دو کشور به شدت نگران به نتیجه رسیدن روند مذاکرات بودند در حالی که دنیا چشم انتظار و منتظر به ثمر نشستن چند سال مذاکره برای به نتیجه رسیدن یکی از حساس‌ترین مذاکرات قرن اخیر بودند.

سخنرانی‌ای که جدا از تکرار اتهامات همیشگی نتانیاهو به ایران با واکنش‌های متفاوت و فراوانی مواجه شد. برخی حتی سخنرانی او را تحریم کرده و مواضع منفی و شدیدی علیه او اتخاذ کردند. در همین راستا، یک عضو دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا، با انتشار مطلبی در روزنامه «واشنگتن پست»، دلایل عدم حضور خود در این سخنرانی را بیان کرده است.

بنی مک کالم، نماینده ایالت مینه سوئا در مجلس نمایندگان آمریکا، ضمن انتشار مطلبی در روزنامه واشینگتن پست، از تصمیم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای سخنرانی در کنگره آمریکا انتقاد و دلایل خود برای حضور نیافتن در این سخنرانی را بیان کرده است.

موضوع ایران

آخرین باری که نتانیاهو در کنگره سخنرانی کرد، سال ۲۰۱۱ بود که در جریان آن، از «تعهد استوار اوپاما به امنیت اسرائیل» تشکر و به جهانیان اعلام کرد که زمان برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در حال از دست رفتن است.

در انتخابات گذشته رژیم صهیونیستی، تصاویر و فیلم‌های مربوط به آن سخنرانی به عنوان ابزاری تبلیغاتی مورد استفاده حزب لیکود قرار گرفت. استفاده از تصاویر سخن کنگره برای اهداف انتخاباتی، برای اعضای کنگره ممنوع است، ولی به نظر می‌رسد این ممنوعیت در صورت تبلیغ برای نتانیاهو وجود ندارد.

روز هفدهم مارس، اسرائیلی‌ها یک دولت جدید را انتخاب می‌کنند. آن‌ها باید رأی خود را بر اساس اولویت‌های خودشان تعیین کنند. من امیدوارم آن‌ها سخنرانی نتانیاهو را همان گونه که هست، یعنی به عنوان یک وسیله تبلیغات انتخاباتی بنگرند. چنین سخنرانی باید در میان خود آنها انجام شود، نه در صحن کنگره آمریکا.

ستون‌نویس‌ها آرتس در ادامه مطلب خود نوشته است: «هر رهبری، آنچه را نتانیاهو انجام داد، علیه آمریکایی‌ها انجام می‌داد، فوراً نه تنها از واشنگتن، بلکه از سمت خود در کشورش اخراج می‌شد». من با احترام کامل، این انتخاب را به رأی دهندگان اسرائیلی واگذار می‌کنم. در عین حال، با احترام کامل از حضور در تبلیغات انتخاباتی نتانیاهو خودداری خواهم کرد.

حمایت سعودی

هرچند سخنرانی نخست وزیر رژیم اسرائیل در کنگره آمریکا با انتقادات شدیدی در داخل و خارج از ایالات متحده مواجه شد، به نظر می‌رسد نتانیاهو از ناحیه‌ای که کمتر انتظارش را داشت، یعنی از عربستان سعودی حمایت شده است! مروری بر مطالب مطبوعات نزدیک به آل سعود، این موضوع را آشکار می‌کند. سخنرانی بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم اسرائیل در کنگره آمریکا که در جریان آن، به انتقاد از سیاست دولت اوپاما در قبال موضوع هسته‌ای ایران پرداخت، مورد استقبال

عربستان سعودی قرار گرفت؛ استقبالی که نشانه‌های آن در مطالب منتشر شده در مطبوعات وابسته به خاندان آل سعود قابل مشاهده است.

این در شرایطی است که جان کری، وزیر خارجه آمریکا، در جریان سفر به ریاض، تلاش داشت تا ضمن گفت‌وگو با مقامات ارشد برخی از کشورهای عرب منطقه، به زعم خود از «نگرانی‌ها»ی آنان در موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران کاسته و به این متحدین منطقه‌ای خود درباره ایران اطمینان دهد.

با وجود این، نمونه‌های حمایت مستقیم و غیرمستقیم سعودی‌ها از مواضع نتانیاهو به خوبی قابل مشاهده است. عبدالرحمان الراشد، روزنامه نگار عربستانی، در مطلبی که در روزنامه «الشرق الاوسط» (رسانه تحت کنترل خانواده ملک سلمان) منتشر کرد، نوشت: «اثر انگشت ایران همه جا قابل مشاهده است... ایران هم اکنون یک دولت متجاوز است که مشابه آن در تاریخ مدرن مشاهده نشده است.»

همین روزنامه در مطلبی که در سایت خود به قلم امیر طاهری، سردبیر روزنامه کیهان در دوره پیش از انقلاب اسلامی منتشر کرده، از یک سو، ادعاهای نتانیاهو درباره ضعف‌های توافق هسته‌ای با ایران را تکرار و از سوی دیگر تلاش کرده درباره اینکه حتی پس از دستیابی به توافق، احتمال تصویب نهایی آن از سوی طرفین باشد، ایجاد تردید کند. طاهری در بخشی از این مطلب با اشاره به بحث‌های مطرح شده درباره دوره زمانی ۵ یا ۱۰ ساله محدودیت بر برنامه هسته‌ای ایران

پس از امضای توافق، ادعا کرده، این بدان معناست که پس از گذشتن این زمان، ایران خواهد توانست به راحتی از حد و مرزهای تعیین شده عبور کرده و مدت زمان لازم برای دستیابی خود به سلاح هسته‌ای را از یک سال، به چند ماه یا حتی چند هفته کاهش دهد.

اما شاید واضح‌ترین شکل حمایت از سخنرانی نتانیاهو، در مطلبی قابل مشاهده باشد که در سایت روزنامه «عرب نیوز» منتشر شد. مطلبی با این تیتر: «آقای نتانیاهو! ایران فقط دشمن شما نیست!» عبداللطیف الملحم در این مطلب تا جایی پیش رفته که نتانیاهو را به سبب اینکه تهدید ایران علیه رژیم اسرائیل را بیش از آنچه واقعاً هست جلوه داده، مورد انتقاد قرار داده و می‌نویسد تهدید واقعی و عینی ایران، علیه عربستان سعودی است.

در انتهای این مطلب و پس از طرح اتهاماتی علیه ایران، الملحم می‌نویسد، هرچند با سیاست‌های نتانیاهو موافق نیست، اما: «اگر سخنرانی وی سبب تأخیر یا توقف برنامه هسته‌ای ایران می‌شود، بگذارید هر چه بلندتر در آیهک یا کنگره یا هر جای دیگر سخنرانی کند.»

مجموعه این مطالب و نیز تحولات اخیر حاکی از آن است که با نزدیک‌تر شدن به زمان ضرب الاجل تعیین شده برای دستیابی ایران و گروه ۵+۱ به توافق، عربستان سعودی و دیگر دولت‌های همسو با آن در منطقه، تلاش‌های خود برای ضربه زدن به مذاکرات هسته‌ای را شدت بخشیده‌اند و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.



ما برای شما پیشنهاد تازه‌ای داریم و توصیه می‌کنیم در این ایام که فراغ بال بیشتری دارید، سری به سایت‌هایی بزنید با موضوع و محوریت ایثار و شهادت. شک نکنید حال و هوای غریب و خوبی به دست می‌آورد

عید نوروز در دنیای مجازی

پرسه در حوالی معنویت

حالا دیگر گشت و گذار شبانه روزی در دنیای مجازی از تفریحات اغلب مردم شده است، خیلی‌ها بدون هدف و مقصد معلوم وارد دنیای اینترنت شده و ساعاتی را از وقت خود به این دنیا اختصاص می‌دهند، ما برای شما پیشنهاد تازه‌ای داریم و توصیه می‌کنیم در این ایام که فراغ بال بیشتری دارید، سری به سایت‌هایی بزنید با موضوع و محوریت ایثار و شهادت. شک نکنید حال و هوای غریب و خوبی به دست می‌آورد. ما برای اینکه زحمت شما را کم کنیم چند سایت خوب را به شما معرفی می‌کنیم.

سایت ساجد

WWW.SAJED.IR

هشت سال دفاع مقدس برگ زرینی از صفحات تاریخ معاصر کشورمان است. بی‌شک آیندگان نیز در سال‌های آتی افتخار خواهند کرد که زمانی در گذشته تاریخ این مرز و بوم کسانی بودند که با کمترین امکانات در مقابل متجاوزانی ایستادند که در صدد بودند جدا از تصرف خاک کشورشان، هویت اسلامی آن‌ها را نیز لگدمال کنند. اما مقاومت و ایثارگری‌های ملت بزرگ ایران نه تنها دشمنان را در رسیدن به رؤیاهای پوشالی‌شان ناکام گذاشت، بلکه درسی به آن‌ها داد که تا قرن‌های متمادی به فکر تجاوز به چنین کشوری نباشند. یکی از عوامل مؤثر در انتقال سینه به سینه فرهنگ دفاع مقدس و فداکاری رزمندگان اسلام، بیان تاریخ و واقعیات جنگ به زبان و ابزار روز است. تا زمانی که به ابزار روز مجهز نباشیم نخواهیم توانست در نیل به اهداف خود در عرصه فرهنگ دفاع مقدس موفق باشیم.

در همین راستا در هفته دفاع مقدس سال ۸۴ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اقدام به راه‌اندازی سایت جامع دفاع مقدس (ساجد) نمود.

پایگاه اطلاع رسانی فرهنگی شاهد

www.navideshahed.com

در بخشی از معرفی سایت به قلم دست اندرکاران آن می‌خوانیم...

ما می‌خواهیم:

فرهنگ ایثارگری را همچنان به یاد شما بیاوریم

مجاهدتهای ایثارگران را قدر بشناسیم

و قدردان تلاش‌های امروزشان در عرصه‌های مختلف سازندگی کشور باشیم

ما می‌خواهیم از رسانه‌های دیداری و نمایشی برای تبیین مفاهیم ایثار و

ایثارگری بهترین بهره را ببریم.
مجموعه تلویزیونی گل پامچال را به یاد
دارید؟ سیمرغ، طوفان شن یا بچه‌های
بهشت را چطور؟

ما مجله منتشر می‌کنیم: شاهد جوان، شاهدنوجوان
و به زودی شاهدکودکان.

ما کتاب منتشر می‌کنیم: داستان، خاطره، سند، زندگینامه
داستان و پژوهش.

باز هم می‌خواهی بدانی که چه می‌کنیم؟ و ...

سایت سبکبالان

www.sabokbalan.com

پایگاه اطلاع رسانی تخصصی دفاع مقدس

در این پایگاه محور سخن از انشعابات نوری است که به مبدأ بی‌نهایت خود
متصل شده‌اند،

قطرات زلال و روانی که به واسطه پیوستن به اقیانوس بی‌کران کمال، بی‌کرانه
شده‌اند،

سخن از یک پرواز است، پرواز ذره‌ای ناچیز که سبکبال ورها در آسمانی مملو از
تقدیس و تحمید به بی‌نهایتی ازلی و ابدی مبدل شده،

ما روایت گر جنگیم.

جنگ نه! دفاع... دفاعی مقدس.

دفاع در مقابل هواها و هوسها از فطرتی خدا جو و خدا خواه.

و شهید فاتح مطلق این میدان است.

سیستم‌های خبره
سی دی
سی پلاس پلاس
سی شارپ
ساختمان داده
ساختمان گسسته
سیستم عامل



صفحه اصلی | دوستان | آرشیو | تماس با ما | عناوین مطالب

ماشین عروس

«رضا رجبعلی»، از رزمندگان سال‌های
دفاع مقدس چنین روایت می‌کند:

«سعید قنبری که به جبهه رفت، نامزدش همکار ما در واحد تعاون سپاه پاسداران بود و هر روز به همراه چند تن از خواهرها به خانه‌ی شهدا می‌رفتند تا با خانواده‌ها دیدار داشته باشند. ایشان هر وقت که عملیاتی می‌شد، به واحد مربوطه مراجعه کرده و اسامی مجروحین را هم می‌گرفت که برای عیادت از آن‌ها و خانواده‌هایشان مراجعه نمایند. یک روز از قم زنگ زدند و آمار شهدا را برای ما ارسال کردند. آن روزها بسیجی‌های قزوین جزو لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) قم بودند. لیست را که دریافت کردیم، دیدیم اسم «سعید قنبری» هم جزو شهدا است. خیلی زود همه‌ی بچه‌های سپاه از شهادت او مطلع شدند و این در حالی بود که نامزد ایشان هم مرتب سراغ سعید را از بچه‌ها می‌گرفت، ولی هیچ کس جرأت بروز دادن قضیه را نداشت. از نامزدی‌شان مدت زیادی نمی‌گذشت و علاقه‌ی شدید هم به یکدیگر داشتند. قرار بود بعد از بازگشت سعید از جبهه، بروند دنبال مقدمات عروسی‌شان. سرانجام گفتن موضوع به نامزد سعید به عهده من گذاشته شد که تحت شرایط سختی صورت گرفت و زمان تشییع جنازه ایشان فرا رسید.

آن روز ما رفتیم ماشین پدر بزرگوار شهیدان «مافی» را امانت گرفته و آن را مثل ماشین عروس تزئین کردیم و از جلوی تشییع کنندگان پیکر شهید سعید قنبری حرکت دادیم. نوشته‌هایی روی ماشین نصب شده بود که توجه همه را به خود جلب می‌کرد، از جمله: «میهمان عروسی‌ام، مهدی صاحب الزمان (عج)، نقل عروسی‌ام رگبار گلوله‌ها، اسلحه، دسته‌گل دامادی‌ام و حجله دامادی‌ام، سنگر من! این تصویری از همان تشییع به یاد ماندنی است».

«عبدالحسین قنبری»، به تاریخ بیست و پنجم خرداد ۱۳۴۱، در شهر قزوین متولد شد و در هجدهم بهمن ۱۳۶۱، خلعت شهادت پوشید برادرش. کوچک‌ترش مجید نیز، سه سال بعد به شهادت رسید.



سایت مرکز رسیدگی به مصدومین شیمیایی
<http://www.isaarcwv.ir/aboutus.htm>

در این سایت، لینک‌هایی چون پرسش و پاسخ، خاطرات، آلبوم عکس، آیین نامه، آموزشی، پزشکی، تسهیلات و ارتباط با ما گنجانده شده است.

سایت انجمن دفاع از قربانیان سلاح‌های شیمیایی
www.scwvs.org

مختصری در مورد انجمن و فعالیت‌های آن:
SCWVS یک سازمان غیردولتی (NGO) می‌باشد که در وزارت کشور براساس قانون ثبت انجمن‌های غیردولتی به ثبت رسیده و عمده‌ترین اهداف این انجمن فراهم آوردن حمایت‌های پزشکی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی برای دهها هزار نفر از جانبازان شیمیایی (شامل هزاران نفر مصدوم غیرنظامی) است که از اثرات سلاح‌های شیمیایی در طول ۸ سال جنگ عراق-ایران در رنج می‌باشند. همچنین تلاش در جهت بالا بردن کیفیت زندگی و سلامت قربانیان سلاح‌های شیمیایی و افراد خانواده آنها از جمله اهداف تأسیس این انجمن می‌باشد.

سایت مرکز اطلاع رسانی موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی
www.aviny.com

سایت آوینی (سایت جهانی سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی)
<http://www.avini.com>

هفت سین

لبای پیرزن همقدم ثانیه شمار تگون می خورد. چشمای دو پسر مات مادر بود، اما هردوشون مثل همیشه ساکت ساکت بودن و مادرو نگا می کردن. آهنگ رادیو تندتر شد و بعد یه انفجار و صدای ساز و آواز ... «آغاز سال ...»

اشکای پیرزن تند و تند سرازیر شد. هق هق گریهش تو خونه ی پسرانش پیچید. لای قرآنو باز کرد. به هزار تومنی نو درآورد و جلو امیرعلی گذاشت و گفت: «پسرم ... عیدت مبارک ...» یکی هم برا کرم علی. «جون مادر ... عید تو هم مبارک عزیزم»

این اولین باری نبود که وقت سال تحویل پیرزن گریه می کرد. بیست و پنج سالی می شد از اون روزی که خبر شهادت دوتا پسرانشو بهش داده بودن. از همون روزی که دوتا پسرشو خودش توی قبر گذاشته بود. چند دقیقه ای گریه کرد تا آرام شد. دوباره قرآنو باز کرد. صدای زمزمه قرآن پیرزن توی سکوت بهشت علی گم شد.

علی موجودی

۳۰ اسفندماه ۸۷ - لحظه تحویل سال

سبزه ... سیر ... سماق ... سمنو ... سنجد ... سکه ... سیب ...

پیرزن داشت مثل هر سال هفت سینشو می چید. امیرعلی ... مادر ... آخه تا کی این پاهای من جون داره بیاد اینجا؟؟!! تا کی من باید بیام و هفت سینو کنار شماها باشم ...؟؟!!

سر و بالا کرد و توی چشمای کرم علی خیره شد. اون چشمای نافذی که هیچوقت نتونسته بود بیشتر چند ثانیه بهشون خیره بشه. مادر ... عزیزم ... تو هم که خیلی وقته ازم خبری نگرفتی!!! آخه به بار هم سال تحویلی، شما پاشین یه سر بیاین پیش من، تا من مجبور نشم این همه راهو بیام تا اینجا. بابات هم که گوشه خونه افتاده و ... خوشم باشه. چه عصاهای دستی بزرگ کردم برا روزای پیریم.

پیرزن سر رو به طرف امیر علی برگردوند و گفت: خیلی به سال تحویل نمونده. هم رادیو آوردم، هم ساعت. بعد ساعتو از توی زنبیل درآورد و روی سفره سبز رنگش گذاشت و رادیو رو روشن کرد. عینک ته استکانیشو از توی جیبش درآورد و قرآنو باز کرد و شروع کرد به خواندن.

تا رسید، کمر خمیده شو، خم تر کرد و امیرعلی رو بوسید و دستش رو کشید رو سرش. سلام پسرم. چطوری مادر؟ بازم که غرق خاک و خل شدی.

زنبیلش رو گذاشت زمین و یه دستمال در آورد و صورت امیرعلی رو پاک کرد. کمی اون طرف تر، کرمعلی با اون چشای قشنگش داشت قامت مادر رو ورنده می کرد.

مادر همینطور که مشغول پاک کردن صورت امیرعلی بود، چشمش توی چشمای کرم علی گره خورد.

سلام مادر. تو هم که عین داداشتی. الان میام صورت تو رو هم پاک می کنم. عصا رو دستش گرفت و کمر خمیده رو تا جایی که ممکن بود راست کرد و آرام آرام اومد طرف کرم علی.

صورت اونو هم بوسید و با همون دستمال صورتشو پاک کرد. دیگه نمی تونست سرپا باشه. نشست. از توی زنبیل دو تا پارچه سبز درآورد و یکی رو جلوی امیرعلی پهن کرد و دومی رو جلوی کرم علی. همینطور که پیرزن داشت با دوتا پسرش حرف می زد، شروع کرد از توی زنبیل بقیه وسایل رو در آوردن.





همه‌ان عکس تاخوردی لای قرآن

فاطمه نقدی

همین دو جفت چشم قهوه‌ای کافی است تا در تمام جاده، سبز پررنگ دره‌ها و جنگل‌ها به چشم نیایند و حواسم نباشد کی رسیدیم به جایی از جاده که دیگر سبز نیست، شالیزار نیست، بیابانست... جایی که به گمانم باید از شهرهای مرکز باشد... همین دو جفت چشم پر از خواهش، کافیست تا حواسم برود جایی که محمدحسین از بچه‌های گردان می‌گوید: حتماً جای خوبی‌ست که در نمیایی...! و من فقط لبخند بزنم. و حال سرتکان دادن هم نداشته باشم.

چشم‌ها و وقتی دنبالم می‌آمد تو ی کوچه راه، هی پشت سرهم، تو ی ذهنم بازسازی می‌کنم. یک جایی، نمی‌دانم ته چشمتم، هنوز دنبال آن عکس تاخوردی لای قرآن بود که کاش دستم می‌شکست و از روزنامه جدایش نمی‌کردم تا تو هم جدا نمی‌شدی از خودت. دلت جدا نمی‌شد از بدنت. و نمی‌رفت سمت حرم آقا... خوب یادم هست، وقتی کاسه‌ی آب، آسفالت کوچه را خیس کرد، اشک‌ها افتادند به جان چشم‌ها و اول سفیدی چشم‌ها خورد رفت و کم‌کم به سیاهی و سطش که رسید، نفهمیدم اشک‌ها کجا رفتند... با «خدا پشت و پناهت» گفتنت، بقیه‌شان فرو رفتند

توی گلویت...

تا حالا حتماً یک جایی بغض شکسته شده. یا پشت در وقتی که من رسیده بودم سر کوچه، یا روی پله‌های ایوان. شاید هم قرآن را چسبانده باشی به سینه‌ات و طوری که بخوای صفحه‌ای بیاید که آن عکس لایش است، آن را باز کرده‌ای و همه‌ی بغض همان‌جا ترکیده... شاید هم هنوز نگهش داشتی... اصلاً می‌خواهی نگهش داری تا من برگردم و برویم پابوس آقا و باب‌الجواد، همه‌اش را بریزی بیرون... من مطمئن بودم قطره‌های بیشتری از اشک‌ها را به خاطر آن عکس لای قرآن، ریختی. از وقتی بهت گفتم: فعلاً نمی‌تونیم بریم پابوس آقا! وقتی از جبهه برگشتم می‌برمت... خوب یادم هست، دلت ریخت...

همین نوک انگشتانت که خیس‌ی چشمات را می‌گیرند، برای صبح‌های جبهه بس است که تا نوک خورشید می‌زند بیرون، یاد طلایی گنبدی بیفتم که دوستش می‌داری. دوست می‌داری نوک انگشتانت بخورند به ضریح، خنک شوند... حتی از رفتن به پارک سر خیابان و قدم زدن در آن بیشتر. از خیس شدن زیر باران‌های بهار بیشتر. از رها کردن موهای خرمایی‌ات توی باد بیشتر، حتی

از دونه کردن انارهای سرخ و تیک تیک افتادنشان توی کاسه‌ی سفالی فیروزه‌ای بیشتر. از درخت‌های بهار نارنج توی حیاطمان بیشتر... ها! گفتم بهار نارنج، سعید، هم‌زم را می‌گویم، به خاطر شربت بهار نارنجی که برایم گذاشتی تشکر می‌کند...

بهت نگفته بودم! آخرین باری که زخمی شدم، همان وقتی که تیر خورده بود توی دستم، می‌خواستم یک راست با بچه‌ها بروم مشهد. ترسیدم نکند دستم قطع بشود قبل از اینکه به ضریح برسد. گفتم با یک چیزی می‌بندمش و می‌روم حرم. گفتم نکند قبل از اینکه دستم را فرو کنم لای پنجره‌های مشبک حرم و محکم بفشارمشان، بی‌دست شوم؟! قبل از اینکه ته مانده‌ی پول‌هایم را از جیبم با دست‌ها در بیاورم و ببینازم توی ضریح، دیگر دست نداشته باشم...؟! اما راستش دلم نیامد. تو بیشتر از من دلت می‌خواست بروی مشهد. بیشتر از من دلت می‌خواست دست‌ها را متبرک کنی و بخشی توی صورتت. و صلوات بفرستی. بیشتر از من می‌گفتی وقتی دست را بگیری زیر آب سقاخانه، هی از آن می‌خوری و سیر نمی‌شوی. اصلاً دستان تو لایق‌تر بودند که گندم بپاشند برای کبوترهای حرم... دست‌های تو، بوی بهشت می‌دهند...

این‌ها را نوشتم توی نامه، که اگر برنگشتم و تو رفتی حرم، بدانی که خیلی دلم می‌خواست آرزویت را برآورده می‌کردم. آرزوی تو، مال من هم بود. حواسم به آرزویت بود. به چشم‌ها بود. به قولی که شب عقدمان بهت داده بودم. حواسم به روسری سفیدی که می‌گفتی مشهد سر می‌کنی، بود. به گل‌های ریز صورتی چادر عروست بود. می‌فهمیدم چقدر دلت می‌خواست مثل اکبر آقا و زنش که ماه پیش رفتند ماه عسل مشهد، تو هم بروی. می‌فهمیدم تعریف‌های زن اکبر آقا از حرم، چقدر، حالت را خوب می‌کرد...

دیشب سرنماز از امام رضا خواستم خودش کاری کند که ببرمت پابوسش. خودش بطلبید. مقداری پول هم گذاشته‌ام زیر فرش توی پذیرایی. به برادرت سپرده‌ام برنگشتم، برایت بلیت مشهد بخرد. آن قدری پول هست که اگر خواستی، برای آبجیات زعفران بخری، برای مریم‌شان عروسک، برای مادرت نبات. برای من هم دعا کن.

قربانت، همسر تو: محمد

نامه را درست روبه‌روی ضریح، محسن دارد بلند می‌خواند. درست جایی که جنازه‌ی محمد را آورده‌اند تا توی حرم بچرخانند و طواف بدهند. سید مرتضی می‌گوید: جنازه‌ی این شهید قرار بوده برود شهر خودش، اما نمی‌دانیم چطور سر از مشهد و حرم آقا در آورده. راضیه خانم را خواسته‌اند بیاید مشهد، توی صحن آقا امام رضا (ع) جنازه‌ی همسرش را تحویل بگیرد...

بوی باران بوی سبزه بوی خاک
شاخه‌های شسته باران خورده پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگ‌های سبز بید
عطر نرگس رقص باد
نغمه شوق پرستوهای شاد
خلوت گرم کیوترهای مست
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها
خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش به حال غنچه‌های نیمه باز
خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی‌پوشی به کام
باده رنگین نمی‌نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می که می باید تهی است
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ

فریدون مشیری

در یاد منی حاجت باغ و چمنم نیست
جایی که تو باشی خبر از خویشتنم نیست
اشکم که به دنبال تو آواره‌ی شوقم
یارای سفر با تو و رای وطنم نیست
این لحظه‌چو باران فرو ریخته از برگ
صد گونه سخن هست و مجال سخنم نیست
بدرود تو را انجمنی گرد تو جمع‌اند
بیرون ز خودم راه در آن انجمنم نیست
دل می‌تپدم باز درین لحظه‌ی دیدار

دیدار ، جان در بدنم نیست
بدرود و سفر خوش به تو آنجا که رهایست
من بسته‌ی دامنم ره بیرون شدنم نیست
در ساحل آن شهر تو خوش زی که من اینجا
راهی به جز از سوختن و ساختنم نیست
تا باز کجا موج به ساحل رسد آن روز
روزی که نشانی ز من الا سخنم نیست
شفیعی کد کنی

شعر معروف حضرت امام خمینی و پاسخ مقام معظم رهبری

من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم
چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم
فارغ از خودشدم و کوس «انا الحق» بزدم
همچو منصور خریدار سردار شدم
غم دلدار فکنده است به جانم شری
که به جان آمدم و شهره بازار شدم
در میخانه گشایید به رویم شب و روز
که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم
جامه زهد و ریا کندم و بر تن کردم
خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم
واعظ شهر که از پند خود آزارم داد
از دم رند می‌آلوده مددکار شدم
بگذارید که از میکده یادی بکنم
من که با دست بت میکده بیدار شدم
روح الله الموسوی الخمینی (ره)

و جواب معشوق :

تو که خود خال لبی از چه گرفتار شدی
تو طیب همه‌ای از چه تو بیمار شدی
تو که فارق شده بودی ز همه کان و مکان
دار منصور بریدی همه تن دار شدی
عشق معشوق و غم دوست بزد بر تو شرر
ای که در قول و عمل شهره بازار شدی
مسجد و مدرسه را روح و روان بخشیدی
وه که بر مسجدیان نقطه پرگار شدی
خرقه پیر خراباتی ما سیره توست
امت از گفته در بار تو هشیار شدی
واعظ شهر همه عمر بزد لاف منی
دم عیسی مسیح از تو پدیدار شدی
یادی از ما بنما ای شده آسوده ز غم
ببریدی ز همه خلق و به حق یار شدی
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

منم در سفره دارم هفت سین را
ولی توأم شده با داغ زهرا
بود سین نخستین سیلی کین
به روی مادرم با دست سنگین
بین بر سفره سین دومم را
که سویی نیست در چشمان زهرا
بگویم سین سوم تا بسوزی
که مادر سوخت بین کینه توزی
از این ماتم دل حیدر غمین است
که سین چهارم سقط چنین است
به روی سفره سین پنجم این است
سر سجاده اش زینب حزن است
شده سفره پر از اشک شبانه
ششم سین، مانده سوت و کور خانه
چه گویم شیعیان از سین آخر ؟
بود آن سینه‌ی مجروح مادر...

۱- سفر به گرای ۲۷۰ درجه احمد دهقان

سوره مهر

پرفروشترین رمان ادبیات دفاع مقدس که در سال ۱۳۹۳ به چاپ بیستم رسید.

۲- سفر به قله ها

بهبودی، سرهنگی، هشترودی

سوره مهر

بخشی از متن کتاب: «آخرین تصویرهای غیر جنگی، تا اولین دژبانی منطقه جنگی، تصویری است از: «زنان زحمتکش با کولهبار هیزم و حفظ تعادل بارهای سنگین که با مهارت کامل روی سرهایشان قرار می‌گیرد و بازی دختران کوچک با لباس‌های زری و پسر بچه‌های بازیگوش که با کفش مجلی «اسکی» می‌کنند...»

هوا کاملاً «میگی» است، و به همین دلیل صدای خشن ضدهوایی‌ها خیلی زود دیوار صوتی افکار ما را می‌شکند...»

چاپ چهارم کتاب «سفر به قله‌ها» تولید دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری است که سوره مهر آن را در ۱۱۱ صفحه، قطع رقعی و در تیراژ ۲۵۰۰ جلد منتشر کرده است.

۳- سفر به روایت سرفه‌ها سفرنامه

هیروشیما

حمید حسام

صریر

"سفر به روایت سرفه‌ها" نوشته حمید حسام از آثار شاخص در زمینه دفاع مقدس است و به موضوع جانبازان شیمیایی می‌پردازد.

باید گوش شنوا داشت و سفر به روایت سرفه‌ها

را خواند. سرفه‌هایی که گاه هیچ کس نمی‌داند محصول مشترک شرکت‌های اروپایی و حمایت‌های مالی دولت‌های عربی، صفحه گردانی شرق است. فریاد می‌زنند.

این کتاب که سفرنامه هیئت ایرانی را در مراسم سالگرد فاجعه هیروشیما در بر دارد در ۲۰۸ صفحه از سوی انتشارات صریر در سال ۹۲ روانه بازار کتاب شده است.

۴- ستاره‌ها خواب ندارند

علی اکبر خاوری‌نژاد

نشر شاهد

داستان این کتاب از زبان جانبازی روایت می‌شود که در یک خانواده متمول به دنیا آمده است و طی سلسله اتفاقاتی که برایش در زمان جنگ رخ می‌دهد، متحول شده و عازم جبهه‌های جنگ می‌شود و در آنجا بر اثر معاشرت با بهترین بندگان خدا تمام الگوهای فکری گذشته‌اش دچار دگرگونی شده و سپس دچار حادثه و مجروحیت شیمیایی و موج گرفتگی می‌شود و در حالی که همزمانش تصور می‌کردند شهید شده است در سردخانه متوجه می‌شوند هنوز زنده است.

۵- سفر سرخ

نصرت الله محمودزاده

نشر شاهد

«سفر سرخ» داستان زندگی یک قهرمان، رمانی است برآمده از خاطرات شهید بزرگوار «علم الهدی» که «نصرت الله محمودزاده» آن را راهی بازار نشر گردانیده است.

کار تحقیقی جدی صورت گرفته در این کتاب که بر پایه ی اطلاعات موجود از شهید تا مصاحبه با شخصیت‌های مختلف حتی رهبر معظم انقلاب

سامان یافته است به این مجموعه ۳۸۸ صفحه ای وزانت دو چندان داده است.

۶- سجیل آتش

علیرضا پور بزرگ وافی

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

زمندگان مومن و فداکار هوانیروز در طول هشت سال دفاع مقدس که در کنار سایر رزمندگان ارتش، بسیج و سپاه جنگیده و در این راستا افتخارات زیادی به دست آورده‌اند. کتاب "سجیل آتش" به بررسی این مباحث پرداخته است.

از بیکاری حوصله‌ام سر رفته بود. صبح زود به امید انجام مأموریت بیدار شده بودیم ولی مثل اینکه باران سر لج داشت و نمی‌خواست ما به پرواز درآییم. شدت باران به حدی بود که نمی‌توانستیم بیرون ساختمان بیاییم. حتما شما تعریف باران‌های جنوب را شنیده‌اید. وقتی باران می‌بارد، آسمان مثل آبپاشی می‌شود که سوراخ‌های درشتی دارد و آب از آن با شدت فوران می‌زند. دوست فیلمبردار ما هم دست از سر من برنمی‌داشت. به او گفته بودم وقتی عملیات انجام می‌دهیم می‌تواند فیلم را بگیرد. او از ارتش و برای ثبت حماسه‌های هوانیروز آمده بود...

۷- سایه ملخ

محمدرضا بایرامی

این یکی از رمان‌های خوب دفاع مقدس برای نوجوانان است که ما به شما توصیه می‌کنیم. چه اشکالی دارد یک وقتایی نوجوونی کنیم. «سایه ملخ» نگاهی متفاوت به جنگ، سنت‌ها و زندگی روستایی دارد و تولید واحد کودک و نوجوان مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری است.

تبسم های جبهه

مؤلف: حمید داود آبادی

ناشر کتاب: موسسه سرلشکر شهید حاج احمد کاظمی

سال نشر ۱۳۹۳

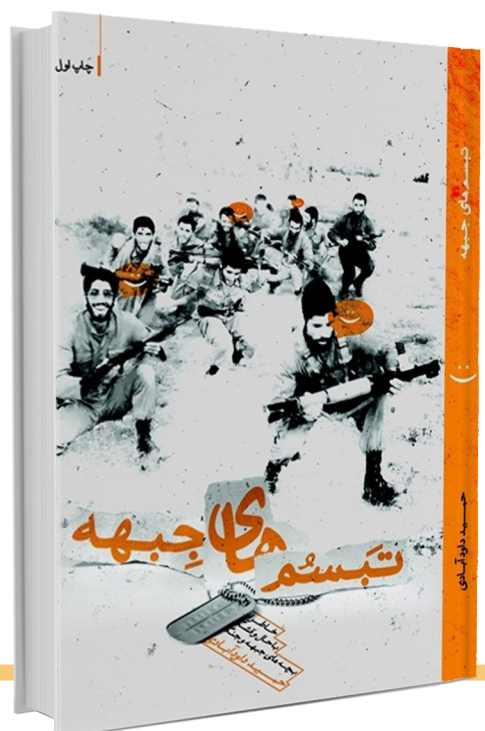
کتاب «تبسم‌های جبهه» کاری متفاوت از «حمید داودآبادی» است که به خاطرات با حال و قشنگ بچه‌های جبهه و جنگ می‌پردازد.

در این کتاب به خوبی صفا و صمیمیت بین رزمندگان اسلام توصیف شده است و بیان شوخی‌ها و طنزهای رزمندگان در دفاع مقدس به جذابیتش افزوده است.

نویسنده محبوب و ارزشمند دفاع مقدس «حمید داودآبادی» در مقدمه کتاب «تبسم‌های جبهه»، نوشته است: شاید اکثر اونایی که گول خورده! و توی مطبوعات یا اصلاً توی کتاب‌های خودم، خاطرات تلخ و شیرین رو خونده باشن، بعضی از این خاطرات براشون تکراری باشه! بله درسته ولی ... به پیشنهاد یکی از دوستان، این کتاب رو از دل همه خاطراتم درآوردم تا تبسم‌های شیرین و شادی‌های کودکانمان رو در جنگ، یکجا بذارم توی قاب نگاهتون.

حالا خود دانید.

اگر خوش‌تون اومد، دعاشو به جون رفیقم بکنید، و اگر هم نه، که خب چیکار کنم تا راضی بشین؟! در اردوگاه بر اثر بی احتیاطی و سهل انگاری اتفاقات ناگواری هم می افتاد. ظهر یکی از روزها، هنگامی که همه در خواب بودیم، صدای انفجاری در کنار چادر، همه مان را بیرون کشید.



باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برآیمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

فاضل ابراهیم زاده - پاره

- سلام خانم صبحتان بخیر از شاهد جوان تماس می‌گیرم. منزل آقای ابراهیم زاده. سلام. بله بفرمایید؟
- می‌توانم با ایشان صحبت کنم؟ منزل نیستند ام‌رتان؟
- شما شاهد جوان را مطالعه می‌کنید؟ بله.
- نظرتان در مورد شاهد جوان؟
چون ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر ساکنینش خانواده شهید هستند به خوبی متوجه می‌شویم که شهدا چگونه برای این خاک و سرزمین از همه چیز خود گذشتند و هر وقت این مجله را می‌بینم خوشحال می‌شوم که باز کسانی هستند که شهدا را فراموش نکرده‌اند ولی وظیفه شما معرفی بیشتر شهداست.

- و پیشنهاد شما بزرگوار؟
تمام صفحات را به موضوع شهادت اختصاص دهید.

ثمره السادات ماه منیری - کرج

- سلام، وقتتون بخیر. از مجله شاهد جوان با شما تماس می‌گیریم.
سلام، بفرمایید در خدمتم.
- کدام صفحه مجله نظر شما را بیشتر جلب می‌کند؟
مجله چون در فضای جبهه و جنگ است برایم جالب است.
- پیشنهادی برای بهتر شدن مجله دارید؟
پیشنهاد خاصی ندارم.

علی زارعی - سمیرم اصفهان

- کدام یک از صفحات مجله را می‌پسندید؟
صفحه مورد نظر بنده، صفحات دور و نزدیک است.
- و پیشنهاد شما برای پیشرفت مجله؟
صفحه پیامک رو به مجله اضافه کنید.

سعید مفتاح راد - تهرانی

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله شاهد جوان را دریافت کرده‌ایم ولی اشتراک این مجله به نام دخترم است.
- ایشان تشریف دارند؟
خیر.

- شما مجله‌ی شاهد جوان را هم مطالعه می‌کنید؟
بله و از زحمات شما خیلی ممنون هستم. انشاءالله شهدا حافظتان باشند چون کاری که شما انجام می‌دهید حفاظت از خون آن بزرگان است.

محمدرضا رضایخواه - ارومیه

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله. ولی همه صفحات آن را مطالعه نکرده‌ام بیشتر خانمم مطالعه می‌کنند.
- چه چیزی در مجله‌ی شاهد جوان شما را بیشتر جذب کرد که اشتراک گرفتید؟
خواندن این مجله حس خوبی را به من می‌داد و به یاد روزهای جنگ می‌افتم. خاطرات شهدا و یا جانبازان برای من روزهای زیبای زندگی‌ام را تداعی می‌کرد.
- شما در کدام منطقه عملیاتی حضور داشتید؟
در جنوب مناطق بستان، دهلاویه، طلائی.
- شما فرمودید که دوران جنگ روزهای زیبای زندگی شما بوده. به نظر شما روزهای جنگ چطور می‌تواند جزء روزهای زیبای زندگی باشد؟
درست است که در جنگ خیلی حوادث ناگوار رخ می‌دهد اما زیبایی آن روزها به دلیل آفریدن صحنه‌هایی بود که پر بود از معنویت. اگر ما در آن لحظات که به مرگ نزدیک بودیم ایمان و یاد خدا نبود آن لحظات به لحظات تلخ و بد مبدل می‌شد، اما جنگ پر از خوبی و ایثار و فداکاری بود.

انیسه دستجردی - کرج

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله‌ی خوبی است من صفحه‌ی مهارت را خیلی دوست دارم.
- چه چیزی در صفحه مهارت شما را جذب می‌کند؟



- به روز بودن مطالب، اینکه مطالب کاربردی برایمان به چاپ می‌رسانید. خیلی خوب است.

حمیدرضا سحر سپید - مرند

- دوست دارید برای فروردین ماه چه مطالبی بیشتر در مجله‌ی شاهد جوان کار شود؟
اگر لطف کنید مطالب زیبای بهاری و البته مرتبط با جبهه و جنگ بگذارید ممنون می‌شویم.
- کدام صفحه را بیشتر می‌پسندید؟
بیشتر صفحات را می‌پسندم.

سمیرا سیاح - اندیمشک

- به نظر شما چطور می‌توانیم در جامعه‌ی امروز، راه شهدا را برویم و به جوانان و نوجوانان اطرافمان آموزش بدهیم؟
مطالعه سیره شهدا و به کار بستن رهنمودهای آن عزیزان.

الهام توحید الوار - سنندج

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله. هر ماه.
- نظر تان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله خوب است اما گاهی حس می‌شود که مطالب با موضوع آزاد خیلی بیشتر از مطالب با موضوع شهداست. من از این موضوع ناراحت می‌شوم.

خانم زهرا اسفندیاری - تربت حیدریه مشهد

- نظر تان در مورد شاهد جوان؟
مجله خوب و خواندنی است.
- چطور می‌توانیم به آزادگان ادای دین کنیم؟
با ارج نهادن به آنها تو مقاطع مختلف به فرزندانمان. فراموش نکردنشان.

هوشنگ رضانی - مرکزی

- نظر تان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
خیلی مجله خوبی است لطفاً یک مشاور ثابت در مجله داشته باشید که ما مشکلاتمان را مکاتبه‌ای با ایشان در میان بگذاریم و ایشان از طریق مجله به ما جواب دهند.
- چشم. ان شاء الله.

علی محمد یادگار - فارس

- نظر تان در مورد شاهد جوان؟
مجله خوبی است، ولی کاش بیشتر در مورد مشکلات خانواده شهدا بپردازید. صفحه دور و نزدیک را خیلی دوست دارم چون به معرفی مناطق عملیاتی کشور عزیزمان پرداخته. و این امکان را می‌دهد که خیلی از فرزندان و خانواده شهدا با محل شهادت فرزندان و پدرشان آشنا شوند مثل خود بنده که پدرم در منطقه عملیاتی پاوه به شهادت رسیده است.
- روحشان شاد.

رضا شریفی - یاسوج

- نظر تان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
والله ما این مجله را مجله‌ی خانوادگی خودمان می‌دانیم اما این مجله کاستی‌هایی هم دارد.
- آقای شریفی کاستی‌ها را بفرمایید
به نظر بنده، شما که در عرصه ایثار و شهادت دارید زحمت می‌کشید باید طبق فرمایشات حضرت آقا در زمینه ترویج فرهنگ شهادت بیشتر از این تلاش کنید. و مطالب خود را در زمینه‌های معرفی شهدا اختصاص دهید. معرفی شهدا به شکل تخصصی که حداقل ۲ صفحه در هر شماره را به معرفی یک شهید اختصاص داده و ریشه‌یابی کنید که دلیل اینکه آمدن شهید در این راه چه بوده است.

حسین فیروزکوهی - تهران

- نظر تان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله‌ی خوبی است. من نزدیک به سه سالی می‌شود که اشتراک مجله جوان را دارم.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
صفحه‌ی دریچه، علمی، بین الملل و دور و نزدیک.

امیر عرشیا موحدی - بیرجند

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله.
- نظر تان در مورد مجله؟
مجله‌ی خوبی است ولی می‌تواند بهتر شود.
- شما برای بهتر شدن مجله چه پیشنهادی دارید؟
مجله خیلی پر محتواست ولی راستش را بخواهید رنگ و لعابش به قولی کم است البته به نسبت مجلات دیگر عرض می‌کنم.

محبوبه اسماعیلیان - ایرانشهر

- نظر تان در مورد شاهد جوان بفرمایید؟
خیلی خوشحالم که با من تماس گرفتید. راستش من اوایل تصور می‌کردم که این صفحه و این تماس‌ها واقعی نیست. حلال بفرمایید.

نامه‌های رسیده

فاطمه قنوتیان - اصفهان، افسانه چقا قاسمی - سرپل ذهاب، اسد محمدی، جگر لویی - سقز، سحر صارمیان - تهران، مینا محمدی - اهواز، مریم میر حسنی - بابل، شوانگیز قربانی - گنبدکاووس، محمد صادق سرافراز - کرج، بهنام سعیدی - ایلام، کریم نوری - اهواز، سجاد یعقوبی - شیراز، ندا احمدی - زنجان، احسان قوانی - سبزوار، مالک لهراسبی - سمیرم



این شماره هم به
ثیت شما «متولدین
هر ماه» تفاعلی زدیم به
وصیت شهدا که امید
در آینده و وصیت شهدا
برسیم به آنچه که از ما
میخواهند و خدا می‌خواهد
و ما می‌خواهیم.

تقال

فروردین

از تفرقه و جدایی با همدیگر بپرهیزید و به گفته امام
با هم یک واحد باشید تا انشاءالله خداوند پیروزی‌های
بیش‌تر در مسئولیت‌تان به شما اعطاء کند.
شهید حیدرعلی نصیریان

اردیبهشت

شما را به تقوا و ترس از خدا سفارش می‌کنم و اینکه
دنیا را نخواهید، هر چند شما را بخواهند. به کالای دنیا
دل نبندید، هر چند در دسترس شما باشند. و اندوهناک
نباشید به چیزی که از شما گرفته باشند و راست و
درست سخن بگویند و برای آخرت کار کنید و ستمگر را
دشمن و ستم‌دیده را یار و مددکار باشید.
شهید غلامحسین اله مرادی

خرداد

سعی کنید همیشه از این دولت خدمتگذار و مسئولین
دولتی و ائمه جمعه و دیگر مسئولین زحمتکش حمایت
کنید.
شهید سیدعلی میرشمسی اردکانی

تیر

اما خواهرانم حجاب خود را یادتان نرود و گوش به سخن پدر
و مادر بدهید و اگر خواستید به درس ادامه دهید خوب درس
بخوانید شاید بتوانید به این مملکت اسلامی کمک بکنید.
شهید سیدمحسن کافی موسوی

مرداد

حضرت علی (ع) فرمودند: اتقوا معاصی!... فی الخلوات فان
شاهد هو الحاکم، بترسید و خود را نگهدارید در برابر گناهان
حتی در خلوت که شاهد اعمال و روز قیامت حاکم بر اعمال
است.
شهید مرتضی زارعان دولت آبادی

شهریور

خدایا اگر گناه من نزد تو بزرگ است پس گذشت تو به مراتب
بزرگ‌تر از گناه من است.
شهید رضا نجیمی کتابونجه

مهر

ای مردم نکند خدای ناکرده نفستان بر شما پیروز شود و
شیطان شما را فریب دهد و به دنبال عیش و نوش خود باشید.
سعی کنید کارهایتان برای رضای خدا باشد و در آن ریا نباشد.
شهید مسلم اسکندری

آبان

خداوند در قران کریم می‌فرماید: خدایی که آفرید مرگ و
زندگانی را که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر و
خلوص اعمالش بیشتر است و او مقتدر و آمرزنده گناه
بندگانست.
شهید منوچهر اکبری باصری

آذر

برادران من نماز را بر پای دارید، دست توسل از دامن ائمه اطهار (ع) بر ندارید، امام را دعا کنید به حرف روحانیت گوش بدهید، مبادا از روحانیت جدا بشوید. شهید یدالله رضایی

دی

وصیت من مخصوصاً به قشر نونهال و نوجوانان آگاه می‌باشد که در برابر هر تهاجم سیاسی و نظامی شرق و غرب با مشت‌های گره کرده باشید و نگذارند که این انقلاب اسلامی به دست ناهلان و نامردان بیافتد. شهید کریم برگی

بهمن

ما که ایمان به آخرت داریم مرگ سرخ را در نظر داریم آنکه می‌کشد ما را عاقبت بداند که دیگران همچون زینب میکشد رسالت را مرگ سرخ یادگار عاشوراست به به که امروز همچو عاشوراست آنکه میکشد ما را عاقبت بداند قرن ما قرن عاشورا است شهید اصغر زمانی نیه

اسفند

ای دوستان من بدانید که حساب ما از حساب امت‌های دیگر بسی مشکل‌تر است زیرا ما در زمان و دوره امام حاضر و فرزند زهرا زندگی می‌کنیم پس مواظب خود باشید از شما می‌خواهم که هر روز بیش از پیش به این انقلاب خدمت کنید اگر چه من حالا لیاقت شهادت در راه خدا را نداشتم ولی خوشحالم از اینکه این لیاقت را پیدا کردم. شهید والی‌الله رهنما



When his son's corpse was brought, it was only some bones.
The father stood still and told his wife: "haj khanom! Don't be depressed. His weight is exactly the same as his weight when God donated him to us,"

ترجمه‌ی شماره قبل
امام جماعت واحد تعاون بود . بهش میگفتند حاج آقا آقاخانی
روحیه عجیبی داشت . زیر آتش سنگین عراق شهدا رو منتقل می کرد عقب توی همین رفت و آمدها بود که گلوله
مستقیم تانک سرش رو جدا کرد.
چند قدمیش بودم
هنوز تنم می لرزه وقتی یادم میاد از سر بریده اش صدا بلند شد : السلام علیک یا ابا عبدالله
شهادت : کربلای ۵ شلمچه
برگرفته از کتاب روی خط عاشقی



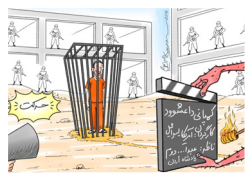
از شما خوانندگان عزیز مجله می خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه
کرده و به آدرس ما ارسال کنید . به بهترین ترجمه جایزه داده می شود.

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:
آصف صفایی-سمنان



کاریکاتور است: محمد کارگر

خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله‌ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می‌دهد. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.



برنده شماره گذشته:
حمید صابحیان

داعش ساخته و پرداخته آمریکا، اسرائیل و هم پیمانان منطقه‌ایش است

نوید شاهد هر روز میزبان

چشمان مهربان شماست

www.navideshahed.com

